حافظان حریم

امر به معروف در عصر ما

محمد رضا اکبری




بسم الله الرحمن الرحیم

حافظان حریم امر به معروف در عصر ما

نویسنده:

محمد رضا اکبری

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حافظان حریم(امر به معروف در عصر ما)

مشخصات کتاب

سرشناسه : اکبری محمدرضا، ۱۳۵۴ - عنوان و نام پدیدآور : حافظان حریم (امر به معروف در عصر ما)/ تألیف محمد رضا اکبری. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری : ۱۹۵ ص. شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۶۳-۶ : یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : امر به معروف و نهی از منکر موضوع : امر به معروف و نهی و از منکر -- احادیث شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۲۲۶/۴ /الف ۷ح۲ ۷۸۳۱ رده بندی دیویی : ۵۷۷۳/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۲۰۴۶۱

« دعای مطالعه »

اَللّهُمَّ اَخْرِجْنی مِنْ ظُلُماتِ الْوَهْمِ وَاَكْرِمْنی بِنُورِ الْفَهْمِ. اَللّهُمَّ افْتَحْ عَلَیْنا اَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَانْشُرْ عَلَیْنا خَزائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ مفاتیح الجنان خداوندا مرا از تاریکی های وهم و خیال درآور و به روشنی فهم گرامی دار. خداوندا درهای رحمتت را بر ما بگشا و گنجینه های علومت را بر ما بازگردان. به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان.

مقدمه مؤلف

"امر به معروف" انتشار خوبی ها و افشاندن بذر نیکی ها در کشتزار جان آدمی است تا با به ثمر رسیدن هر بذر، گلی از درون او شکفته شود و در نتیجه جامعه گلزاری از ارزش ها، نیکی ها و فضیلت ها گردد.

"امر به معروف" افزایش فضای سبز خانه دل ها و کویرزدائی معنوی جامعه و جان کسانی است که از نیکی ها فاصله گرفته اند.

"امر به معروف" کلید خوبی هاست و ماهیت نیکی و نیک آوری دارد و نهی از منکر چراغ تابنده ای است که ماهیت نیکی و ضد پلیدی دارد.

"نهی از منکر" بارش قطرات زلال باران بر سرزمین جان گنهکار است که شعله های معصیت را خاموش می سازد و به گسترش تیرگی های قلبش پایان می بخشد. و چنین ویژگی هایی است که این دو فریضه نورانی را بر سایر فرائض امتیازی بزرگ بخشیده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

امر به معروف بهترین اعمال مردم است.(۱)

اما این آثار ارزشی جز در پرتو عمل به این دو اصل تابنده نقش نمی بندد. این دو گنجینه الهی با همه ذخایر گرانقدر خود همواره در زیر طبقات سهل انگاری ها، فراموشی ها و غفلت ها مدفون شده اند و حتی ابعاد مختلف آنها به سررشته سنجش

هـای عالمـانه برنتابیـده اسـت. و مهـم تر آن که عمـل به این دو فریضه بزرگ نه به انـدازه نمـاز و روزه که به انـدازه برخی از مستحبات رسمیت

نیافته است.

به نظر می رسد علل عمده این مسائل ناآگاهی به جایگاه، آثار، شیوه های عملی موفق، رموز موفقیت، نمونه ها، الگوها و انواع معروف و منکر به ویژه درعصر ما می باشد.

کتاب حاضر که به یمن الطاف الهی و عنایات اهل بیت علیهم السلام تألیف گردیده است، مجموعه ای است که ضمن تحلیلی نو و جامع پیرامون این دو اصل عملی، موارد یاد شده را با کارشناسی و توجه کامل به کاربردی بودن آنها که غالباً به تجربه رسیده اند مورد بحث قرار داده است. و امید می رود مورد قبول ذات اقدس حق قرار گیرد.

فصل اوّل : جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

امر و نهی از دیدگاه عقل

امر به خوبی ها و نهی از بدی ها دو اصل پذیرفته شده همه ملل و اقوام در طول تاریخ زندگی انسان بوده است، زیرا این دو اصل در بردارنده منافع انسان ها و منطبق با عقل و فطرت اند. البته خوبی ها و بدی ها در نزد اقوام گوناگون متفاوت است و معیار ارزش ها و ضد ارزش ها در نزد ملل معتقد به ادیان الهی به ویژه اسلام با کسانی که از چنین عقایدی محرومند تفاوت های چشمگیری دارد، اما این اصل مشترک بین المللی است که اگر عملی را خوب یا بد بدانند امرونهی آن را یک ارزش به حساب می آورند. زیرا عقل "امر به خوبی ها" و "نهی از بدی ها" را عملی نیکو تلقی می کند و اگر ادیان الهی دستوری بر این فریضه ارزشمند نداشتند عقل به ضرورت انجام آن حکم می کرد. چون با توجه به منافع فراوانی که در امر به نیکی ها و نهی از بدی ها برای جامعه و فرد خطاکار و حتی نسل های آینده وجود دارد انجام آن را ضروری و ترک آن را قبیح و زیانبار می داند.

از سویی جلب منفعت

و دفع ضـرر از احکام ضروری و بدیهی عقل است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از اصول پذیرفته شده همه عقلا است و تمـام انسـان هـای متفکر و عاقـل آن را جزء ضـرورت های حیات بشـری می داننـد. و البته هر گاه مسـئله ای در این درجه از ضرورت قرار گیرد، ادیـان الهی بر آن مهر تأییـد می نهنـد و از همین رواست که این دو عنصـر حکم مشترک همه ادیان الهی است که به برخی از شواهد قرآنی و روایی آن اشاره می کنیم.

قرآن کریم از قول لقمان حکیم می فرماید:

ای فرزندم، نماز بگزار و امر به معروف و نهی از منکر نما.(۲)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

موسـی بن عمران علیه السـلام عرض کرد پروردگارا! چه کسـی از اهل توست که او را در سایه عرش خود قرار می دهی وقتی که سـایه ای جز سـایه تو نباشـد؟ خداونـد وحی فرمود: کسـانی که برای حلاـل شـدن حرام من غضب می کننـد، آن گونه که پلنگ به هنگام مجروح شدن غضب می کند.(۳)

حضرت مسیح علیه السلام فرمود: کسی که قدرت داشته باشد، ظلم را تغییر دهد و تغییر ندهد مثل انجام دهنده آن است.(۴)

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

اسـلام دارای اصولی اعتقادی و عملی است که مهمترین اصل اعتقادی آن توحیـد و مهمترین اصل عملی آن "امر به معروف و نهی از منکر" است. زیرا با عمل به چنین فریضه ای است که سایر احکام الهی احیا و اجرا می گردد و زشتی ها از چهره جامعه و زندگی مسلمانان زدوده می شود و حضور ضروری صالحان در جامعه تثبیت می گردد.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

پایداری دین به امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است.(۵)

و در حدیث دیگری فرمود: تمام اعمال خیر

و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ای در برابر دریای پهناورند.(۶)

تشبیه امر به معروف و سایر اعمال خیر به دریا و قطره که سمبل و نمونه بزرگی و کوچکی هستند عظمت بیشتر این فریضه الهی را آشکار می کند. و جالب توجه است که جهاد در راه خدا نیز همانند قطره ای در برابر دریای پهناور "امر به نیکی ها و نهی از زشتی هاست". هر امر به معروفی کار خیر است امّا هر کار خیری امر و نهی دینی نیست و از این رو طرح جایگزینی اشاعه معروف و دعوت به خیر و تأسیس نهادهای علمی و اجتماعی دینی به جای امربه معروف و نهی ازمنکر یک خطای بزرگ است. هر کدام از این امور جای خود دارد. هیچ کار خیری امر و نهی دینی نمی شود و جایگاه و آثار آن راندارد.

فلسفه امر و نهی دینی

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، هدایت و صیانت شخص و جامعه از بدی ها، گرایش به نیکی ها و در نتیجه پایداری و حاکمیت دین و ارزش های انسانی بر جامعه اسلامی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

خداوند امر به معروف را برای اصلاح عموم و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان واجب فرمود.(۷)

بهترین شیوه اصلاح جامعه

با توجه به گستره ابعاد زندگی بشر و سرپیچی های او از احکام شرع و عقل در تمامی صحنه های زندگی، هیچ سازمان و دستگاه گسترده ای با صرف بالاترین هزینه ها قادر به اصلاح جامعه و کنترل افراد آن نخواهد بود. به همین علت خداوند با تکلیف قرار دادن امر و نهی به مثابه مترقی ترین حکم اجتماعی که موفقیت و کارایی آن پیوسته به اثبات رسیده است، اصلاح جامعه را ممکن و آسان کرده است، به گونه ای که اصلاح مردم به دست خود آنها در همه جا و حتی در خصوصی ترین محیطهای زندگی صورت می پذیرد و کمترین هزینه ای را هم برای بیت المال در بر ندارد.

اسلام با واجب کردن امر و نهی و ولایت محدودی که در جلوگیری از گناه برای مؤمنین نسبت به گنهکاران قرار داده است در عمل نوعی تشکیلات وسیع، بدون هزینه و سازنده ای را در همه جای جامعه اسلامی بوجود آورده است و با پاداش و تهدیدی که بر انجام و ترک آن مقرر فرموده است، تحقق این وظیفه را تضمین نموده است.

قرآن کریم می فرماید:

وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّةٌ يَدْعُونَ اِلَى الْخَيْرِ وَ يأمُرُونَ بِالْمَعْروفِ و يَنْهَونَ عَنِ الْمُنْكَرِ و اُولئكَ هُمُ الْمُفْلِحُون.(۸)

باید گروهی از شما مسلمانان خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند، امر به نیکی نمایند و از کار بد

نهی کنند، اینان رستگارانند.

طبیعت امر به معروف و نهی از منکر

کسی که به معصیتی آلوده می شود به انجام آن تمایل دارد و اگر واجبی را ترک می کند، انجام آن را غالباً دشوار می بیند. از سویی نهی کننده از عمل زشت می خواهد بر خلاف تمایل گنهکار او را به ترک عمل وا دارد. از این رو نوعی درگیری بین تمایل پاک نهی کننده و تمایل زشت گنهکار بوجود می آید که انجام نهی از منکر را برای هر دو دشوار می سازد و چه بسا سبب درگیری و بروز اختلاف و نزاع گردد، به ویژه اگر گنهکار خود را در زندگی آزاد فرض نماید و امر و نهی دیگری را که با نوعی ولایت بر او اعمال می شود با آزادی هوای نفس خود مخالف ارزیابی کند، در حالی که نهی کننده وظیفه دینی و عقلی خود را انجام می دهد. و این طبع نهی از منکر است که بر نفس گنهکار تلخ و تند می آید. به تعبیر روشن تر تندی از فلفل است نه فلفل فروش، و تندی فلفل را به حساب فروشنده آن گذاردن خطاست اگر چه گاهی تندی هر دو به هم می آمیزد.

این تندی در امر به معروف کمتر احساس می شود، زیرا در امر به معروف غالباً درگیری نفسانی وجود ندارد و لذا آرامش حفظ می شود و محبوبیت ها دوام می یابد. این طبع نهی از منکر است که سبب درگیری می شود. مشکلات تذکرات اجتماعی که منجر به مسائل مختلفی در سطح جامعه و دستگاه های اجرایی و قضایی می گردد، اغلب در پی نهی از منکر است و برای همین است که مردمان راحت طلب و برخی از دستگاه ها و رسانه های مصلحت اندیش تنها به "امر به معروف" می پردازند و از

نهی از منکر و هرگونه تذکری که با درگیری نفسانی گنهکار همراه باشد پرهیز دارند. کسانی که در سخنان، حرکت ها و برنامه ریزی های خود تنها به امر به معروف همت می گمارند، نیمی از موفقیت های اصلاحگرانه خویش را از دست می دهند و از انجام نیمی از وظایف دینی خود در پاک سازی افکار، اخلاق و اعمال مردم باز می مانند.

البته این گرفتاری نفسانی هر انسانی است که وقتی با حق اصطکاک می یابد آن را تلخ احساس می کند. نهی ازمنکر حق است، پیام خداست و چه پیامی از پیام خدای مهربان شیرین تر و گواراتر! اما همین پیام برای مخاطب آن تلخ احساس می شود و حتی پیام رسان آن که مأمور حق است به آن گونه که شایسته است مورد توجه قرار نمی گیرد. البته بندگان خوب خدا که خطایی کرده اند از پیام رسان و پیام حق استقبال می کنند آن چنان که از بهترین دوست خود استقبال می کنند بلکه از وی تشکر و در حق او دعا می کنند.

امتیاز «نهی ازمنکر» بر «امربه معروف»

عواملی سبب امتیاز نهی ازمنکر بر امربه معروف گردیده است.

* غالباً زشتی انجام محرّمات از قبح ترک واجبات بیشتر است، زیرا انجام معصیت یک مخالفت ایجابی است و ترک واجب مخالفت سلبی است و مخالفت در مورد اول نمود بیشتری از مخالفت در مورد دوم را به همراه دارد و از این رو ترک مخالفت اهمیت بیشتری بر انجام موافقت دارد و به تعبیر دیگر تخریب بتخانه از ساختن مسجد بهتر است. انسان ها نیز این گونه هستند که اگر نهی آنها نادیده گرفته شود معمولاً نگرانی بیشتری اظهار می کنند تا این که به امر آنها عمل نشود. در سیر و سلوک معنوی نیز اولین و اساسی ترین قدم ترک محرمات الهی است.

* نهی ازمنکر

به مراتب از امربه معروف دشوارتر است و بنابر روایت، بهترین اعمال، سخت ترین آنهاست.

اصولاًـ اعطای به مردم آسان تر از گرفتن از آنهاست. در امربه معروف انسان عمل نیکی را هدیه می کند و گنهکار این را درک می کند اما در نهی ازمنکر گرفتن چیزی مطرح است که چه بسا گنهکار به آن خو کرده باشد و گرفتن چیزی که جزء عادت وی شده است موجب ناخرسندی او می گردد.

امر به معروف و نهی ازمنکر دو فریضه جداگانه اند زیرا امر به خوبی ها جنبه مثبت و ایجابی دارد و نهی از زشتی ها جنبه منفی و سلبی دارد و از همین روست که استقبال گنهکار در امر به معروف بیشتر است و یا بی رغبتی او نسبت به آن کمتر از نهی منکر است. چه نیکوست که در صورت امکان، نهی ازمنکر در قالب امربه معروف بیان شود مثلاًـ به جای این که گفته شود بی حجابی نکن، به حجاب توصیه شود. زیرا مردم به امور مثبت گرایش بیشتری ابراز می کنند و از همین رو اگر به کسی که برای نیل به مقصدی به نیمه راه رسیده است گفته شود نصف راه را طی کرده ای بیشتر خوشایند اوست تا گفته شود نصف راه باقی مانده است.

هم چنین امربه معروف در درون خود مبارزه جدی با گنهکار ندارد اما در نهی ازمنکر این مبارزه نهفته است. زیرا غالب گناهان به خاطر هوای نفس است که به انجام آنها تعلق گرفته است. اما ترک بسیاری از واجبات از هوای نفس سرچشمه نمی گیرد و لذا در نهی ازمنکر بر خلاف میل یا عادت گنهکار عمل یا خوی اخلاقی او مورد مخالفت قرار می گیرد و "نهی کننده از گناه" می کوشد آن را از وجود گنهکار زایل کند و

این زحمت بیشتری را متوجه گنهکار و نهی کننده می نماید.

علاوه نهی ازمنکر در برخی موارد نوعی عمل جراحی است که در روح گنهکار صورت می گیرد تا صفت ناپسند و علاقه نامبارکی از وجود او زایل شود اما امربه معروف چنین ماهیتی ندارد و برای همین است که نهی ازمنکر شناخت بیشتری را در زمینه های روانی و اجتماعی می طلبد. نهی کننده باید علاوه بر مداوای گنهکار جراح معنوی خوبی باشد تا بتواند در روح گنهکار عمل کند و این تلاش و زحمت بیشتری را بر گنهکار و نهی کننده تحمیل می کند و در نتیجه از فضیلت بالاتری برخوردار است.

نکته

نهی از منکر چراغ تابنده ای است که راه را از بی راهه جدا می سازد و دست گمشده را در دست مولایش می گذارد.

فصل دوّم : آشنایی با معروف و منکر

آشنایی با معروف و منکر

معروف دارای معانی مختلفی از جمله نیکی و طاعت خداست. و منکر نیز دارای معانی متعددی از جمله زشتی و پلیدی است، و در اصطلاح هر یک از دستورهای دینی از واجب و مستحب را معروف و انجام هر یک از محرمات و مکروهات را منکر گویند.

شناخت مصداق ها

شناخت مصداق های معروف و منکر به ویژه واجب و مستحب یا حرام و مکروه بودن آنها انسان را از اصرار و برخوردهای غیر ضروری در امر به مستحبات و نهی از مکروهات و هم چنین از کم رنگ برخورد کردن با ترک واجبات و انجام محرمات حفظ می کند. در این جا موارد مهم به ویژه معروف ها و منکرات عصر حاضر را به صورت موضوعی مورد اشاره قرار می دهیم.

معروف های اعتقادی

شناخت خداوند و ایمان به او و صفاتش که از جمله آنها: توحید، عدل، علم، صدق، رحمت، قدرت، و غضب الهی است و اعتقاد به این که عبادت او واجب و محبت، قرب، شوق، یقین، رضا، تسلیم و توکل بر او از بهترین عبادات است. او تنها مؤثر در امور است که اراده اش بر همه چیز غالب و مقدراتش بر همه چیز حاکم و همه وجود ملک او و بازگشت همه به سوی اوست ...

ایمان به وحی الهی به ویژه قرآن کریم و عدم تحریف آن، و این که قرآن از ضعف و تضاد و تناقض و هر اشکال دیگر منزه و کامل ترین و آخرین کتاب الهی و معجزه نبی اکرم صلی الله علیه وآله و هدایت کننده انسان به سعادت و کمال است. وعده های آن حق و پیروان آن سعادتمند و مخالفین آن گمراهند...

ایمـان به پیـامبران به ویژه پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله و عصـمت آنها از هر خطا در افکار، اخلاق، گفتار و کردار و این که آنهـا بهترین فرد اهل زمان خود بودنـد و پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله سـرور و بهترین آنها و خاتم پیامبران است و بعـد از او پیامبری نخواهد آمد. و ایمان به حقانیت او و آنچه از جانب

خداوند به صورت قرآن و احادیث بیان فرمود. و ایمان به جامعیت دین او و این که اسلام تا پایان عمر بشر توان اداره او را در تمام ابعاد زندگی دارد و همواره معیار حق و تنها دین مورد قبول خداوند تا روز قیامت است و جز به پیروی از دین مقدسش که اسلام است، کمال و سعادت میسر نخواهد بود...

ایمان به حقانیت و عصمت امیرمؤمنان علی علیه السلام و فاطمه زهراعلیها السلام و یازده فرزند آنها که آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام است و هم اکنون زنده است و زمانی ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد می کند. و ایمان به این که این دوازده امام علیهم السلام جانشینان به حق او بوده اند و برترین موجودات عالم پس از رسول خداصلی الله علیه وآله هستند. و اعتقاد به امامت آنها و این که تنها مذهب صحیح، مذهب آنهاست که به مذهب تشیع شناخته شده است، و پیروی از این مذهب تنها راه سعادت و ادامه اسلام پیامبرصلی الله علیه وآله است. و ایمان به این که زیارت آنها عبادت و توهین و بدگوئی به آنها ضلالت و پذیرش آنها شرط قبولی اعمال است. و آنچه فرموده اند حق و اصل دین خدا بوده و مفسر واقعی دین و قرآن و معیار حق بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله هستند. زیارتگاه های آنها مقدس و محترم و خاک کربلا از احترام ویژه ای برخوردار است و توهین به آن از جمله گناهان است. و ایمان به این که باید در شادی آنها شاد و در غم آنها غمگین بود و گریه بر مصائب آنها به ویژه حسین بن علی علیهما السلام از افضل عبادات است.

و آنها بهترین شفاعت کنندگان درگاه الهی و واسطه بین خلق و خالق و محبوب ترین بندگان خدا در عالم وجودند...

ایمان به فرشتگان الهی و این که آنها مطیع خداوند بوده، به دستور او عمل می کنند و از گروه های مختلفی تشکیل شده اند و به وظایف متعددی از قبیل عبادت، تدبیر امور، انزال وحی، نظارت بر اعمال و نوشتن کارهای خوب و بد، کمک رسانی، عذاب و مرگ آدمیان و دیگر امور در عوالم مختلف وجود می پردازند...

ایمان به روز قیامت، حساب، میزان، شفاعت، جهنم، و بهشت و نقمت های جهنم و نعمت های بهشت و حضور جاودانی مؤمنین در بهشت و عذاب ظالمان و گنهکاران در جهنم و همیشگی بودن عذاب کفار و این که مالک و پادشاه روز جزا تنها خداوند متعال است.

منکرات اعتقادی

کفر، شرک، نفاق، شک در خداوند، قیامت و حقانیت پیامبر اسلام، بت پرستی، مادی گرایی، وهابی گری، بهائیت، ایمان نداشتن به حقانیت، ولایت، عصمت و امامت دوازده امام شیعه علیهم السلام، غلو درباره ائمه علیهم السلام نظیر برتر دانستن آنها از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله ، اعتقاد به جبر، پایبندی به خرافات نظیر چهارشنبه سوری و آتش پرستی، گرایش فکری به کفار و غربی ها در هر یک از مظاهر زندگی، بدعت در دین، اعتقاد به برتری کفار بر مؤمنین، اولویت دادن هر چیزی نظیر علم و تخصص و مردم بر دین و تعهد دینی، اصالت دادن به دنیا، بی اهمیت دانستن آخرت، عصبیت های جاهلانه، مساوی دانستن افراد با تقوا و بی تقوا و عالم دینی و غیردینی، اعتقاد به کارآئی نداشتن اسلام در اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان در ابعاد مختلف حکومتی، اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، نظامی و غیر آنها، اعتقاد به جدائی دین از

سیاست، بی اعتقادی به ولایت فقیه، اعتقاد نداشتن به زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام ، تردید در ظهور، قدرت، طول عمر، و تحولات ویژه و مطلوبی که در زمان ظهور او به وقوع می پیوندد...

معروف و منکرهای اخلاقی و اجتماعی

معروف های واجب اخلاقی

رازداری، عیب پوشی، نجابت، عفت، غیرت، عدالت، حق گرایی، ارزش گرایی، ضابطه گرایی، آخرت گرایی، عفت کلام، خداترسی، ظلم ستیزی، کفرستیزی، مبارزه با گناه، رعایت قانون و حقوق مردم، بی توجهی به سخنان افراد سخن چین و غیبت کننده، چشم بستن از زنان خودنما و بی حیای جامعه و فیلم ها و عکس های مبتذل و عورت دیگران، احترام به مقدسات مذهبی: قرآن، روایات، احکام خدا، مساجد، کعبه معظمه، زیارتگاه های ائمه علیهم السلام و امام زاده ها و علمای دین، امیدواری به خدا، جواب دادن به سلام دیگران، خودسازی، رعایت پاکی و پرهیز از نجاست در موارد لازم، حسن ظن به خداوند و توکل و پناهندگی به او، توبه و پشیمانی از گناه، پوشاندن گناه، جهاد با نفس در برابر محرمات، کنترل هواهای حرام نفسانی، پرهیز از مال حرام،...

معروف های مستحب اخلاقی

صبر، عفو، تواضع، قناعت، ریاضت، انصاف، سکوت، سخاوت، حلم، کرامت و بزرگواری، محاسبه نفس، رقت قلب، احترام به بندگان خدا و پرهیزکاران، صاحبان ارزش ها، معلمین و سالخوردگان مؤمن، کم گویی، گزیده گویی و نیک گویی، الفت، صلح جویی و اصلاح بین دیگران، خوش خلقی و خوش رویی، خیرخواهی و مردم گرایی، گریه از خوف و شوق و عظمت خداوند، گریه بر مصائب پیامبر و اهل بیت اوعلیهم السلام، احترام و توجه به سادات، تشکر از کمک های دیگران، زیارت اهل قبور، عاقبت نگری، توجه و توسل به پیامبر و اهل بیت او، ستایش لازم از خوبی های دیگران، اخلاص در مواردی که نیت آن واجب نیست همانند امر به معروف، تطهیر مسجد از نجاست و ...، سلام به دیگران، دست دادن به هنگام ملاقات، معانقه و دست در گردن یکدیگر قرار دادن دو مؤمن، ملاقات با مؤمنین، مهمان نوازی، اعتراف به تقصیر در نزد پروردگار، تعجیل در کار خیر، بی نیازی

از مردم، شـاد کردن مؤمنین به ویژه بـا رفع مشـکلات آنها، پوزش طلبی خطاکار، برآوردن حاجات مؤمنین، بغض به دنیا، نگاه به آیـات قرآن و چهره عالم دینی، نگاه به پـدر و مادر از روی مهربانی، خـدمت به همسـر، سـر به زیری هنگام سـخن گفتن با زنـان نـامحرم، جـا بـاز کردن برای دوسـتان در مجـالس، سیروسـیاحت به منظـور عـبرت گیری، تفکر سازنـده، مـدارا و حسـن معاشـرت، تعـاون و همکاری، گره گشایی از مشـکلات مردم، نظم و انضـباط اجتماعی، عیادت بیماران، تشـییع جنازه مؤمنین، اطعـام افراد با ایمان به ویژه در ماه مبارک رمضان، مشورت با افراد صـلاحیتدار، کمک به کسانی که به خاطر نقص عضو قادر به انجام امور خود نیسـتند، یتیم نوازی، نصیحت به دیگران، شکر نعمت، زیاد کردن دوستان، محبت به دوستان به اندازه تقوای آنهـا، نگـاه محبت آمیز به چهره برادر مؤمن در راه خـدا، اعلام محبت به برادر مؤمن، ادامه دوستی و برادری دینی، حضور در نزد عـالم دینی و تواضع در برابر او، تواضع معلـم در برابر محصـل و بـه عکس، ترک بیش از مقـدار نیـاز دنیـا، اکرام مـؤمن، ملامـت نفس و تـأدیب آن، طی کردن مزد کارگر و پرداختن آن قبل از خشک شـدن عرق او، روی گردانی از عیوب مردم به عیوب خود، گریه بر گنـاه خود، توبه از ترک مسـتحبات و انجـام مکروهات، نصـیحت به مسـلمین، با وضو به دنبال رفع نیازها رفتن، دست کشیدن بر سر یتیم، ساکت کردن گریه یتیم،...

منکرهای حرام اخلاقی

تکبر، دورغ، تهمت، استهزای دیگران، اظهار حسادت، سوءظن، خشونت بی مورد، بی حرمتی به دیگران، فحشا، مکرو نیرنگ، سرگرمی به لهو و لعب، غضب بی مورد، اسب سواری و چرخ و موتور سواری تحریک آمیز زنان، ایجاد مزاحمت

و بیهوده گویی به ناموس دیگران، استعمال بوی خوش توسط زنان که به قصد یا سبب تحریک نامحرم باشد. عیب جویی، سرزنش مؤمن، کوچک شمردن گناه، بوق زدن های آزار دهنده، ضایع ساختن حقوق و نوبت دیگران، بی توجهی به مقررات راهنمایی و رانندگی، بدزبانی، بی توجهی به ندای مظلوم، شوخی تحریک آمیز با نامحرم، دوستی با نامحرم، نامه ها و تلفن های دوستانه دو نامحرم با یکدیگر، ریش تراشی به هر وسیله که باشد، استماع صوت زن نامحرم از روی لذت، نگاه به بدن یا موی سر زنان نامحرم، نگاه به دست و صورت زنان به قصد لذت، نگاه لذت بخش زن به بدن زن دیگر، نگاه لذت بخش زن به دست و صورت مرد نامحرم، نگاه زن به بدن مرد نامحرم، نگاه مرد به بدن مرد دیگر با قصد لذت، نگاه به عورت دیگران، عکس برداری مرد از زن که نگاه او به صورت تزیین شده یا سایر بدن او بیفتد و یا دست به بدن او برساند، نگاه هتک آمیز به پدر یا مادر و مؤمنین، دگرآزاری، شیطنت و فریبکاری، سحر و شعبده بازی، احترام به اغنیا به خاطر اموال آنها، پخش موسیقی های حرام یا آزاردهنده از مجالس، عروسی ها و فروشگاه ها، چوب بازی مرسوم در جشن ها و عروسی ها(۹)، رقصیدن در جمع دیگران، آوازه خوانی (کشیدن و گرداندن صدا در گلو به صورت طرب انگیز و مناسب مجالس لهو و لعب) یأس از رحمت الهی، احساس امنیت از مکرو انتقام الهی، قتل، خودکشی، عاق والدین، لواط، زنا، بی حجابی و خودنمایی زنان در نزد نامحرم، ظاهر کردن آرایش و زینت های زنانه در نزد نامحرم، پوشیدن جوراب نازک، لباس های تنگ یا نازک یا جاذبه دار و تحریک آمیز در نزد نامحرم،

عریـان کردن بخشـی از موهـای سـر در برابر نـامحرم، نـازک سـخن گفتن زنان و منحرف کردن اخلاق مردها به ویژه جوانان، استفاده مرد از دستبند، انگشتر، گلوبند و حلقه طلا در حال عبادت و غیر عبادت، پوشیدن لباس های تحریک آمیز در نزد زنان نـامحرم، شبیه شـدن زن به مرد و مرد به زن در تشـکّل صورت و سـخن گفتن یـا لباس پوشـیدن یا راه رفتن یا آرایش کردن و نظیر آن، اسـتفاده از علاـیم مربوط به اقشـار مبتـذل و منحرف اخلاـقی، آرایش زن برای غیر شوهر، گواهی دروغ، قسم دورغ، کتمـان شـهادت، خُلف وعـده، پیمـان شـکنی، خیانت به امانت، ترسانـدن دیگران، پاگـذاردن بر کفش های دیگران که به آن رضایت ندارند، هتک مؤمن فقیر به علت فقر او، بی احترامی به مقدسات مذهبی نظیر قرآن و دیگر کتاب های الهی پیامبران و ائمه علیهم السـلام، هتک حرمت علما، صالحین، معلمین، والدین، سادات، هتک کعبه معظمه، مشاهد و قبور ائمه علیهم السلام و امـام زادگـان و علمـا و افراد صالـح، هتـک تربـت کربلاـ گفتن و شـنیدن غیبت، سـخن چینی، تمسـخر و خندیـدن به مردم، همسـایه آزاری، ظلم و زورگویی، مکر و نیرنـگ، دشـمنی با مؤمن، قیادت (رسانـدن مرد و زن نامحرم به یکـدیگر برای انجام فحشا)، دیاثت (بی تفاوتی مرد به فحشای همسـرش)، اسـتمناء، کفران نعمت، فتنه انگیزی، سـتایش ظالم و کمک به ستمگران، طعن و لعن بر مؤمنین، رسوا نمودن مؤمن، لبـاس ابریشـمی پوشـیدن مردان، نظر در نـامه دیگران بـدون رضـایت آنها، نگاه در منزل دیگران بدون رضایت آنها، لمس کردن بدن نامحرم، مدح و ذم کسانی که سزاوار مدح و ذم نیستند، حضور در مجالس معصیت، وسواسی گری، بی غیرتی، نفرین بر مؤمن، سرکشی از

فرمان خدا و رسول و ائمه علیهم السلام و ولی فقیه جامع شرایط و هرکس که دستور او واجب است، بازی با آلات قمار اگرچه برد و باخت نشود، نوازندگی و شنیدن موسیقی های طرب انگیز(۱۰)، هیپنوتیزم(۱۱)، دست دادن با نامحرم، دورویی، فریاد زدن بر سر مؤمن، همنشینی با بدان، بستن راه دیگران، ایجاد صداهای آزاردهنده برای همسایگان نظیر صدای سگ ها و وسایل صوتی، و یا بازی های مختلف، غلبه دادن شهوت بر عقل، رد بی مورد آشتی با برادر مؤمن، قهر بی مورد با برادران دینی، مخاصمه با برادران دینی، اصرار بر گناه، استفاده مرد از زینت های زنانه، مدح ظالم و حبّ بقای او، سوءظن به خدا، طلب ریاست برای کسی که نتواند اجرای عدالت کند، محبّت به دنیای حرام، تظاهر به گناه، محبت به گناه،...

منکرات مکروه اخلاقی

محبت به دنیا، راحت طلبی، ریاست طلبی، شهرت طلبی، خودبینی، عجله و شتابزدگی، خودستایی، خنده بدون تعجب و شگفتی، خنده زیاد، قهقهه، خنده در بین قبرها، بیهوده گرایی، آرزومندی بیهوده، فخر، سبکسری، پرحرفی، پرخوابی، بی مبالاتی در نشست و برخاست با زنان نامحرم به ویژه زنان جوان یا بی تفاوتی که ظواهر شرع را رعایت نمی کنند، افراط و تفریط در تشویق دیگران، خودنمایی در بحث با دیگران، تملق و چاپلوسی، اختلاط زن و مرد در محیطهای اجتماعی، مکالمه غیرضروری با نامحرم، خلوت با نامحرم، جزع و بی تابی، سرگوشی صحبت کردن در نزد دیگران، سوت بلند زدن(۱۲)، سلام به نمازگزار در حال نماز، سلام مرد به زنان و دعوت آنها به غذا خوردن به ویژه اگر جوان باشند،(۱۳) خود بزرگ بینی، تند راه رفتن، بر زین (اسب، چرخ و موتور) نشستن زنان در صورتی که تحریک آمیز نباشد، درخواست از مردم به ویژه در

شب، تنها خوابیدن، کسالت در انجام امور دنیا و آخرت،...

معروف و منکرهای عبادی

اشاره

نمازهـای پنجگـانه شبانه روزی، نمـاز جمعه، نمـاز آیـات، نمـاز میّت، ادای نمازهـای قضـا شـده پـدر بر پسـر بزرگتر، و دیگر نمازهای واجب، روزه ماه مبارک رمضان، حج واجب، ادای نذرهای عبادی، سجده واجب قرآن که با شنیدن یا خواندن آیات سجده در سوره های علق، نجم، سجده و فصلت واجب می شود.

معروف های مستحب عبادی

نمازهـای مسـتحبی از جمله سـی و چهـار رکعت نافله شـبانه روزی و به ویژه نماز شب و دیگر نمازهای مسـتحبی که در کتاب های دعا نوشـته شـده است، خوانـدن نماز در مسـجد و حرم رسول خدا و ائمه به ویژه امیرالمؤمنین علیه السـلام ، پوشـیدن عبا، لبـاس سـفید و پاکیزه ترین لباس ها و اسـتعمال بوی خوش و انگشتر عقیق در نماز، گفتن اذان قبل از نمازهای واجب پنجگانه، گفتن اذان در گوش راست بچه و اقامه در گوش چپ او در روز تولـد یا قبل از چیدن بند ناف او، روزه های مسـتحبی به ویژه روزه های ماه رجب و شعبان و روزه های دیگر که در رساله ها نوشته شده است، حج مستحبی، صلوات بر پیامبر و اهل بیت او به ویژه بعد از گفتن، نوشـتن و شـنیدن نام آن حضـرت، قرائت قرآن، دعا و نیایش، ذکر خدا، شب زنده داری به ویژه در شب های قدر، زیارت انبیا، ائمه، امامزاده ها، علما، عرفا و صالحین.

اعتکـاف، انجـام عبـاداتی که می توان به نیـابت از پیـامبر و اهـل بیت او انجام داد، تعقیب نمازهای واجب شـبانه روزی به ویژه تسبیح فاطمه زهراعلیها السـلام، سـجده شکر به ویژه بعد از نماز، خواندن زیارت ائمه علیهم السلام در ایام ولادت و شهادت به ویژه زیارت عاشورا و جامعه کبیره، نماز زیارت، نماز اول وقت، خوانـدن نمازهای پنجگانه به جماعت، خوانـدن دعاهای روز، زیارت خاص پیامبر و ائمه علیهم السلام در روزهای هفته

به ویژه روز جمعه که به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص دارد، بسم الله در اول هر کار، وضو یا تیمم به هنگام خواب، خواندن دعاهای خاص اعمال مثل دعاهای هنگام خوابیدن و بیدار شدن، با وضو بودن، ذکر خدا در بازار، خواندن سوره توحید به هنگام ورود به منزل، خواندن سوره های توحید، ناس، فلق، کافرون، آیهالکرسی به هنگام خروج از منزل، زیاد به مسجد رفتن و به مسجدی که نمازگزار ندارد حاضر شدن، با پای راست داخل مسجد رفتن و با پای چپ خارج شدن، زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه خارج شدن، روشن کردن چراغ مسجد، استعمال بوی خوش و پوشیدن لباس پاکیزه به هنگام ورود به مسجد.

ترک هم غذایی و همسایگی و مشورت و زن گرفتن از کسی که اهل مسجد نیست، انجام غسل های مستحبی نظیر غسل روز جمعه، شب اول ماه رمضان، شب های قدر، روز عید فطر، قربان و غدیر، شب عید فطر، روز هشتم و نهم و بیست و چهارم ذیحجه، ماه رجب و شعبان، روز نیمه شعبان، هفدهم ربیع الاول و غسل کسی که در حال مستی خوابیده است و نیز زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش (مثل عطر و ادکلان و ...) استعمال کرده است.(۱۴)

منکرهای حرام عبادی

سهل انگاری در عبادات واجب به ویژه نماز، ریا در عبادت، پرستش غیر خدا نظیر پرستش آتش، مقام، پول، زن و هوای نفس، حضور نیافتن در نماز جماعت از روی بی اعتنایی، ترک حج و روزه و امثال آن بدون عذر موجه، انجام عبادات مستحبی زنان که سبب تضییع حق همسر آنها می شود، روزه عید فطر و قربان، در حال جنابت یا حیض نماز خواندن

و در مسجد توقف کردن یا چیزی گذاردن یا جائی از بدن را به خط قرآن، اسم خدا و اسامی پیامبران و ائمه علیهم السلام رساندن، خواندن سوره های واجب حتی یک حرف آن که عبارتند از سوره های علق، نجم، سجده، و فصلت.

معروف و منکرهای فرهنگی

توضیح

امربه معروف و نهی ازمنکر، تقلید در احکام شرعی، فراگیری احکام مورد نیاز، تحقیق و مطالعه و تعلیم و تعلّم به منظور برآوردن نیازهای لازم دینی و دنیوی جامعه، افشای بدعت ها، انحراف ها و افراد منحرف، مبارزه با فرهنگ انحرافی غرب، افشای چهره های غربزده در زیر ماسک اسلام و انقلاب اسلامی، انهدام زمینه های رشد فرهنگ باطل غرب، کمک های علمی، هنری و فرهنگی ضروری و سالم به دستگاه های تبلیغاتی، تشویق و تقویت هنرمندان مفید و باتقوا، ارائه معارف دینی منطبق با زمان در تمامی ابعاد زندگی از سوی کارشناسان علوم دینی، ترویج فرهنگ غیرت و حیا و نجابت و حجاب، ترویج فرهنگ برائت از کفار و مشرکین و منافقین و روش ها، الگوها و ارزش های آنها، اعراض و برائت از بدعتگذار و ترساندن او، اظهار علم در برابر اهل بدعت، تولید نوار و فیلم و کتاب و هر اثر فرهنگی سالم و اسلامی مورد نیاز جامعه، دفاع و تقویت فرهنگ اسلام و انقلاب و تلاش به منظور استمرار سلامت آن.

معروف های مستحب فرهنگی

ترویج فرهنگ اخلاق اسلامی در همه ابعاد آن، ترویج سنت های اسلامی به ویژه در بین نسل جوان، ترویج فرهنگ مطالعه، تحقیق و مقاله نویسی سالم، ترویج فرهنگ اهمیت و حساسیت به سرنوشت مسلمانان، حضور زنان در صحنه های علمی و آموزشی به منظور پاسخگویی به نیازهای بانوان مانند تدریس در دبیرستان ها، دانشگاه ها و مداوای بیماری زنان و عکس برداری از آنان و امثال آن، جداسازی محل اجتماع و اشتغال زن و مرد، ایجاد تسهیلات ویژه برای زیارت ائمه علیهم السلام و فرزندان آنها، پیشنهاد و تذکر به مسئولین برای احیای معروف ها و ارزش های اسلامی، ترویج فرهنگ تحصیل در حوزه های علمیه، نویسندگی و کتاب خوانی، مطالعه

و شناخت بیشتر معارف دینی، چاپ پوستر، روزنامه و آنچه در تقویت فرهنگ اسلامی مؤثر است. تلاش در مراکز فرهنگی سالم، مذاکره سخنان ائمه علیهم السلام، حاکم کردن فرهنگ اقتصاد اسلامی بر روابط اقتصادی و تجاری مردم و بازار، مطالعات مفید، تأسیس و ترمیم مسجد، مدرسه، کتابخانه، کتابفروشی مذهبی و مراکز فرهنگی، مراقد ائمه، امامزاده ها، علما، شهدا و صالحین. ترویج سنت های اسلامی در برابر ارزش های فاسد بیگانه، احیای آثار علما و شخصیت ها و تعمیر قبور آنان و ایجاد بنای مناسب بر مزار آنها، ارائه طرح های منطبق با اسلام و فرهنگ خودی در برابر مظاهر کفار در تمامی ابعاد و زمینه ها، حضور در جلسات و مباحث مذهبی، علمی، اخلاقی، قرآنی، نیایش و امثال آن، ترویج فرهنگ دفاع از کشور اسلامی،...

منکرهای حرام فرهنگی

اشاعه گناه، ترویج فرهنگ باطل غرب، چاپ کتاب ها، مجلات و نشریات خلاف اخلاق و مصالح اسلام و مسلمین، سرگرمی به لهو و لعب نظیر مجالس عیاشی و لذت طلبی های غیر شرعی و فیلم ها و نوارهای مبتذل، تولید و تکثیر نوارها، فیلم ها، عکس ها و نوشته های مبتذل و انحرافی، یادگیری و آموزش موسیقی مطرب،(۱۵) حضور در اجتماع با قیافه های شهوت انگیز یا مشمئز کننده، استفاده از علایم مربوط به اقشار مبتذل و منحرف اخلاقی، یادگیری علوم غیر شرعی نظیر سحر و شعبده و موسیقی های حرام و انجام آنها،(۱۶) مطالعه مجلات فاسد و مبتذل، نگاهداری کتاب ها و مجلات گمراه کننده، بی حیا کردن زنان و مردان جامعه، رسمیت بخشیدن به گناه، طبیعی جلوه دادن معصیت، بی تفاوتی در برابر تهاجم فرهنگی غرب، مدگرائی های مبتذل و تقلید از کفار غرب در نوع قیافه، لباس و امور دیگر نظیر استفاده از کروات، صلیب و همانندی

و تَشّبه به آنها در آداب اخلاقی و حرکات اجتماعی، برگشت به سنت های باطل و فاسد جاهلیت ستم شاهی، پخش و تماشای فیلم هایی که به فرهنگ بدآموزی های اخلاقی، فکری، یاوه گویی و حرکت های مستهجن کمک می کند، تضعیف مرجعیت و مراجع تقلید واجد شرایط، سهل انگاری در تصویب قوانین لازم به منظور تقویت فرهنگ اسلامی و دفع تهاجم فرهنگی و مفاسد اخلاقی و ابتذال و بی بند و باری و بی حجابی و هر چیز دیگری که ارزش های اسلامی را تهدید می کند.

سهل انگاری مسئولین قضایی و اجرایی در حاکمیت ارزش های اخلاقی و دفع تهاجم فرهنگی و ابتذال بی حجابی و اموری که ارزش های دینی و موقعیت مؤمنین به ویژه زن ها و جوانان را تهدید می کند، تشویق و تهدید و تحریک به معصیت، ایجاد غفلت در جامعه به هر وسیله، مسموم کردن فضای جامعه به آلودگی های اخلاقی، مخالف ارائه دادن علم و دین، مطالعه کتاب های گمراه کننده مگر برای رد آنها از سوی آگاهان دینی، خندیدن در چهره بدعت گذار و تساهل و تسامح در واجبات و حفظ احکام و ارزش های اسلامی.(۱۷)

معروف و منکرهای اقتصادی

اشاره

پرداخت وجوهات شرعی نظیر خمس و زکات، زکات فطره، حلال خواهی و توجه به مشروعیت درآمدها، سرمایه گذاری متناسب به منظور مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و مسلمین، ادای دین، پرداخت هزینه کسانی که نفقه آنها شرعاً به عهده انسان است، تقسیم عادلانه ارث برمبنای احکام اسلام، وفا به نذرهایی که جنبه مالی دارد، پرداخت مطالبات دیگران، کار تولیدی به ویژه تهیه محصولات فرهنگی ارزشی و دینی، فروش اموال احتکار شده مورد نیاز مسلمین،...

معروف های مستحب اقتصادی

ایثار، انفاق، قناعت، دادن صدقه، ادای قرضِ برادران ایمانی، مدارا با کسانی که در قرض خود درمانده اند، کمک به مستمندان، پوشاندن مؤمنین، سیرکردن گرسنگان، وقف، کسب برای توسعه زندگی خانواده، دستگیری از "در راه ماندگان" و آسیب دیدگان و فقرا به ویژه یتیمان، کمک مالی به منظور تحقق ارزش های دینی، اقامه مجالس مربوط به شخصیت های دینی به ویژه پیامبر و اهل بیت او، خرید ویژه برای اهل منزل در شب های مبعث و اعیاد مذهبی و میلاد معصومین علیهم السلام و شب های جمعه و اضمحلال سران کفر و رژیم های آنها، کمک مالی برای امور عام المنفعه نظیر احداث و ترمیم پل، مهمانسرا، درمانگاه، مدارس و امثال آنها، مساعدت مالی به اقامه مجالس موعظه و معارف و آموزش قرآن، دعا و نیایش و مسائل دینی، کمک های مالی به منظور ازدواج پسران و دختران نیازمند، تجارت، پذیرش فسخ معامله به درخواست مشتری، ترک تبعیض در قیمت گذاری بین مشتری ها، سختگیری نکردن در تعیین قیمت جنس، به کارگیری دنیا برای آخرت، جمع اموال برای صرف در طاعت خدا، درختکاری و زراعت، میانه روی در تحصیل رزق.

منکرات حرام اقتصادی

نپرداختن وجوهات شرعی (خمس، زکات و مالیات های دولت اسلامی)، احتکار، رشوه، اسراف، سرقت، کلاهبرداری، کم

فروشی، قاچاق مایحتاج عمومی، فروش غذاها و هر خوردنی فاسد دیگر، خرید و فروش هروئین وارتزاق با پول آن، خرید و فروش شراب، ریش تراشی و معامله با درآمد این عمل حرام،(۱۸) خرید چیزی که از قمار، دزدی یا معامله باطل تهیه شده است، زیاده روی در استفاده از امکانات عمومی، تجمل گرایی به وسیله اموال بیت المال، تولید وسایل حرام نظیر آلات قمار و هر وسیله دیگر، تولید مشروبات حرام و خرید و فروش آنها، دریافت

کمک های مالی غرب به منظور حرکت های جاسوسی و تهاجم فرهنگی، ساخت حلقه، انگشتر، گلوبند و دستبند طلا برای مردان و خرید و فروش آن، برد و باخت پول در بازی ها،(۱۹) مجسمه سازی، عروسک سازی و ساختن و قلمزنی هر چیز که روح دارد،(۲۰) تصرف در مالی که خمس یا زکات آن پرداخت نشده است.

خیانت به امانت های مالی دیگران، دین را دام دنیا ساختن، حبس حقوق و اموال دیگران، غش در معامله، نظیر ناخالص کردن اشیاء، همکاری در سرمایه گذاری های ظالمانه و معصیت بار، خرید و فروش آلات قمار و لهو مثل تار و ساز حتی تارهای کوچک،(۲۱) خرید و فروش چیزهای حلال به نیت استفاده در حرام مثل فروش انگور برای ساختن شراب، قسم دورغ در معامله، ربا دادن و گرفتن در قرض و معامله،(۲۲) تصرف شوهر در اموال خصوصی همسرش که با تلاش یا ارث و مهریه و امثال آن به دست آورده است مگر این که رضایت قلبی داشته باشد، استفاده زن از پول و اموال شوهر در مواردی که به مصرف آن راضی نیست.

فروش جنس و دریافت پول آن و عدم تحویل به خاطر رشد قیمت آن، اجحاف، خوردن مال یتیم، تحمیل اجناس بیشتر به مشتری به هربهانه، فروش اجناس مغایر با آنچه در معرض دید مشتری قرار داده شده است، اسراف در مصرف آب، برق، گاز، تلفن، لوازم التحریر و امثال آن، تضییع حق فقرا و مستضعفین، عمل بر خلاف مقررات و قراردادهای فردی یا بانکی، به همراه بردن میهمان های ناخوانده به منزل دیگران، گدائی فریب کارانه، تبلیغات دروغین جهت فروش اجناس، به دور ریختن اضافی خوراکی ها به بهانه های واهی، از مصرف خارج کردن وسایل و

امکانات شخصی یا دولتی به بهانه کهنه شدن یا از مُد افتادن، تقویت اقتصادی کشورهای استعمارگر به ویژه اسرائیل و آمریکا، اسراف در ساختن خانه های پر هزینه، برگزاری جلسات میهمانی، عروسی و جشن های پر هزینه و اسرافی، صرف بیت المال در اموری که ارزشی برای اسلام و مسلمین ندارد، سهل انگاری در درس خواندن و درس دادن در محیطهای آموزشی همانند مدارس، حوزه ها، دانشگاه ها و امثال آن که از بیت المال تأمین می شوند.

انفاق های ریاکارانه، نپرداختن طلب دیگران در وقت مقرر، خرید و فروش سگ به جز آنهایی که کار صید و نگهبانی باغ و منزل و کشتزار را به عهده دارند، ساخت و فروش شراب و آبجو، اهدای پول یا جنس به مسئولین دولتی به منظور احراز معافیت های مالیاتی و وجوه دیگری که باید به دولت پرداخت نمود، صرف وام های دولتی در غیر موردی که در قرارداد تعیین شده است، سوء استفاده از اقوام یا دوستان در تحمیل برخی از مخارج و هزینه هائی که به آنها مربوط نمی شود، ترویج فرهنگ اسراف، تحمیل مهمان به دیگری...

منکرات مکروه اقتصادی

خرید و فروش با مردمان پست، گدایی کردن به دور از فریب، تأخیر در بدهی مردم با وجود توان پرداخت آن، معامله بین اذان صبح و طلوع آفتاب، ورود در معامله دیگری، قصابی، کفن فروشی، قسم راست در معامله، بی تفاوتی نسبت به فقرا و مستضعفین، ترک تجارت، جمع اموال برای صرف در غیرطاعت خدا، اهتمام زیاد به تحصیل رزق، قبول هدیه از کافر و منافق، شکایت کردن از سود کم، بیکاری و تنبلی،...

معروف و منکرهای درمانی، بهداشتی و خوراکی

اشاره

حفظ جان و سلامتی، پرهیز از خوردن حرام، ختنه، مداوای بیماری های مضر، تحقیق، معاینه و صرف وقت لازم پزشکان برای معاینه و مداوای بیماران، رسیدگی لازم کارکنان بیمارستان ها به ویژه پرستاران به بیماران بستری شده، تأمین ضروری درمان، بهداشت و تغذیه مردم از سوی مسؤولین امر، تزریق واکسن های فرزندان، تأمین سلامت اعضای خانواده از سوی سرپرست آن، مداوای بیماران مشرف به مرگ در حد امکان،...

معروف های مستحبِ درمانی، بهداشتی و خوراکی

نظافت، مسواک کردن، حجامت نمودن، رو به قبله نشستن و خوابیدن و به سمت راست خوابیدن و دست را زیر گونه گذاردن، کوتاه کردن ناخن و شارب در روز جمعه، شانه کردن موهای سر و صورت، حمد خدا بعد از عطسه و آروغ و بیدار شدن از خواب، استعمال عطر برای مردها حداقل در روز جمعه، خواب قیلوله، شانه کردن پیش از نماز، تزیین زن و شوهر برای یکدیگر، به هنگام نظر در آئینه، خدا را بر سلامتی خود شکر کردن، شیردادن به فرزند، تا دو سال کامل به او شیر دادن، هرچه بیشتر کوتاه کردن شارب، شستن دو دست قبل از غذا و بعد از آن، ذکر بسم اللّٰه در اول غذا خوردن و اگر چند نوع غذا در سفره باشد برای هریک بسم اللّٰه گفته شود، خوردن غذا با دست راست، کوچک گرفتن لقمه، خوب جویدن غذا، زیاد بر

سرسـفره نشستن، خوردن آنچه در سفره بیرون می ریزد مگر آن که در بیابان باشد که مستحب است برای حیوانات و پرندگان بگذارد، در اوّل روز و اوّل شب غذا خوردن و در بین روز و شب غذا نخوردن، بر روی زمین چیز خوردن، دو زانو و به سـمت چپ نشستن سر

سفره، قبل از سیری دست از غذا کشیدن، بیرون کردن کفش از پا به هنگام غذا خوردن.

احترام به نـان، زودتر از میهمانـان غـذا خوردن میزبـان و دیرتر از همه به پایان بردن او، در پایان غـذا حمـد خـدا را گفتن و به پشت خوابیدن و پای راست را بر پای چپ گذاردن، به طور مکیدن آب نوشـیدن، ایستاده نوشیدن آب در روز، از روی میل و با دست راست آشامیدن آب، با سه نفس آشامیدن آن، گفتن بسم اللّه قبل از آشامیدن و الحمدللّه بعد از آن و یاد امام حسـین علیه السـلام و اصـحابش و لعن بر قاتلان او در پایان آشامیـدن آب، ادرار قبل از خواب و نماز، ورود به مستراح با پای چپ و خروج از آن با پای راست و قرار دادن سنگینی بدن بر پای چپ،...

منکرهای حرامِ درمانی، بهداشتی و خوراکی

خوردن آنچه برای انسان ضـرر دارد، خوردن از سـفره ای که شراب در آن است، خوردن شراب، مردار، خون و هر نجاست یا چیز نجس دیگر، حرام خواری، خوردن خـاک به جز خوردن کمی از تربت امام حسـین علیه السـلام به قصـد شـفا، خوردن از ظرف هـای طلاـ و نقره، خوردن گوشت پرنـد گانی که چنگـال دارنـد و ماهیانی که فلس ندارنـد، خوردن مال یتیم و گوشـت هـائی که به دسـتور اسـلام ذبـح نشـده انـد و ماهیانی که در آب جان داده انـد یا گوشت حیوانات حرام گوشت نظیر خوک و خر گوش یا اعضای حرام گوسـفند که عبارتند از: مثانه، زهره دان، حدقه چشم، سپرز (طحال) مغز حرام که در میان تیره پشـت است، پی که در دو طرف تیره پشت است، بچه دان، فرج، خون، مـدفوع، نری، غـدد (دشول)، تخمـدان (دنبلان)، چیزی که به شکل

نخود در مغز است، چیزی که در میان سم گوسفند است (ذات الاشاجع).

کالبد شکافی بدن مسلمان مگر آن که حفظ جان مسلمانی به آن بستگی داشته باشد،(۲۳) سقط جنین، مراجعه به دکتر مرد با وجود دکتر زن در مواردی که نظیر معاینه، برخی موارد رادیولوژی، ارتوپـدی و امثال آن مداوای بیمار با نگاه یا دست زدن به بـدن نامحرم همراه است، مراجعه مرد به دکتر زن با وجود طبیب مرد در مواردی که درمان با نگاه به بدن نامحرم و دست زدن به او انجام می گیرد، مراجعه زن به تزریقات مردانه باوجود تزریقات زنانه و به عکس، ادرار و مدفوع کردن رو به قبله و پشـب به قبله و در ملـک دیگران و محـل هـائی که برای عـده خاصـی وقـف شـده است و نیز کوچه هـای بن بست که صاحبـان آنها راضی نیستند، خودداری از ادرار و مدفوع در حالی که برای انسان ضرر داشته باشد، آلوده کردن فضای محیط زیست دیگران با دود، گازهای مختلف، میکروب ها یا بوهای منفور برخاسـته از دامداری، گاوداری و مرغداری ها و هر امر دیگری که سبب آزار ساکنـان شود، مبتلاـ کردن دیگران به بیمـاری های واگیر که فرد به آن مبتلا شـده است، کشـیدن سـیگار در محیط و نزد کسانی که از تنفس هوای آلوده به دود سیگار ناراحتند.

منکرهای مکروه درمانی، بهداشتی و خوراکی

نگهـداری سـگ در منزل، پر خوابی، تنهـا خوابیـدن، در حال جنابت خوابیـدن مگر آن که با وضو باشـد، به رو یا سـمت چپ خوابیـدن، خوابیـدن با دست چرب یا آلوده به خوردنی ها، در مسـجد خوابیـدن مگر آن که ناچار باشـد، رفتن به مسـجد برای کسی که با بوی سیر یا پیاز دهانش مردم را می آزارد، پذیرش اطعام گنهکاران،

در حال حرکت یا سیری یا تنهائی غذا خوردن، خوردن و آشامیدن در حال جنابت مگر آن که وضو داشته باشد، خوردن پنیر مگر آن که با مغز گردو خورده شود، چهار زانو نشستن سر سفره به ویژه آن که پا را روی پای دیگر قرار دهد، نگاه به صورت دیگران هنگام خوردن غذا، خوردن غذاهای داغ، فوت کردن به چیزی که می خورد یا می آشامد، پاره کردن نان با کارد، قرار دادن نان در زیر ظرف غذا، پرخوری، دور انداختن میوه قبل از مصرف کامل.

زیاد آشامیدن آب، نوشیدن آب بعد از غذای چرب، آشامیدن آب به حال ایستاده در شب، با دست چپ یا از جای شکسته ظرف آب آشامیدن، خودداری از ادرار و مدفوع در صورتی که ضرر داشته باشد، ادرار و مدفوع کردن روبروی خورشید، ماه، باد، در خیابان، کوچه و درِ خانه و زیر درختی که میوه می دهد، ادرار در زمین سخت، سوراخ جانوران و در حال ایستاده و در آب به ویژه آب راکد، چیز خوردن و توقف زیاد در مستراح، سخن گفتن در حال بول و غایط مگر در موارد ضروری، بلند گذاردن شارب و دیگر موهای زاید بدن، ایستاده شانه کردن،...

معروف و منکرهای اداری

توضیح

انجام وظایف محوله، حضور به موقع در محل کار، فعالیت تا پایان وقت اداری، تدارک وقفه های غیر موجه در بین وقت اداری، دقت و احتیاط در مصرف بیت المال، نصب نیروهای مورد نیاز با تقوا و وفادار به اسلام و انقلاب اسلامی در پست های دولتی، اولویت دادن به متخصصین حزب الهی بر متخصصان اخلالگر و بی تقوا در اداره امور به ویژه پست های مهم، تقّدم افراد متعهد با تخصص کمتر بر افراد متخصص با تعهد ضعیف

(زیرا ضرر کار مثبت نکردن از کار منفی کردن کمتر است)، حذف افراد نالایق و بی تقوا از مسؤولیت های کلیدی، عدالت و انصاف در برخورد با زیردستان و مراجعین،...

معروف های مستحب اداری

تواضع در برابر مردم، راهنمایی و توضیح لازم به مراجعه کنندگان، رعایت اخلاق اسلامی با مراجعین، تسریع در انجام امور مردم، اظهار صمیمیت با مردم مؤمن، ایثار در خدمت به مردم به ویژه خانواده های شهدا و اسرا، جانبازان، علما و صالحین، قدردانی از افراد با تقوا و نیروهای فرهنگی مثل کسی که از حجاب کامل برخوردار بوده است یا به امر و نهی دینی در اداره عنایت داشته و یا در مصرف بیت المال جانب احتیاط را گرفته است، انجام کار عمیق و پیگیر فرهنگی برای هدایت متخصصین غیرمتعهد، تلاش عمیق تخصصی برای متعهدین غیرمتخصص، نصب تذکرات مفید در اداره و برگزاری جلسات تذکر و موعظه ماهانه یا در مناسبت های مختلف به منظور توفیق بیشتر در کارهای اداری و فرهنگی، اقامه نماز جماعت به طور منظم و سریع، نصب صندوق پیشنهادها از ناحیه مسؤل اداره و اهمیت کارمندان و مراجعه کنندگان به ارائه پیشنهاد و انتقاد سازنده و امر و نهی دینی کتبی، ملاقات هفتگی یا ماهانه رؤسا با کارمندان و مراجعه کنندگان به منظور رسیدگی به امور آنها، محاسبه نفس در پایان وقت اداری،...

منکرات حرام اداری

رشوه خواری، تبعیض های ناروا، سوء استفاده از موقعیت شغلی، کارشکنی، استفاده شخصی از امکانات دولتی و مردمی، تجمل گرایی، اسراف، تکبر بر زیردستان و مراجعه کنندگان، انتقام جویی از همکاران و مراجعه کنندگان، انتصاب ناشایسته اقوام، نزدیکان و دوستان و همفکران فاقد صلاحیت، اعمال نفوذ ناروا برای نیل به منافع شخصی و گروهی یا خویشاوندی، سکوت در برابر نقض قوانین از سوی نزدیکان، دوستان یا اقوام دور و نزدیک مسئولین، عزل و نصب های خارج از مصالح و ضوابط، نصب نیروهای فاقد صلاحیت تعهدی و تخصصی،

عدم نظارت لازم مسئول بر واحدهای تحت نظر خود، بی توجهی به رهنمودهای ولی امر مسلمین درباره کارگزاران و تفسیر به رأی سخنان او بر حسب سلیقه ها و منافع شخصی، برگزاری جلسات زاید و بی فایده، سفرهای پر هزینه بی مورد داخلی و خارجی.

برکناری و منزوی کردن نیروهای بسیجی و حزب اللهی، بی توجهی به حقوق و مشکلات زیردستان، برخوردهای تند و خشن با مراجعه کننده، سهل انگاری در وظایف اداری، دیر آمدن از ساعت اداری و زود رفتن از وقت مقرر، کاغذ بازی های آزار دهنده، حاکمیت روابط بر ضوابط، انجام میهمانی ها و پذیرائی های پر خرج برای حفظ موقعیت شخصی، سرگردان کردن مراجعه کنندگان، تعطیل ناموجه بعضی از روزهای هفته، محول کردن وظایف در وقت اداری به خارج از وقت به قصد دریافت اضافه کاری، دریافت حقوق کامل در برابر خدمات ناقص از نظر کمی و کیفی، رسیدگی به امور شخصی در وقت اداری، بکارگیری زیردستان در امور شخصی، اضافه گیری های غیرضروری و وقت گذرانی های غیرمجاز، سهل انگاری در حفظ امکانات دولتی، بی نظمی در کارها، بدبین کردن مردم به نظام و انقلاب اسلامی، بذل و بخشش های خارج از ضوابط قانونی و شرعی، نشست و برخاست های بی مورد با افراد متمکن با تکیه بر مسئولیت دولتی، داد و ستد با دیگر مسئولین و کارمندان در رفع مشکلات شخصی، مأموریت های پر هزینه و بی مورد.

روابط و نشست و برخاست های غیرضروری و منفی با زنان با تکیه بر مسؤولیت، بکارگیری امکانات بیت المال در جهت امور شخصی دیگران نظیر انتخاب نمایندگان، ریاست جمهوری و هر مورد دیگر، حضور در پست هایی که از حیطه تخصص، کارآیی و کنترل اخلاقی انسان خارج است، پشت سرگوئی و اظهار حسادت با همکاران، نصب منشی های مبتذل

و بی تقوای زن که سبب جو تحریک و نگاه های شهوت آلود و آلودگی فضای اداری می شود، دست اندازی به بیت المال، برگزاری سمینارهای بی فایده، اسراف در برگزاری سمینارها و انواع پذیرائی ها، ساعت زدن کارت اداری کسانی که به هر اندازه در انجام مسؤولیت خود حضور نداشتند،...

معروف و منکرهای سیاسی

معروف های واجب سیاسی

حضور در نماز جمعه، الگوگیری و متابعت از حرکت های سیاسی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، تعلیم و تحصیل آگاهی های ضروری سیاسی، شناخت سیاستمداران به منظور پرهیز یا همراهی با آنان، صیانت و دفاع از ارزش های سیاسی اسلام به ویژه اصل ولایت فقیه، حفظ دستاوردها و ارزش های انقلاب اسلامی، حضور در صحنه های سرنوشت ساز انقلاب اسلامی، احترام و تقویت ولی امر مسلمین و پیروی از رهنمودهای او.

استمرار سیاست های حضرت امام خمینی قدس سره، مبارزه جدی با دشمنان قسم خورده اسلام به ویژه اسرائیل و امریکا، شرکت در انتخابات سرنوشت ساز کشور، سیاسی کردن مردم به ویژه مدارس و دانشگاه ها، حمایت از نهضت های اسلامی به ویژه نهضت های در خط مقدم جبهه دشمنان اسلام، برائت و بی زاری از مشرکین، جهاد و دفاع از اسلام و کشورهای مظلوم اسلامی، تبیین چهره ها و کشورهای متجاوز خیانتکار مخالف اسلام،...

منکرهای حرام سیاسی

ارتباط با دشمنان سرسخت اسلام و مسلمین نظیر اسرائیل و امریکا، تلاش در وانمود کردن جدائی دین از سیاست، پناهندگی به کشورهای غیراسلامی که سبب معصیت یا تضعیف باورهای دینی فرد یا وابستگان او گردد، منزوی کردن کسانی که می توانند به اسلام و مسلمین خدمت کنند، انتصاب چهره های غیراسلامی در پست های کلیدی، تأثیرپذیری از تبلیغات سوء دشمنان اسلام و انقلاب، پای بند نبودن به اصل ولایت فقیه، بی توجهی به رهنمودهای ولی امر مسلمین و تفسیر به رأی سخنان او، بی حرمتی نسبت به فقهای شورای نگهبان، خطپرستی و خط بازی های تفرقه افکنانه و فتنه انگیز، اولویت دادن به مصالح خطی، حزبی و گروهی بر احکام و مصالح دینی و مردمی، عرضه کردن خود برای احراز پست های قانونگذاری و اجرایی، قضایی و فرهنگی با وجود افراد برتر یا عدم توان انجام مسؤلیت که به ضعف

در دستگاه های مربوط منتهی گردد، تضعیف حضور مردم در صحنه های سیاسی تقویت کننده اسلام و مسلمین، افشای اسرار کشور در ابعاد مختلف، شایعه پراکنی به منظور تضعیف انقلاب و سیستم حکومتی اسلام، عدم حضور در حرکت های مهم سیاسی که ولی امر مسلمین آن را ضروری می داند، سیاسی کاری های فریبنده، ایجاد رعب و وحشت و تضییع چهره های رقیب سیاسی، نادیده انگاشتن ارزش ها و ره آوردهای انقلاب و بزرگ نمایاندن امور منفی به گونه ای که سبب باورهای غلط، فریب و بدبینی افراد شود، سهل انگاری در انتخابات سرنوشت ساز، تفرقه در بین مردم به هر عنوان، بی توجهی به نیازها و مصالح اسلام و مسلمین در انتخاب افراد، جذب فریبکارانه آراء مردم با تبلیغات ناصالح، بذل و بخشش های ناروا و خرید آراء مردم به انحای مختلف، ایجاد جوّ بی تفاوتی نسبت به ارزش های انقلاب، ایثارگران و صاحبان انقلاب به ویژه خانواده های شهدا در ابعاد مختلف،...

معروف و منکرهای خانوادگی و خویشاوندی

معروف های واجب خانوادگی

صله رحم، احترام به والدین و تحصیل رضایت منطقی و شرعی آنها، ازدواج برای کسی که بدون همسر به گناه می افتد، مخالفت غیرتمندانه سرپرست خانواده با هرگونه خودنمائی، بی حیایی، جلف گری و حرکت های هوس انگیز همسر و دختران خود که با دین و مردانگی او سازگاری ندارد، امربه معروف و نهی ازمنکر اعضای خانواده به ویژه پدر در مورد واجبات و محرمات نظیر ادای نمازهای واجب و ترک استفاده از فیلم های نامشروع، اطاعت از شوهر در مواردی که اسلام واجب کرده است، امانتداری زن در پول و اموال شوهر، حفظ اسرار خانواده، پرداخت هزینه متعارف کسانی که واجب النفقه انسان محسوب می شوند، صیانت زن و فرزند از هر گونه انحراف فکری، عملی و اخلاقی...

معروف های مستحب خانوادگی

نامگذاری فرزندان با اسامی نیکو و آبرومند و برتر به ویژه اسامی پیامبر و اهل بیت او و انبیاعلیهم السلام، شیردادن مادر به فرزند، دو سال کامل شیردادن به او، اظهار محبت و اشباع عاطفی اعضای خانواده، عقیقه کردن گوسفند برای بچه، عقیقه کردن برای خود و دیگر اعضای خانواده در هر زمان که باشد، ازدواج، توجه سرپرست خانواده به ازدواج فرزندان، تربیت فرزندان به آداب دینی، اجتماعی و اخلاقی اسلام، احترام اعضای خانواده به همدیگر، خوب همسرداری کردن، توجه و دستگیری از اقوام به ویژه یتیمان آنها، تربیت نیکوی فرزند، نظارت و کنترل منطقی و شرعی پدر بر اعضای خانواده به ویژه دختران و پسران جوان و روابط دوستان و حرکت های آنها در جامعه، تزیین برای همسر، میانجی گری در امر ازدواج دیگران، زود شوهر دادن دختران، کم گرفتن مهریه ها، پایین گرفتن هزینه ازدواج و زندگی از سوی زن، ولیمه دادن در ازدواج و تولد فرزند، خوش اخلاقی

در محیط خانه.

بخل ورزی زن در مصرف اموال شوهر، ترک نگاه به نامحرم در منزل خویشاوندان و دیگر مجالس مهمانی، جداسازی رختخواب اطفالی که به ده سالگی رسیده باشند، واداشتن و تشویق بچه ها به نماز در هفت سالگی، محبت و رحمت بر فرزندان، نگاه عاطفی پدر به فرزند،(۲۴) بوسیدن فرزندان، اظهار محبت شوهر به همسر، خوشرفتاری مرد با زن، رسیدگی بهتر به خانواده از سوی سرپرست آن، واداشتن زن به یادگیری نیکی ها، تحمل بد اخلاقی زن بد اخلاق، تحمل زحمت برای اداره و تأمین رفاه خانواده، انجام کارهای داخلی منزل از سوی زنان و انجام کارهای بیرون منزل به وسیله مردان، آموزش قرآن به فرزندان، انجام عروسی در شب، همکاری زن و مرد در منزل،...

منکرات حرام خانوادگی

قطع رحم (روابط خویشاوندی)، اظهار حسادت با اقوام، دخالت های ناروای هر یک از اقوام در زندگی خانواده ها، هتک حرمت و سلب اختیارات مرد خانواده از سوی زن و اقوام او، ایجاد تفرقه و فتنه بین اقوام، هتک حرمت خویشاوندان، مزاحمت در امر ازدواج شایسته دختران و پسران جوان، ایجاد بدبینی در بین خواستگاران، فریب نامزدها در صفات و ویژگی ها و امکانات مادی، علمی، اخلاقی و سایر مسائل، تأثیر گذاری منفی به وسیله اعمال مرموز نظیر جادو و امثال آن بر ایجاد و ادامه زندگی خانواده ها و خویشاوندان، بیرون رفتن زن از منزل بدون رضایت شوهر، مسافرت فرزند بدون رضایت والدین، بدبینی و سوء ظن های ناروا به اعضای خانواده از سوی هر یک از اعضای آن.

ضرب و جرح و ایجاد جو فشار یا رعب و وحشت بر اعضای خانواده از ناحیه هر یک از اعضای خانواده، تصرف در مال شوهر بدون اجازه

او و بذل و بخشش به اقوام خود، لجبازی و سرکشی در برابر شوهر و ملایمت و تسلیم بودن در برابر دیگران، اخم، ضرب و جرح و سخت گیری بر زن، تجاوز به مهریه زنان و ارث اقوام دور یا نزدیک، اطاعت از شوهر در معصیت خداوند نظیر آرایش و بی حجابی در برابر مردان در مجالس و خیابان ها به درخواست او، فاسد کردن اعضای خانواده از سوی هر یک از آنها، نمایش فیلم های فاسد و نوارهای مبتذل و حرام در محیط خانواده، افشای اسرار خانوادگی، اسراف و دور ریختن مواد غذایی، پوشاک و دیگر امکانات قابل استفاده منزل، بدگویی و آزار رساندن هر یک از اعضای خانواده به یکدیگر، سهل انگاری در تأمین هزینه زندگی افراد واجب النفقه، تضعیف اعتبار و وجهه دینی و اجتماعی خانواده با اعمال خلاف و دور از شأن خانواده، سهل انگاری در صیانت فرزندان از تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام به ویژه غربی ها، اطاعت مرد از زن در تمایلات و درخواست های هوس آلود نظیر رفتن به مجالس عروسی یا جشن ها و مهمانی های مفسده انگیز و ارتباط خانوادگی با افراد ناموجه و به طور کلی هرگونه اطاعتی که گناهی را به همراه داشته باشد و سبب مفاسد اخلاقی و خانوادگی گردد، سهل انگاری مرد خانواده نسبت به نجابت، حجاب و ساده پوشی ناموس خود،...

منکرات مکروه خانوادگی

اختلاط زن و مرد به ویژه دختران و پسران خویشاوندان، رد کردن خواستگارهای شایسته که دین و اخلاق خوبی دارند، پرهیز از ازدواج حتی در صورتی که سبب معصیت نشود، ازدواج دختر به شراب خوار و بداخلاق، ترک تزیین برای شوهر، بوسیدن دختر نامحرم که به شش سالگی رسیده است، تقلید و چشم و هم چشمی های خویشاوندی،...

فصل سوّم : عوامل موفقیت در امر و نهی دینی

عوامل موفقیت در امر و نهی دینی

عوامل موفقیت فراوان است و ما تنها به شانزده مورد آن می پردازیم.

۱ – مهربانی و گذشت

همان گونه که بیان شد پذیرش امر و نهی دینی برای برخی از گنهکاران دشوار است و این دشواری تأثیر تذکر را با مشکل روبرو می سازد به ویژه اگر فردی به گناه خود عادت کرده باشد و از زمینه روحی پرهیز از گناه برخوردار نباشد. نهی از منکر چنین افرادی یک طبابت معنوی و جراحی روحی است و البته طبابت در پرتو مهربانی، مدارا و دلسوزی از موفقیت بیشتری برخوردار است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: امر به معروف و نهی از منکر کنید و چنین نمی کند مگر کسی که از سه خصلت برخوردار است: با مدارا و انصاف امر و نهی کند و به آنچه امر و نهی می کند آگاه باشد.(۲۵)

اگر گنهکار احساس کند که امر کننده از سر دلسوزی و شفقّت به او تذکر می دهد دشواری های پذیرش را تحمل می کند و صادقانه به تذکر او توجه می نماید.

مرحوم میرزای قمی که از علمای بزرگ به شمار می رود در یکی از ملاقات هایش با فتحعلی شاه دست به ریش بلند او کشید و فرمود: ای پادشاه! کاری نکن که این ریش فردای قیامت به آتش جهنم بسوزد!(۲۶)

برخی بیماران طبیب را مورد پرخاش قرار می دهند اما طبیب از بیمار انتقام نمی گیرد زیرا طبیب دشمن بیمار نیست بلکه دشمن بیماری اوست. اگر انسان در برخی موارد و موقعیت ها گستاخی های گنهکار را به خاطر نیل به اصلاح او تحمل کند به موفقیت های چشم گیری دست می یابد، به ویژه اگر قدرت انتقام گیری داشته باشد.

مرحوم حاج شیخ محمّدتقی بافقی یکی از عالمان بزرگ و دارنده مقامات و کرامات بود که در امر به معروف و نهی

از منکر بسیار کوشا و با شجاعت بود. او در حمامی سرهنگی را می بیند که ریش خود را می تراشد. نزدیک او آمده و می گوید: مگر نمی دانی که ریش تراشی در اسلام گناه است، چگونه به این گناه اقدام می کنی! سرهنگ از این تذکر با جرأت و شهامت او عصبانی شده به صورت او سیلی می زند و می گوید: به تو مربوط نیست که ریشم را می تراشم!

شیخ با کمال خونسردی مانند یک پدر دلسوز که فرزندش را نصیحت می کند می فرماید: ... خواهش می کنم ریشت را نتراش. سرهنگ از مشاهده حلم و موعظه خیرخواهانه او از عمل خود پشیمان شده، از کسی می پرسد این آقا کیست؟ وی می گوید: این آقا شیخ محمّد تقی بافقی است. سرهنگ که شیخ را می شناسد بیشتر ناراحت شده و دست آقا را می بوسد و عذرخواهی کرده و به دست ایشان توبه می کند. آن گاه مرحوم شیخ محمّد تقی بافقی در تمام شهر قم، ریش تراشی را ممنوع می کند و از آرایش گران قم تعهد می گیرد که ریش تراشی نکنند.(۲۷)

۲ - بزرگواری

متانت و بزرگواری زینت امر و نهی کننده است. انسان های بزرگوار محبوبیت عمومی دارند و سخنان آنها تأثیر به سزائی دارد همان گونه که سبکسری و برخوردهای ضعیف، تأثیر تذکر را از بین می برد.

مردی نصرانی با جسارت به امام باقرعلیه السلام گفت: توبقر هستی؟ امام علیه السلام فرمود: من باقر (شکافنده علم) هستم. نصرانی گفت: تو پسر آشپز (نان پز) هستی؟ امام علیه السلام فرمود: این حرفه او بود. نصرانی گفت: تو پسر کنیز سیاه بد زبان می باشی؟ (مادر امام باقر زنی با فضیلت و دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بود) امام باقرعلیه السلام فرمود: اگر راست می گویی خدا او

را بیامرزد و اگر دروغ می گویی خدا تو را بیامرزد. مرد نصرانی که این بزرگواری و شکیبایی را از امام علیه السلام دید به شگفت آمد و مسلمان شد.(۲۸)

۳ – احترام به گنهکار

اگر چه گنهکار حرمت خود را زیر پا نهاده و با ارتکاب گناه عدالت و تقوای خود را ضایع کرده است اما هم چنان برای خود ارزش و شخصیتی قائل است که حفظ آن را لازم می داند و کسانی را که به شخصیت آسیب دیده او احترام گذارند به دیده احترام می نگرد. این برخورد محترمانه با گنهکار، او را از پرخاشگری باز می دارد و میزان پذیرش او را افزایش می دهد. ضمن این که احتمال دارد از حکم شرعی (حرام بودن عمل) خود بی اطلاع بوده یا عمل خود را مشمول آن حکم نمی دانسته است. چه این که عده زیادی حرمت ریش تراشی را می دانند اما گمان برده اند تنها ریش تراشی با تیغ حرام است و با ماشین های دستی یا برقی حرام نمی باشد؛ که باید برای آنها بیان شود که داشتن ریش یک معروف است و عریان کردن صورت با هر وسیله که باشد یک منکر به حساب می آید.

۴ – استمداد از خداوند

امر و نهی دینی از جمله حرکت های مقدس و بسیار مهم مؤمن است که در صحنه های اجتماعی تجلی می یابد. انجام و تأثیر چنین حرکت هائی بدون کمک از حضرت حق تعالی میسر نیست. اگر اراده الهی با حرکت ما همراه نباشد سخن ما مانند حبابی که از ریزش باران بر آب ایجاد می شود پس از لحظه ای از بین خواهد رفت. از خدای تعالی می خواهیم که امر و نهی ما را با استقبال و پذیرش چشمگیر افراد روبرو گرداند و بذر کلام ما را در جانشان بارور فرماید که او بهترین مددکار است.

۵ – اخلاص

اخلاص رمز موفقیت حرکت های الهی است. اگر چه امر به معروف از جمله عباداتی نیست که نیت شرط آن باشد امّا وجود چنین حالت ارزنده ای اجر و تأثیر آن را افزایش می دهد و به عکس، خودنمایی و غرض ورزی امر و نهی را بی اثر و چه بسا با آثار نامطلوب همراه سازد.

۶ – توکل

توکل پشتوانه همه حرکت های ایمانی است. هر چند انسان از همه عوامل موفقیت در امر و نهی دینی برخوردار باشد نباید بر آنها اتکا داشته باشد بلکه باید ضمن به کارگیری همه امکانات برای اصلاح دیگران تنها بر خداوند توکل کند و امر خود را بر او واگذارد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: کسی که می خواهد امربه معروف کند باید با مردم مهربانی و مدارا نماید، و با ملاطفت و گفتار خوش آنان را به خوبی ها و ترک بدی ها دعوت نماید، و اخلاق و مراتب فهم آنها را در نظر گیرد تا با توجه به آن با آنان رفتار نماید، آگاه به مکر نفس و حیله های شیطان باشد و در برابر آزار و زحمت دیگران صبر و استقامت ورزد، و با آنها مقابله نکند، و از آنها گله و شکایت ننماید. و با خودپسندی و خودبینی و تندی و درشتخویی برخورد نکند و هدفش

خداوند و اجر الهی باشد. پس اگر با وی مخالفت و به او ستم نمودند شکیبایی نماید و اگر موافقت کردند شکر کند. امر خود را به خدا واگذارد و به عیوب خود توجه داشته باشد.(۲۹)

۷ – ذکر خوبی ها

ذکر برخی از خوبی های گنهکار با رعایت همه جوانب امر در بسیاری از موارد تأثیر امر و نهی را افزایش می دهد. زیرا ذکر خوبی ها او را به تذکر دهنده خوشبین و ارزش جویی او را تقویت می کند و با چنین روحیه ای پذیرش تذکر آسان می گردد و تأثیر آن فزونی می یابد. این روشی بود که فاطمه زهرا علیها السلام در امر به معروف خود به کسانی که در دفاع از حق امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم

صلی الله علیه وآله سکوت کرده بودنـد مورد اسـتفاده قرار می داد. آن حضـرت در ابتدا سابقه مجاهدت های آنها را در جبهه های دفاع از اسـلام یادآور می شـد و سـپس آنها را به دفاع از ولایت و امامت امر می فرمود. این روش باید مورد اسـتفاده قرار گیرد.

مثلاً به رزمنـده ای گفته شود: تصوّر این که شـما با آن همه مجاهدت ها و ایثار در راه خدا مرتکب چنین عملی گردید دشوار است. یا اگر کسـی دارای خانواده اصـیلی است با ذکر این اصالت خانوادگی، او را چنین برحـذر داشت: شأن خانوادگی شـما بالاتر از این است که از لباس های زننده و غربی استفاده کنید.

یـا به کسـی که دارای وجهه اجتمـاعی است گفته شود: سـزاوار است کسـی مثل شـما که از اعتبار اجتماعی برخوردار است از رفت و آمـد بـا برخی افراد ناموجه پرهیز کنـد. یا به کسـی که دارای حسن سابقه در بین مردم است گفته شود: حیف است که سابقه ارزشـمندی را که به قیمت عمر شما به دست آمده است در پی کسب اندکی مال حرام یا حرکتی غیرشرعی ضایع کنید. یـا به کسـی که علاقه منـد به ارزش های دینی است گفته شود: شـما به حمـدالله معتقـد به ارزش های دینی هستیـد، چه خوب است از کلمات زشت پرهیز کنید و به افراد بزرگوار گفته شود سزاوار نیست که بزرگوارانی چون شما خلف وعده نمایند.

یا به کسـی که دارای صـفات نیک اخلاقی است گفته شود شـما در تدین و تقوا معروف هستید انتظار می رود حجاب خانواده شما بهتر از این باشد. حتی اگر کسی از صفت نیکویی برخوردار نباشد – که چنین امری به ندرت تحقق می یابد – می توان به

او گفت: حیف نیست کسی مثل شما که می تواند انسانی وجیه، با تقوا و مورد محبت خدا و مردم و خویشاوندان باشد خود را به گنهکاری مورد بغض خدا و نفرت مردم تبدیل کند؟

۸ – عمل به دستورهای دینی

کسی که خود اهل عمل به فرامین الهی است و از معصیت دوری می کند امر و نهی او از تأثیر بیشتری برخوردار است.

امام صادق علیه السلام فرموده است: کسی امربه معروف و نهی ازمنکر می کند که دارای سه خصلت باشد: عمل کند به آنچه امر می کنـد و پرهیز نمایـد از آنچه نهی می کنـد و عادل باشـد در آنچه امر و نهی می نماید و در امر و نهی خود مدارا نماید. (۳۰)

۹ – صبر و استقامت

از جمله عوامل تأثیر گذار در امر و نهی دینی صبر و استقامت است.

قرآن کریم از زبان حضرت لقمان می فرماید:

یا بُنَیَّ اَقِمِ الصَّلوهَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اصْبِرْ عَلی ما اَصابَکَ اِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ(۳۱)

ای فرزنـد! نمـاز را بپـای دار و امربه معروف و نهی ازمنکر نمـا و در این راه بر آزاری که به تو می رسـد صبر پیشه کن که این نشانه ای از ثبات عزم در کارهاست.

بـا زود رنجی و عصـبانیت نمی توان به اصـلاح مردم پرداخت. کسانی که این گونه انـد عملاً در حرکت خود ناموفقنـد. امر به معروف و نهی از منکر برای کسـانی است که نافرمـانی خـدای تعالی کرده انـد و بعیـد نیست فردی که نافرمانی خداونـد کرده است، نسبت به امر ونهی کننـده هم نافرمانی کنـد، عکس العمل منفی ابراز نماید، پرخاش کند، آزار رساند و زیان وارد کند. چرا که این حرکـات سیره بسـیاری از گنهکـاران بـوده است. در این جـاست که بایـد صـبر و اسـتقامت داشت که این صـبر و شکیبایی نشانه عزم استوار صالحین در راه اصلاح مردمان گنهکار است.

در ایام سـلطنت رضاخان که دسـتگاه سـلطنتی، فحشا و منکرات را آشکار کرده بود، مرحوم شیخ محمدتقی بافقی با همکاری سایر علمای قم با

منکرات مبازره می کرد تا آن که از سوی حکومت ظالم اعلام شد کسی حق نهی از منکر ندارد و باید مردم در اعمال خود آزاد باشند. مردم متدین مخصوصاً علمای قم از این اقدام دولت بسیار ناراحت شدند امّا از ترس حکومت دیکتاتوری رضاخان جرأت اقدام نداشتند. در این هنگام بود که هم چنان از سوی علما و حوزه علمیه صدای مخالفت بلند شد.

ایام عید بود و مردم از هر سو برای تحویل سال در حرم و صحن حضرت معصومه علیها السلام اجتماع کردند و از طرفی خانواده سلطنتی با وضع بی حجابی و بزک کرده در جلو حجره های بالای صحن در انظار مردم خودنمایی می کردند. مرحوم بافقی که طاقت تحمل این منکرات را نداشت به خانواده سلطنتی پیام داد: اگر شما مسلمانید چرا با این وضع در حرم حضرت معصومه علیها السلام حاضر شده اید و اگر مسلمان نیستید چرا این جا آمده اید؟ و در شهر اعلام کرد سه ساعت به غروب مانده در صحن مطهر اجتماع کنند.

علما و مردم در ساعت مقرر در صحن مطهر حاضر شدند و مرحوم بافقی شروع به سخنرانی کرد و این آیه را عنوان کرد: «وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ» سپس با صدای بلند خطاب به مردم فرمود: «اما فیکم رجل رشید»؟ (آیا در میان شما یک مرد رشید نیست) که جلوی این اهانت ها و جسارت های به احکام قرآن را بگیرد؟ کار به جایی رسیده است که علناً با امربه معروف و نهی ازمنکر مخالفت می کنند.

این سخنرانی مردم را به حرکت درآورد به طوری که جاسوس ها و مأموران رضاشاه به وحشت افتادند و خانواده سلطنتی ترسیدند که مردم با

آنها برخورد کنند.

سرانجام حکومت نظامی در شهر قم برقرار شد و رضاشاه با جلادهای خونریزش وارد قم شد و به تیمور تاش وزیر دربار وقت دستور داد که آقای شیخ محمدتقی بافقی را دستگیر کند و به نزد او بیاورد. در آن ساعت او در مسجد بالا سر قم مشغول موعظه و بیان احکام بود که تیمورتاش وارد شد و آن بزرگوار را با وضع فجیعی دستگیر کرد و به نزد شاه جلاد آورد. تا چشم آن ظالم به این عالم افتاد چنان غضبناک شد که حالت درندگی پیدا کرد و به او حمله کرد و زیر چکمه خود انداخت و آنچه می توانست ضرب و جرح و هتاکی کرد. مرحوم بافقی در زیر چکمه ها و کتک ها فقط صدا می زد: «یا صاحب الزمان ادرکنی»! تا آن که رضا شاه خسته شد و از او دست کشید و دستور داد او را به تهران آورده زندانش کنند!(۳۲)

۱۰ – افشای منشأ گناه

افشای عوامل اصلی گناه، درصد تأثیر امر و نهی دینی را افزایش می دهد. زیرا برخی از گنهکاران با فریب و پیروی از فرد یا گروهی به گناه آلوده می شوند که در صورت افشای آن افراد از امر و نهی دینی استقبال می کنند. سیره انبیا و ائمه دین بر افشای چهره های اصلی گناه و گمراهی بوده است. پیامبران الهی در ضمن حرکت های اصلاحی جامعه چهره سردمداران کفر و گمراهی را رسوا می کردند و گاهی نظیر حضرت موسی علیه السلام به مبارزه می پرداختند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت اوعلیهم السلام همواره به افشای سردمداران انحراف مبادرت می ورزیدند.

امام خمینی قدس سره به موازات توجه به اصلاح مردم سعی وافر در افشای چهره اصلی امریکا،

اسرائیل، شاه و سران گروه های منحرف داشت. چنین حرکت اساسی زمینه قبول و پذیرش امر و نهی دینی را در گنهکاران افزایش می دهد. زیرا مردم از هماهنگی و همسویی عملی با چهره های منفی اجتناب می ورزند. اگر در شهر یا محلی فرد یا گروهی سبب گمراهی فکری، اخلاقی یا سیاسی افراد گردند باید ضمن امر و نهی دینی مردم افشاگری لازم، منطقی و شرعی صورت پذیرد.

افشای چهره کریه غرب که منشأ گرفتاری ها و کجروی های ملت های مسلمان است یک ضرورت است. چنانچه افشای چهره بعضی از همسایگان، دوستان، اقوام که نقش گمراه کننده و انحرافی در سایر افراد دارند ضروری است. چنین افشاگری ها خود یک معروف است. البته اگر با نهی از منکر از گمراهی مردم دست بردارند به همین اکتفا شود در غیر این صورت باید مورد افشا قرار گیرند.

شیخ عبدالسلام بصری از کسانی است که به دروغ خود را عارف معرفی کرده و به اندازه ای نفوذ پیدا کرده بود که سلاطین دستور می دادند بر پرچم ها بنویسند «لا اله اللّه، محمد رسول اللّه، شیخ عبدالسلام ولی اللّه».

روزی شیخ عبدالسلام که از اهل سنت بود در مسجد بصره نماز می گزارد که ناگهان در بین نماز، کلمات: کخ کخ را بر زبان آورد. وقتی نماز را به پایان رسانید، مریدان او گفتند: چرا در بین نماز چنین کردی؟

او در جواب گفت: من از این جا (بصره) دیدم سگی داخل مسجدالحرام شد و تا نزدیک درب کعبه پیش رفت، من هم در نماز او را از خانه خدا دور کردم.

مریدها از این کرامت شیخ شگفت زده شدند. یکی از مریدان او نزد همسر شیعه خود آمد و کرامت شیخ را

برای او نقل کرد تا همسرش نیز تشیّع را رها سازد و مذهب او را بپذیرد.

همسرش گفت: من می پذیرم اما شیخ را دعوت کن تا به منزل ما بیاید. شوهرش عبدالسلام را دعوت کرد و به همسرش گفت: برای او و مریدان همراهش غذایی آماده سازد.

وقتی عبدالسلام و همراهانش آمدند، سفره پهن کردند و برای هر نفر ظرفی از برنج گذاردند که بر روی آن تکه ای از گوشت مرغ قرار داشت. اما آن زن، مرغ عبدالسلام را در زیر برنج ها گذارده بود.

شیخ که به ظرف غذای خود نگاه کرد، ناراحت شد و دست به طعام نبرد که چرا ظرف غذای او مرغ ندارد.

در این هنگام آن زن شیعه داخل اتاق آمد و مرغ را از زیر برنج او بیرون آورد و گفت: ای شیخ تو از بصره، سگ را در مکه و میان مسجدالحرام دیدی و نمازت را قطع کردی، پس چگونه مرغ را در زیر غذایت ندیدی؟

شیخ که بسیار ناراحت شد با عصبانیت و بدگویی از مجلس بیرون رفت. شوهر زن که شاهد افشای عبدالسلام بود به حقّانیت همسرش پی برد و شیعه شد.(۳۳)

۱۱ – ملاحظه زمینه های مناسب

با استفاده ظریف از زمینه ها می توان تأثیر امر و نهی دینی را به گونه ای چشمگیر افزایش داد.

مرد فقیری پسر خردسالی داشت. روزی به او گفت: بیا امروز قدری میوه از باغی سرقت کنیم. پسر خردسال با نارضایتی با پدر به راه افتاد. وقتی به باغ رسیدند پدر به فرزندش گفت: تو در این جا نگهبان باش و اگر کسی آمد زود مرا خبر کن تا کسی ما را در حال دزدی نبیند و مشغول چیدن میوه از درخت مردم شد. لحظه ای

بعـد پسـر فریـاد زد: یک نفر ما را می بینـد! پـدر با ترس و عجله از درخت پایین آمـد و پرسـید چه کسـی؟ کجاست؟ پسـرک زیرک گفت: همان خـدایی که از همه چیز آگاه است و همه چیز را می بیند! پدر از گفتار نیکوی فرزند شـرمنده شد و بعد از آن دزدی نکرد.(۳۴)

این گونه مناسبت ها فراوان یافت می شود که می توان با نوعی فراست و زیرکی به آنها دست یافت.

زمـانی کـه مرحـوم ملاـ محمـدتقی مجلسـی به شـهرت نرسـیده بـود یکی از ارادتمنـدان او به نزدش شـکایت آورد که از آزار همسـایه به تنـگ آمـده ام. شب ها دوسـتان نااهل خود را جمع می کنـد و تا صـبح به شـراب خواری و لهو و لعب مشـغولند و آسایش ما را از بین برده اند. ایشان فرمودند: امشب آنها را میهمان کن و من هم می آیم، شاید خدای تعالی او را هدایت کند. او همسایه اش را که رئیس اشـرار بود به همراه دوسـتانش دعوت کرد و ملّا محمـدتقی مجلسـی رحمه الله هم زودتر به منزل او رفت و در گوشه ای نشست.

وقتی رئیس اوباش و دوسـتانش وارد شدند و چشـمشان به آن عالم دینی افتاد ناراحت شدند، زیرا با وجود او عیش آنها به هم می خورد. در هر صورت نشستند. رئیس آنها به ملّا محمّد تقی گفت، چه شد که تو هم به جرگه ما وارد شدی؟

در پاسخ گفت: فعلاً که چنین پیش آمده است.

سپس برای آن که ملاـ محمـدتقی را از مجلس بیرون کنـد و آزاد باشـند سرسـخن را باز کرد و گفت: راهی که شـما در پیش گرفته اید بهتر است یا شیوه ای که ما داریم؟ جواب داد: باید آثار و خواص کار خود را بیان

کنیم تا معلوم گردد کدام بهتر است.

رئیس اوباش گفت: این حرف منصفانه است و ادامه داد یکی از اوصاف ما این است که اگر نمک کسی را خوردیم، نمکدان نمی شکنیم.

ملا محمدتقی فرمود: این طور نیست و قبول ندارم که شما این گونه باشید. او پاسخ داد انکار شما بی مورد است؛ زیرا این از امور مسلّم ما جوانمردان است. ملا محمدتقی فرمود: اگر چنین است می پرسم آیا شما هرگز نمک خدا را خورده ای؟ او سر به زیر انداخت و پس از اندکی از مجلس برخاست و رفت و همراهان او هم رفتند.

صاحب منزل گفت: بدتر شد، قهر کردند و رفتند.

ملاـ محمدتقی فرمود: تا ببینیم چه می شود! صبح روز بعد رئیس اوباش به در منزل ملا محمدتقی آمد و با شرمساری تمام عرض کرد: سخن دیشب شما سخت در دل من اثر کرد و خواب را از چشمم ربود.(۳۵)

چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را که کس آهوی وحشی را از این خوشتر نمی گیرد.

۱۲ – توجه به زمان و مکان

انتخاب زمان و مکان مناسب که بیشترین زمینه را برای بیان و پذیرش امر و نهی به همراه داشته باشد تأثیر آن را افزایش می دهد و این انتخاب تا حدود زیادی به فهم و ذکاوت و سلیقه امر و نهی کننده بستگی دارد. از همین رو موقع شناسی آمر و ناهی یکی از اصول موفقیت او خواهد بود. مثلاً با اندکی دقت و بررسی می توان دریافت که امر و نهی در مکان گناه، محیط منزل یا کار و یا هر محیط خلوت دیگر چگونه خواهد بود و هم چنین در کدام زمان روحیه پذیرش او بیشتر است. مثلاً اگر بعد از

نماز جمعه یا جماعت که فرد از روحیه معنوی بیشتری برخوردار است امر و نهی شود، پـذیرش بیشتری دارد در همان زمان امر و نهی شود.

البته همیشه فرصت انتخاب زمان و مکان وجود ندارد و باید در هر صورت با وجود شرایط به وظیفه عمل کرد.

۱۳ – دعا به گنهکار

یکی از عوامـل تـأثیر گـذار که نـتیجه مثبت آن بارهـا به تجربه رسـیده است دعـا و تشـکر از گنهکـاری است که از امر و نهی اسـتقبال می کنـد. زیرا با این حرکت به دلسوزی انسان پی می برد و چنین امری یک موفقیت در امر و نهی به حساب می آید. مثلاً به وی بگوییم از اسـتقبال شـما نسـبت به حکـم خـدا سپاسـگزارم، خداوند توفیق انجام این واجب را همواره به شـما عنایت فرمایـد، یا خداونـد شـما را از تکرار این کار حفظ فرمایـد. مثلاً به خانمی که با امر به معروف حجاب خود را مراعات می کند دعا شود که خداوند همیشه شما را از زنان با حجاب و با تقوای جامعه قرار دهد.

۱۴ – زمینه سازی

یکی از عوامـل موفقیت امر و نهی دینی ایجـاد زمینه هـای منـاسب تـأثیر است. زمینه سازی به معنای ایجاد مقتضـیات تأثیر و بر طرف ساختن موانع موفقیت در امر و نهی است. مثلاً کسی که امر و نهی فردی دیگران را نمی پذیرد عده ای با هماهنگی قبلی او را با خود همراه سازنـد و در فرصتی مناسب به طور دسـته جمعی او را مورد امر و نهی قرار دهنـد، یا اگر در موردی نیازمند کمک است نیاز او را برطرف سازنـد و همزمان با این مساعـدت او را مورد امر و نهی قرار دهند و حتی می توانند کمک خود را مشروط به انجام واجب یا ترک منکر نمایند.

زمینه سازی بایـد حساب شـده و به طور طبیعی صورت پـذیرد اگر چه به هنگام نتیجه گیری معلوم شود برنامه ای در کار بوده است.

مسلمهبن عبدالملک از امرای لشکر بود و در جبهه جنگ روم سِمَت فرماندهی داشت. وقتی عمربن عبدالعزیز

به خلافت رسید او را به شام احضار کرد و اجازه داد همه روزه به حضورش برسد. در آن ایام به خلیفه گزارش رسید که مسلمه در زندگی خود به زیاده روی و اسراف گراییده است و برای تهیه غذاهای گوناگون روزانه هزار درهم خرج سفره می پردازد. عمربن عبدالعزیز از این خبر به شدت ناراحت شد و تصمیم گرفت از مسلمه انتقاد کند و او را از این روش ناصحیح باز دارد. برای آن که تذکرش مؤثر واقع شود شبی از مسلمه دعوت کرد که شام را به طور خصوصی با خلیفه تناول کند. این دعوت برای او مایه سربلندی و افتخار بود و با کمال میل آن را پذیرفت.

عمربن عبدالعزیز به مسئول آشپزخانه خود دستور داد که در آن شب، انواع طعام ها را تهیه کند و آشی از عدس، پیاز و زیتون نیز آماده نماید و هنگامی که دستور آوردن شام داده می شود در ابتدا آش را بر سر سفره آورد و سپس با مقداری فاصله سایر غذاها را حاضر کند.

شب موعود فرا رسید و مسلمه شرفیاب شد. مجلس بسیار خصوصی بود و جز میزبان و مهمان کسی حضور نداشت. عمربن عبدالعزیز پیرامون اوضاع مردم و جنگ های آن منطقه از مسلمه پرسش هایی کرد و او پاسخ می داد. مجلس به درازا کشید و از هنگام خوردن شام دو ساعتی گذشته بود که خلیفه دستور داد غذا را آوردند. سفره گسترده شد و بر طبق قرار قبلی در ابتدا آش را حاضر کردند. مسلمه که سخت گرسنه شده بود به انتظار غذاهای دیگر نماند و خود را به آش سیر کرد. وقتی طعام های رنگارنگ را آوردند، اشتها نداشت و

از آنها چیزی نخورد. عمر بن عبدالعزیز سؤال کرد چرا نمی خوری؟ جواب داد سیر شده ام. خلیفه گفت: سبحان اللَّه، تو از این آش که یک درهم خرج آن شده است سیر می شوی اما برای رنگین کردن سفره خود روزی هزار درهم خرج می کنی! از خدا بترس، اسراف نکن و این پول گزافی را که برای تجمل صرف می نمایی به مستمندان بده که رضای خدا در آن است.

موعظه خصوصی و تذکر خیرخواهانه عمربن عبدالعزیز در مسلمه اثر گذارد، به عیب خود متوجه شد، از خلیفه سپاسگزاری کرد و با تحول فکری و روحی به منزل خویش بازگشت.(۳۶)

۱۵ – توجه به نوع تفکر و روحیه ها

بدون شک سطح فکری و اخلاقی گنهکاران و هم چنین سن، سابقه ایمانی و خصوصیات خانوادگی آنها دارای تفاوت و مراتب گوناگونی است که توجه به آنها تأثیر امر و نهی دینی را افزایش می دهد.

* به برخی گنهکاران که به شخصیت خود حساسیت دارند می توان گفت: اگر کسی دیگر این عمل شما را انجام می داد، طور دیگری بود اما از یک انسان با شخصیتی مثل شما انتظار نمی رود با افراد کم شخصیت یا بی شخصیت سربازار بایستید و شوخی رکیک کنید یا با آنها رفت و آمد داشته باشید.

* به کسی که به شهرت خوب اهمیت می دهد گفته شود: شما در بین مردم از شهرت خوبی برخوردارید. این شهرت ارزشمند را که با چیزی نمی توان مقایسه کرد لذا با فحش دادن به دیگران آن را از بین نبرید.

* به کسی که به سابقه ایمانی و دینی خود اهمیت می دهد گفته شود: از کسی مثل شما که سابقه دینی طولانی و حرکت در راه خدا دارد و همه او را به نیکی

می شناسند، انتظار نمی رود کاری کند که سابقه خوب خود را که طی یک عمر به دست آورده است از دست بدهد.

* به کسی که به منطقی اندیشیدن اهمیت می دهد گفته شود: ما شما را فردی منطقی می دانیم و صحیح نیست که یک انسان منطقی به گونه ای درباره دیگران اظهارنظر کند یا توهین و تهمت زند که گفته شود سخنان و برخوردهای او غیرمنطقی و خلاف شرع است.

* به کسی که به غیرت و مردانگی اهمیت می دهد گفته شود: از مرد غیرتمندی مثل شما انتظار نمی رود که دختر یا همسرش بدون پوشش شرعی در جامعه ظاهر شود و چه بسا با کلماتی زننده از سوی افراد هرزه روبرو گردد.

* به کسی که به روشنفکری علاقه مند است و از تحصیلات بالا برخوردار است گفته شود: شما جزو افراد روشنفکرید و برای همین انتظار جامعه از شما بسیار زیاد است و در شأن و مصلحت شما نیست که با چنین سر و وضع و لباسی در جامعه ظاهر شوید.

* به کسی که به وقار و هیبت علاقه مند است گفته شود: سخنان ضعیف و شوخی های بی مورد یا نشست و برخاست زیاد با زنان و یا تراشیدن ریش که چهره شما را عریان می سازد، هیبت و وقار شما را زایل می کند.

* به کسی که به اقوام خود اهمیت می دهد گفته شود: انتظار خویشاوندان این است که شما با این دوستان ناباب رفت و آمد نداشته باشید یا این اعمال را ترک کنید.

* به کسی که به نظرات مرجع خاصی اهمیت می دهد، فتوای آن مرجع در خصوص حرمت عمل او ذکر شود. مثلاً به کسی که از کراوات استفاده می کند گفته

شود: مرجع شما استفاده از کراوات را جایز نمی داند.

* به زنی که به عفت و نجابت حساسیت دارد گفته شود: در شأن یک زن عفیف نیست که بخواهد قیافه، موهای سر یا زینت هایش را در معرض دید مردهای نامحرم قرار دهد.

* به کسی که به موفقیت اجتماعی خود اهمیت می دهد گفته شود: شما عمری است که از موقعیت خوبی در بین مردم برخوردارید اما این کارهای شما یا اعمال پسر، دختر یا همسر و یا افرادی که به منزل شما رفت و آمد دارند این موقعیت را خدشه دار می سازند.

* از کسی که به امام زمان علیه السلام علاقه خاصی داشت و ریش خود را تراشیده بود، سؤال شد امام زمان علیه السلام محاسن دارد یا ریش خود را می تراشد؟ پاسخ داد: محاسن دارد. گفتم نمی خواهی چهره ات همانند امام زمان علیه السلام باشد؟ جواب داد: می خواهم.

* به کسی که اهل قناعت و ترویج فرهنگ آن در بین مردم است گفته شود، اگر شما اهل قناعت بودی به حلال خدا قناعت می کردی.

آنچه بیان گردید برای نمونه بود و می توان از روحیات، تفکر و علاقه هر کس در جهت امر و نهی او استفاده کرد.

۱۶ – همکاری حکومت و مردم

امربه معروف و نهی ازمنکر حقیقتی است که اگر در بستر مناسب خود و همراه با زمینه های مساعد اجتماعی و اهرم های قدرت حکومتی و فردی و توانمندی های فکری، اخلاقی و رفتاری باشد از تأثیر و موفقیت بالایی برخوردار است. در این میان همراهی دولت در احیای ارزش ها و امر و نهی دینی و تقویت آمر و ناهی تأثیری بسزا دارد، ضمن این که گنهکار را با پذیرش بیشتری همراه می سازد و حداقل برخوردهای منفی احتمالی او را کاهش می دهد.

حکومت می توانـد فرهنـگ امربـه معروف و نهی ازمنکر را فرهنـگ رایـج و معمـول اجتمـاع کنـد، حمـایت هـای خـود را از اصـلاحگران جامعه اعلام و عملی سازد و نه تنها از گنهکاران حمایت نکند که بر مذمت و برخورد با آنها اصـرار داشته باشد. در این فضای اجتماعی ارزشـمند است که گنهکاران جرأت خود را از دست می دهنـد و هدایت گران اجتماع توان امر و نهی پیدا می کنند و دیگران هم به انجام این فریضه راغب می شوند.

این وحـدت مقـدس تنهـا در پرتـو دسـتگاه قضـایی صالـح و دولت کریمه تحقق می یابـد. تصویب قوانین امربه معروف و نهی ازمنکر به گـونه ای جـامع و درخور اجرا هماننـد دیگر قوانین اجتمـاعی به عنوان یـک ضـرورت در تحقق وحـدت و همیـاری حکومت و مردم مطرح است. وجود این قوانین از مهم ترین پشتوانه های دلگرم کننده مردم در اصلاح اجتماع است. مصوباتی که حرکت مردم را به طور کامل شکل قانونی دهد و برای همه مردم و دستگاه های دولتی و تبلیغاتی به ویژه رادیو و تلویزیون تعیین تکلیف نمایـد به گونه ای که ترک این فریضه الهی در همه جـا خلاف قـانون تلقی شود. آن گـاه است که جامعه روی صلاح خواهد دید.

نکته

ای عزیز کـه کمر همّت بر امر بـه معروف و نهی از منکر بسـته ای! نیـک بـدان کـه کـار تـو یـک طبـابت روحی است. پس با گنهکار ستیزه مکن بلکه با عیب او مبارزه کن که پرخاش به دیگران شیوه مجاهدان راه خدا نیست. صبر و مدارا و گفتار نیک را زینت خودگردان که اخلاق و بزرگواریِ تو کلامت را گوارا سازد و بذر گفتارت را در سرزمین جان گنهکار باور گرداند. خدایت توفیق دهد.

فصل چهارم : شرایط امر به معروف و نهی از منکر

احکام امربه معروف و نهی ازمنکر

۱ – امر و نهی به واجب و مسـتحب تقسـیم می شونـد. آنچه عقلاً یا شـرعاً واجب باشد امر به انجام آن هم واجب است و آنچه عقلاً قبیح و شرعاً حرام باشد نهی از آن واجب است. و هر چه مستحب باشد امر به آن مستحب و آنچه مکروه است نیز نهی از آن مستحب می باشد.

۲ – "امر و نهی" واجب کفـائی است. پس اگر کسـی به انجـام آنها اقـدام نمایـد تکلیف از دیگران برطرف می گردد و اگر با وجود شرایط، کسی اقدام نکند همه واجب را ترک کرده اند.

۳ – اگر برقراری واجب یا ریشه کن نمودن منکری نیازمند امر و نهی گروهی باشد با اقدام بعضـی از آنها تکلیف برداشته نمی شود و باید افراد لازم اقدام نمایند.

۴ – اگر افراد مهیا کمتر از تعداد مورد نیاز باشند و دیگران با آنها همراهی نکنند و آنها نتوانند دیگران را با خود همراه سازند، تکلیف از آنها برداشته می شود و کسانی که از کمک به آنها تخلف کرده اند گناهکارند.

۵ – اگر انسان مطمئن شود که دیگری امر یا نهی می کند بر او واجب نخواهد بود. بله اگر بفهمد که او اقدام نمی کند

بایـد خود به وظیفه عمل نمایـد. هم چنین اگر اطمینان پیـدا کنـد که افراد لازم اقـدام می کننـد اما بعـد بفهمـد آن تعداد کافی نیست بر او نیز واجب می شود.

۶ – گمـان و احتمـال انجام امر یا نهی از سوی دیگران یا وجود افراد مورد نیاز برای انجام امر یا نهی کافی نیست بلکه با وجود این گمان و احتمال واجب است خود به وظیفه عمل کند. بله وجود دلیل بر اقدام دیگران، کافی است.

۷ – اگر موضوعی که واجب یا حرام به آن بسـتگی دارد از بین برود وظیفه امر یا نهی نیز برطرف می شود (مثل این که انسانی که محور و اساس گناه بود به محیط دیگری برود یا مشروبی که نهی از آن واجب بود بر زمین بریزد.)

۸ – اگر اقامه واجب یا از بین بردن منکر بر ارتکاب حرام یا ترک واجب متوقف باشـد بایـد اهمیت آنها را ملاحظه کرد. (مثل این که نجات جان یک انسان از اهمیت بیشتری نسبت به ورود در ملک دیگری برخوردار است.)

۹ – اگر امربه معروف و نهی ازمنکر گنهکـاری واجب باشـد و بیش از یکی از این دو مورد (امر یا نهی) میسـر نباشـد بایـد هر کدام که از اهمیت بیشتری برخوردار است انجام گیرد.

۱۰ – بیان حکم شرعی یا توضیح مفاسد و مضرات ترک واجب یا عمل حرام در انجام وظیفه امر و نهی دینی کافی نیست مگر این که از بیان حکم یا توضیح مضرات، امر یا نهی دانسته شود یا مقصود اصلی که ترک گناه است حاصل گردد.

۱۱ – قصد قربت و اخلاص در امر و نهی واجب نیست، اما اگر قصد کند، از پاداش قصد اخلاص خود

برخوردار می شود.

۱۲ – در واجب بودن نهی از منکر تفاوتی بین گناه کوچک و بزرگ وجود ندارد.

۱۳ – اگر کسی شروع به انجام مقدمات گناه کند تا به انجام آن دست یابد، چنانچه این مقدمات او را به حرام می رساند باید از آن عمل حرام نهی شود. اما اگر معلوم باشد که موفق به انجام حرام نمی شود، نهی از منکر او واجب نمی باشد مگر این که جرأت بر عمل حرام را حرام بدانیم، که در این صورت باید نهی شود. و هم چنین اگر شک شود که این مقدمات او را بر انجام گناه قادر می سازد، نهی از منکر او واجب نخواهد بود مگر این که جرأت او بر انجام حرام را گناه بدانیم، که باید نهی شود.

۱۴ – اگر کسی اراده معصیت کند و شک شود که قدرت انجام آن را دارد یا خیر، نهی از منکر او واجب نیست، مگر این که اراده معصیت را حرام بدانیم، که در این صورت از اراده او باید نهی شود.

۱۵ – اگر کسی که مرتکب حرام یا ترک واجب می گردد معذور باشد، امر و نهی او جایز نیست. مثل این که کسی در پی اضطرار، گوشت حیوان مرده ای را بخورد یا در سفر روزه نگیرد. بله اگر خوردن او در بین مردم سبب هتک احکام اسلام و ماه خدا و جرأت مردم بر انجام عمل او گردد، باید نهی ازمنکر شود.

۱۶ – کسی که به تکلیف نرسیده است، واجب نیست مورد امر یا نهی قرار بگیرد. بله اگر گناه او به گونه ای است که خداوند به هیچ وجه به انجام آن راضی نیست، باید از گناه بچه های غیر مکلف نظیر قتل، فحشا

و بردن آبروی زنان و مردان با تقوا جلوگیری شود.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

امر و نهی دینی مثل هر عملی دیگر شرایطی دارد که به بیان آنها می پردازیم.

شرط اول : شناخت معروف و منکر

امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و بداند که آنچه ترک شده است معروف بوده و یا آنچه انجام گرفته است منکر بوده است. پس اگر چنین علمی نداشته باشد امر و نهی بر او واجب نیست.(۳۷)

شرط دوم : تأثیر

۱ - یکی دیگر از شرایط امر و نهی احتمال تأثیر است. پس اگر فرد اطمینان پیدا کند که تأثیر ندارد واجب نیست.(۳۸)

۲ - با گمان تأثیرناپذیری - اگر چه این گمان قوی باشد - تکلیف ساقط نمی شود پس با احتمال قابل قبول در نزد عقلا، امر یا نهی واجب می شود.

۳ - اگر شخص عادلی شهادت دهد که امر یا نهی دینی تأثیر ندارد اما انسان احتمال دهد که مؤثر است واجب است اقدام نماید.

۴ - اگر بداند نهی از منکر او جز با استفاده از موعظه و استدعا تأثیر نمی کند باید با موعظه یا استدعا او را نهی کند و اگر بداند که تنها استدعا و موعظه اثر دارد و امر و نهی تأثیری ندارد، واجب است استدعا و موعظه نماید.

۵ - اگر کسی مرتکب دو عمل حرام می شود یا دو واجب را ترک می کند و انسان بداند که امر به هر دو واجب تأثیری ندارد و احتمال دهد که امر به یک مورد مشخص آن مؤثر است، واجب است به همان مورد امر نماید. و اگر بداند امر به یکی از دو واجبی را که ترک می کند می پذیرد به هر کدام که اهمیت بیشتری دارد امر نماید. مثلاً اگر کسی نماز و روزه خود را ترک می کند و اگر او را امر به نماز کند، تأثیر نمی کند و امر به روزه در

او تـأثیر دارد واجب است امر به روزه نمایـد. امـا اگر یکی از دو واجب را به طـور غیر مشـخص می پـذیرد، واجب است امر به نماز کند که اهمیت بیشتری دارد و اگر این دو واجب در یک سطح از اهمیت بودند به یکی از آن دو امر نماید.

۶ - اگر بداند یا احتمال دهد که نهی او فقط در حضور جمع مؤثر است، اگر گناه او علنی و آشکار است، جایز و واجب است که در حضور جمع نهی کند امّا اگر گناه او علنی نیست در جواز و وجوب نهی او اشکال است.

۷ - اگر امر و نهی او جز بـا اجـازه بر ترک واجبی دیگر یـا ارتکـاب یـک عمـل حرام اثر نمی کنـد، اگر عمـل مورد اجـازه از اهمیت بیشتری برخوردار باشـد، جـایز نیست اجـازه دهـد و وظیفه امر یـا نهی از او ساقـط می شود. حتی اگر عمـل مورد اجازه اهمیتی برابر بـا عمل مورد امر یا نهی داشـته باشـد اجازه برگناه جایز نیست. امّا اگر موردی که امر یا نهی می کنـد هماننـد قتل انسانی که جان او محترم است، دارای اهمیتی باشد که خداوند به هیچ وجه به تخلف از آن راضی نیست، واجب است بر عمل حرام دیگر اجازه دهد. (نظیر این که برای حفظ ناموس کسی به بردن اموال او اجازه دهد.)

۸ - اگر بدانـد که نهی او تأثیر فوری در ترک گناه ندارد امّا بداند یا احتمال دهد که در ترک گناه آینده او تأثیر دارد، واجب است نهی کند. هم چنین اگر بداند که مثلاً نهی او از نوشیدن شراب ظرفی معین مؤثر نمی باشد، امّا اگر نهی کند در ترک

گناه او در آینده مؤثر است و گناه خود را ترک یا کاهش می دهد، واجب است او را نهی کند.

۹ - اگر بداند که امر یا نهی او نسبت به گنهکار تأثیر نمی کند امّا این امر و نهی به او در شخص دیگری تأثیر می کند، باید به منظور تأثیر در دیگری به گنهکار اول امر یا نهی نماید.

۱۰ - اگر بداند که امر به معروف او در طرف تأثیری نمی کند امّا امر شخص خاصی در او تأثیر می کند، واجب است به آن شخص امر کند تا با وجود شرایط به گنهکار امر به معروف نماید.

۱۱ - اگر بداند که شخصی نیت ارتکاب گناه کرده است و احتمال دهد که نهی او در ترک آن مؤثر است، واجب است او را نهی کند.

۱۲ - اگر تأثیر امر یا نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجبی باشد جایز نیست و تکلیف برداشته می شود مگر این که گناه همانند قتل انسانی محترم اهمیتی داشته باشد که خداوند به هیچ وجه به انجام آن راضی نباشد و گناهی را که باید مرتکب شود تا از این گناه مهم جلوگیری کند به این اندازه از اهمیت نباشد. پس اگر نجات جان انسان محترمی متوقف بر ورود در خانه دیگری باشد، واجب است در خانه غصبی وارد شود.

۱۳ - اگر بداند یا احتمال دهد که امر یا نهی او در کاهش گناه تأثیر دارد امّا گناه به کلی از بین نمی رود واجب است امر یا نهی کند. بلکه اگر گناه بزرگتری به گناه کوچکتر تبدیل گردد نیز واجب است به ویژه این که اگر گناه بزرگتر به گونه ای باشد که خداوند به هیچ

وجه به انجام آن راضی نیست.

۱۴ – اگر احتمال دهد که امر یا نهی او تأثیر مطلوب دارد امّا احتمال تأثیر منفی هم بدهد، واجب است.

۱۵ – اگر احتمال دهد که امر و نهی او در تأخیر انجام گناه مؤثر است واجب است اقدام نماید.

۱۶ – اگر فرد یا افرادی به انجام وظیفه قیام کنند و امر و نهی آنها تأثیر نکند امّا فرد یا افراد دیگری احتمال دهند که امر یا نهی آنها تأثیر می کند باید در صورت شرایط اقدام نماید.

شرط سوم : قصد ادامه گناه

۱ – شرط دیگر امر به معروف و نهی از منکر قصد ادامه گناه است. پس اگر معلوم شود که گنهکار گناه را ترک کرده است، نهی او واجب نخواهد بود.

۲ – منظور از قصد ادامه گناه تکرار گناه است اگر چه برای یک بار باشد.

۳ – اگر نشانه روشنی از ترک گناه حاصل شود که سبب یقین یا اطمینان بر ترک گناه گردد، امر یا نهی واجب نخواهد بود و هم چنین است اگر بیّنه ای مثل خبر فرد عادل بر ترک گناه او اقامه شود یا اظهار توبه و پشیمانی کند.

۴ – اگر در قصد ادامه یا ترک گناه او شک شود امر یا نهی او واجب نیست.

۵ – یکی از واجبات، توبه از گناه است. پس اگر فرد، مرتکب حرام یا ترک واجبی گردد، باید فوری توبه کند و اگر در انجام توبه او شک شود یا معلوم گردد توبه نکرده است واجب است امر به توبه شود و این غیر از امر و نهی نسبت به گناهان دیگر است.

۶ – اگر با علم یا دلیل معتبر ثابت شود که از استمرار

گناه عاجز است نهی از منکر او واجب نیست امّا اگر معلوم شود که اگر قـدرت یابد گناه خود را تکرار می کند، واجب اسـت نهی شود.

۷ - اگر در میان دو یا چنـد نفر، فردی نامعلوم اصـرار بر ادامه گناه دارد بایـد با عنوانی که منطبق بر او باشد نهی از منکر شود، مثلاً گفته شود هر کسی اهل خوردن مشروب است ترک کند.

۸ - اگر از حال کسی علم یا اطمینان پیدا شود یا دلیل معتبری اقامه گردد که اراده انجام گناهی دارد که تا به حال مرتکب آن نشده است باید نهی از منکر شود.

شرط چهارم : نبود مفسده در امر و نهی

۱ - شـرط دیگر امر بـه معروف و نهی از منکر این است که در امر و نهی مفسـده ای نباشـد. پس اگر بدانـد یـا گمـان کنـد یا احتمال صـحیح بدهد که امر یا نهی او سبب ضرر جانی، آبرویی یا مالی درخور توجه به او یا وابستگان او یا مؤمنین می گردد واجب نیست بلکه در بسیاری از موارد حرام است.

۲ - اگر بداند یا گمان کند یا به موجب احتمال صـحیح بترسد که امر یا نهی او سبب مشقت و سختی او یا وابستگانش یا سایر مؤمنین می گردد واجب نخواهد بود.

۳ - اگر بر جـان و آبروی خـود یـا فردی از مـؤمنین بترسـد نهی از منکر حرام است و همین طور است اگر بر اموال قابـل توجه مؤمنین بترسد. امّا اگر بر اموال خود بترسد و بلکه بداند که ضـرر مالی به او می رسد اگر این ضرر سبب مشقت و سختی نشود نهی از منکر حرام نیست و در غیر این صورت حرام است.

۴ - اگر اقامه واجب و

از بین بردن منکر به بـذل مال فراوانی نیاز داشـته باشـد واجب نیست بذل نماید امّا اگر به مشـقت و سـختی نیفتد بذل آن، کار خوبی است. در غیر این صورت جایز نیست.

۵ - اگر معروف و منکر از اموری باشـد که اسـلام به آن اهمیت زیـادی می دهـد هماننـد اصول دین یـا مـذهب، حفـظ قرآن، احکام ضروری اسلام مثل نماز، حجاب، روزه یا جان گروهی از مسلمانان یا هتک ناموس آنها یا نابودی آثار اسلام و دلایل و نشانه های آن که سبب گمراهی مسـلمانان گردد یا نابودی بعضی از شعائر اسلام همانند بیت للّه الحرام به گونه ای که آثار و محل آن از بین برود، باید ملاحظه اهمیت شود و سـختی و صـرف ضـرر اگر چه جانی باشد سـبب بر طرف شدن تکلیف نمی گردد. پس اگر اقامه دلایل و حقایق اسـلامی که به وسیله آنها گمراهی برطرف می گردد متوقف بر بذل جان مؤمن یا مؤمنان باشد، باید بذل جان کنند تا چه رسد که در ضرر یا مشقت هائی قرار گیرند که اهمیت آنها به اندازه جان نمی باشد.

۶ - اگر بدعتی در اسـلام ایجاد شود و سـکوت علمای دین و رؤسای مذهب سـبب هتک اسـلام و ضـعف عقاید مسلمین شود بایـد به هر وسـیله ممکن نهی از منکر کننـد، چه نهی از منکر آنها مؤثر باشـد یا نباشد و همین طور است اگر "سـکوت آنها از نهی از منکر" این آثار منفی را در برداشته باشد در این موارد ملاحظه ضرر و مشقت نشود بلکه باید ملاحظه اهمیت شود.

۷ - اگر در سکوت علمای دین و رؤسای مذهب، ترس آن برود که منکر، معروف و معروف، منکر شود یا

ظالمان جرأت بر ارتکاب سایر محرمات و ایجاد بدعت پیدا کنند یا سبب سوءظن به آنها گردد باید علم خود را اظهار کنند و سکوت جایز نیست، اگر چه نهی از منکر آنها تأثیر نداشته باشد و در این موارد ملاحظه ضرر و سختی نمی شود بلکه اهمیت مورد ملاحظه قرار می گیرد.(۳۹)

فصل پنجم: مراتب و شیوه های امر و نهی

موضع گیری قلبی

موضع گیری قلبی، امر و نهی دینی به حساب نمی آید اما با توجه به این که نوعی برخورد با گناه و گنهکار است مورد بحث قرار می گیرد.

موضع گیری قلبی بخشی مهم از دینداری انسان را تشکیل می دهد و حب و بغض در راه خدا از مهم ترین مسائل اصولی اسلام می باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

بهترین اعمال حب و بغض در راه خداست.(۴۰)

محبت و دوستی خدا و آنچه از پیامبر و ائمه علیهم السلام، اولیا و دوستداران خدا و ارزش ها و احکام دینی که به خدای تعالی ارتباط دارد و بغض به دشمنان خدا، شیطان، دوستان و طرفداران او و ضد ارزش ها و گناهان و کجروی هایی که به شیطان و دشمنان اسلام مرتبط است یک فریضه الهی است. اگر مؤمن از محبت به ارزش ها و صاحبان آن و بغض و نفرت از ضد ارزش ها و صاحبان آن بهره مند نباشد، دلی بیمار دارد و این بیماری به قدری مهلک است که خطر نابودی موجودیت معنوی او را به همراه دارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

کسی که با قلب خود عمل نیکی را نپذیرد و عمل زشتی را رد نکند وارونه می شود و بالایش به پائین می گراید.(۴۱)

وارونه شدن قلب همان مرگ معنوی انسان است.

آن حضرت در جای دیگر فرمود:

کسی که عمل زشتی را به قلب و زبانش انکار نکند، مرده ای بین زنده هاست.(۴۲)

یکی از

گناهـان، رضـایت به انجـام گنـاه و ترک واجب است و یکی از واجبات دینی نفرت از گناه و ترک واجب است که هر مؤمنی باید در هر حال از چنین رضایتی به دور و از چنین نفرتی برخوردار باشد.(۴۳)

زنـان و مردان مؤمن نمی تواننـد به خواهران و برادران دینی خود محبت نورزنـد و از آنهـا دفاع نکننـد و از افراد و روحیه های غیر دینی و اعمال آنها متنفر نباشـند، که نبود چنین حب و بغض هایی با محرومیت از دین و دینـداری برابر است. ممکن اسـت مؤمن در بسـیاری از برخوردها با چهره های مـذهبی و غیر مـذهبی، با تقوا و بی تقوا یکسان رفتار کند اما هیچ گاه حالت قلبی او بـا آنهـا یکسـان نخواهـد بود. افراد متـدین که بهره منـد از روحیه تواضع و توجه به احکـام خـدا و ظـاهری دینی و چهره ای برخوردار از نشانه های اسلامی هستند از محبت قلبی مؤمنین بهره مندند و چهره های جلف و فاقد روحیه مذهبی و بی توجه به احکام و ارزش های الهی جایگاهی منفی در دل آنها دارنـد اگر چه از موقعیت اقتصادی، علمی، سیاسـی، اجتماعی یا موقعیت های دیگری برخوردار باشند.

امام باقرعلیه السلام فرموده است:

اگر بخواهی بدانی که خیری در تو هست به قلبت بنگر، اگر اهل طاعت خدا را دوست دارد و به اهل معصـیت بغض می ورزد در تو خیر وجود دارد و خدا تو را دوست دارد و اگر با اهل طاعت خدا دشمنی می ورزد و اهل معصیت را دوست دارد در تو خیری نیست و خدا با تو دشمن است و انسان با کسی است که او را دوست دارد.(۴۴)

محبت به مؤمنین همانند رشته ای آنها را در کنار یکدیگر قرار می دهد و

نارضائی و نفرت از هواپرستان جاهل و بیگانه از ارزش ها ایشان را از جرگه بیگانگان جدا می سازد و از هرگونه همسوئی در تفکر، اخلاق و اعمال آنها باز می دارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

ای کمیل، در هر حال حق بگو و افراد با تقوا را دوست بدار و از گنهکاران دوری گزین و از منافقین فاصله گیر و با خائنان همراهی نکن.(۴۵)

بیشتر گناهان در پی هماهنگی نفس سرکش و شیطان عصیانگر تحقق می یابد اما بعد از انجام آن شرکای فراوانی در آن سهیم می گردند و آنها کسانی هستند که با قلب خود ذیل عمل گنهکار را امضا می کنند. بی تفاوتی در برابر مخالفت با خداوند نوعی رضایت، هماهنگی و همسویی با گناه و گنهکار است که دوری از خدا را به همراه دارد.

مؤمنین کسانی هستند که در برابر بایدها و نبایدهای دینی واکنشی قلبی نشان می دهند و از تحقق ارزش ها خشنود و از انجام ضد ارزش ها ناراضی اند. واکنش قلبی از انجام گناهان، حداقل حرکت ارزشمندی است که در خانه قلب مؤمن صورت می پذیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده است:

زمانی خواهد آمد که دل مؤمن ذوب می شود همان گونه که سرب در آتش ذوب می شود و این نیست مگر به سبب بلاها و پیشامدهایی که در دین او بوجود می آید و قدرت تغییر آن را ندارد.(۴۶)

اگر چه مؤمن در برخی موقعیت ها قدرت تغییر اوضاع را در جهت حاکمیت دین خدا ندارد و نمی تواند عملی را در سامان بخشی فرهنگی در صحنه های زندگی اجتماعی پدید آورد اما واجب است به سرعت خشم خود را از مخالفت با احکام خدا اعلام نماید و خداوند این نارضایی و تغییر رنگ مؤمن را که ناشی از

غضب بر انجام گناه است دوست دارد. چه این که این تنفر قلبی نشانه عزت و بزرگواری و شخصیت دینی مؤمن است.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

در عزت مؤمن کافی است که چون عمل زشتی را ببیند، خدا از ناخشنودی قلب او آگاه گردد.(۴۷)

مرتبه اول: اظهار تنفر قلبی

احکام و شیوه های مرتبه اول ۱ – امربه معروف و نهی ازمنکر دارای مراتبی است و با احتمال حاصل شدن مقصود با مراتب پایین جایز نیست به مراتب بالا عمل شود.

۲ – مرتبه اول آن است که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای گناه اوست که این گونه با وی رفتار شده است، مثل این که از او روبرگرداند، یا با چهره عبوس ملاقات کند، یا ترک مراوده نماید و از او اعراض کند تا معصیت را ترک گوید.

۳ – اگر در این مرتبه درجاتی باشد باید با احتمال تأثیر درجه خفیف تر، به همان اکتفا کند، مثلاً اگر احتمال می دهد که با ترک تکلم با او، مقصود حاصل می شود به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر عمل نکند خصوصاً اگر طرف شخصی است که این گونه رفتار با او موجب هتک وی می شود.

۴ – اگر بداند یا احتمال دهد که دوری و ترک معاشرت با گنهکار موجب تخفیف معصیت می شود واجب است از او اعراض کند اگر چه بداند روگردانی او سبب ترک کلی گناه نمی شود، و این امر در صورتی است که با مراتب دیگر نتواند از معصیت جلوگیری کند.(۴۸)

همان گونه که در مسائل فقهی بیان گردید، امر و نهی دینی دارای مراتبی است و هر یک از این مراتب، خود از مراحل مختلفی برخوردار است که باید برای رعایت احترام

گنهکار از پائین ترین مرتبه و اولین مرحله آن اقدام شود.

آنچه در فتاوای فقهای اسلام بیان گردیده است نمونه های بارز اظهار تنفر است و منحصر به آنها نخواهد بود. رفتارهای مشابه دیگری وجود دارد که تنفر انسان را به منظور ترک گناه به گنهکار می فهماند و ما به برخی از موارد آن اشاره می کنیم.

سرد برخورد کردن، نگاه نکردن به طرف به هنگام ملاقات، خلاصه جواب دادن، برخلاف برنامه های معمول قبلی عمل کردن نظیر ترک همراهی با او در رفت و آمد به محل کار، بازار، مسجد و امثال آن، یا ترک مساعدت ها، حمایت ها، دفاع ها و محبت هایی که به او می شد و عبوس و گرفته برخورد کردن.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: کمترین نهی از منکر این است که با چهره ای عبوس با گنهکاران روبرو شوید.(۴۹)

اسحاق بن عمار که از شیعیان و راویان حدیث امام صادق علیه السلام است می گوید: وقتی اموالم فزونی یافت، دربانی را بر در منزل خود قرار دادم تا فقرای شیعه را که برای دریافت کمک مراجعه می کردند از من دور سازد. در همان سال به مکه رفتم و به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم و بر او سلام کردم: اما حضرت سلام مرا با چهره ای عبوس و در هم جواب داد. عرض کردم فدایت شوم چه کاری موقعیت مرا در نزد شما تغییر داده است؟

امام علیه السلام فرمود: تغییر رفتار تو نسبت به مؤمنین.

عرض کردم، فدایت شوم: به خدا قسم، می دانم که آنها بر دین خدا هستند اما از شهرت یافتن بر خود ترسیدم.

امام علیه السلام فرمود: ای اسحاق! آیا نمی دانی که وقتی مؤمنین با یکدیگر ملاقات و مصافحه می کنند، خداوند یکصد رحمت در بین دست های

آنها قرار می دهد که نود و نه تای آن برای کسی است که برادر دینی اش را بیشتر دوست دارد؟... ای اسحاق از خدا بترس به گونه ای که او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.(۵۰)

یکی دیگر از مصادیق مرتبه اوّل، نخندیدن در چهره گنهکار است.

امام رضاعلیه السلام فرموده است:

از تزویج به شرابخوار بپرهیز ... و از هم غذائی با او دوری نما و با او مصاحبت نکن و در چهره او نخند.(۵۱)

از مصادیق دیگر این مرتبه ترک سلام، روبرگرداندن، چشم بر هم گذاردن، دست بر پشت دست زدن، با نارضایتی ، سبحان اللّه گفتن، از روی ناراحتی سر تکان دادن، حالت تعجب به خود گرفتن، دندان بر لب پایین نهادن، ترک رفت و آمد، جواب منفی به دعوت او دادن و او را به ملاقات نپذیرفتن است.

مرتبه دوم: امر و نهی زبانی

احکام فقهی

۱ - اگر بداند هدف (انجام واجب یا ترک گناه) با شیوه های مرتبه اول حاصل نمی شود، واجب است در صورت تأثیر به شیوه های مرتبه دوم عمل نماید.

۲ - اگر احتمال دهد که هدف با موعظه و ارشاد و سخن نرم برآورده می شود واجب است به همین صورت عمل کند و به بیش از آن تعدی نکند.

۳ - اگر بداند که موعظه و ارشاد و سخن نرم تأثیر نمی کند امر و نهی زبانی کند و در صورت احتمالِ تأثیر از آسان ترین مرتبه آن شروع نماید و به بیش از آن تعدی نکند به ویژه اگر گنهکار از امر و نهی او مورد هتک قرار گیرد.

۴ - اگر برطرف شدن منکر و اقامه معروف، متوقف بر سخن تند و شدت بخشیدن در امر و تهدید و

وعده مخالفت با گنهکار باشد، جایز و بلکه با پرهیز از دروغ واجب است.

۵ - جایز نیست در انجام نهی از منکر، از حرام و منکر مثل فحش و دروغ و اهانت کمک گرفته شود. بله اگر منکر از جمله چیزهایی باشد که اسلام به آن اهمیت می دهد و به هیچ وجه به انجام آن راضی نباشد، نظیر قتل انسان محترم یا ارتکاب گناهان قبیح و بزرگ که وعده عذاب بر آن داده شده است، جایز و بلکه واجب است ممانعت شود اگر چه لازم شود از آنچه گفته شد، کمک گرفته شود.

۶ - اگر بعضی از مراتب امر و نهی زبانی اذیت و اهانت کمتری از بعضی از آنچه در مرتبه اول ذکر شد داشته باشد باید به آنها اکتفا شود. پس اگر موعظه و ارشاد با سخن نرم و چهره ای باز مؤثر باشد یا احتمال تأثیر آن برود و آزار کمتری از دوری و اعراض و امثال آن داشته باشد جایز نیست دوری و اعراض شود. انسان ها در بیان و شنیدن امر و نهی متفاوتند، چه بسا دوری و روگردانی از شخصی از امر و نهی او شدیدتر و سنگین تر و اهانت آمیزتر باشد و از همین رو امر و نهی کننده باید مراتب اشخاص و عمل به مرتبه آسان تر و راحت تر را مورد توجه قرار دهد.

۷ - اگر تأثیر امر و نهی به استفاده از مرتبه اوّل و دوم باشد، باید ضمن امر و نهی زبانی (و در صورت لزوم، غلظت در سخن و بلند کردن صدا و تهدید) از او دوری و اعراض نماید.(۵۲)

شیوه های امر و نهی زبانی

توضیح

امر و نهی زبانی دارای مراتب مختلف و

شیوه های گوناگونی است که آنها را مورد بررسی قرار می دهیم تا با توجه به تناسب اجتماعی، زمانی و مکانی گنهکار مورد استفاده قرار گیرند. زیرا همه گنهکاران با یک روش هدایت نمی شوند و تمام امر و نهی کنندگان نیز با یک شیوه موفق نخواهند بود.

۱ – امر و نهی ساده

امر و نهی ساده عبارت از امر به واجب و نهی از حرام است که در قالب جمله "این عمل را انجام ده" یا "این عمل را ترک نما" صورت می پذیرد. عموم مردم از این روش استفاده می کنند اما این شیوه همیشه کارساز نیست و باید از شیوه های دیگری که مطرح می شود استفاده کرد.

۲ – امر و نهی حکیمانه

سخن حکمت آمیز از ظرافت و تأثیری عمیق برخوردار است و با توجه به این که منطبق با فطرت آدمی و دربردارنده سعادت اوست، همواره از جاذبه دارترین سخنان در بین انسان ها بوده است. مزین نمودن امر و نهی دینی به چنین حربه مفیدی آن را با موفقیت زیادی همراه می سازد.

خدای تعالی می فرماید:

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با روشی که نیکوتر است با آنها مناظره کن.(۵۳)

در تفسیر کشاف آمده است: حکمت عبارت از سخن صحیح و محکمی که حق را آشکار و شبهه را زایل می کند.

گاهی یک جمله حکمت آمیز چنان تحولی در گنهکار ایجاد می کند که با ساعت ها بحث و مطالعه نمی توان به آن دست یافت.

روزی امام کاظم علیه السلام از در خانه «بُشر» در بغداد می گذشت که شنید صدای ساز و آواز و رقص از خانه او بلند است و کنیزی برای ریختن خاکروبه به در خانه آمده است.

امام علیه السلام به او فرمود: ای کنیز صاحب این خانه آزاد است یا بنده می باشد؟

کنیز گفت: آزاد است.

امام علیه السلام فرمود: راست گفتی آزاد است که این چنین گناه می کند، اگر بنده بود از مولای خود می ترسید.

وقتی کنیز برگشت، مولای او «بُشر» بر سر سفره شراب بود، از او پرسید: چرا دیر آمدی؟

کنیز ماجرای صحبت خود با امام علیه السلام را برای

او بیان کرد. بشر که سخن آن حضرت را از زبان کنیز شنید، پای برهنه بیرون دوید و به خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و ضمن عذرخواهی و اظهار شرمندگی و گریه از کارهای خود توبه کرد.(۵۴)

۳ – امر و نهی صریح و کنایی

امر و نهی صریح، خطاب آشکار به انجام معروف و ترک منکر است. این شیوه در برخی موارد مؤثر است اما همواره کارساز نیست و باید به امر و نهی کنایی (غیرمستقیم) مبادرت ورزید.

کنایه در امر و نهی دینی در مواردی که امر و نهی صریح بدون اثر یا دارای اثر منفی است مورد استفاده قرار می گیرد. مثلاً به رباخوار گفته شود: اگر اسلام ربا را حرام نکرده بود من هم به گرفتن آن مبادرت می کردم، اما پناه می برم به خدا که مرتکب آن گردم. یا به غیبت کننده گفته شود: اگر غیبت جایز بود، غیبت می کردم اما زبانم به حکم خدا بسته شده است. یا در نزد گنهکار و به هدف ارشاد او به دیگری امر یا نهی شود یا از گنهکار خواسته شود تا در رفع گناهی که خود او به آن گرفتار است برای دیگری دعا کند. مثلاً به گرانفروش گفته شود: دعا کن که خدا مرا از گرانفروشی نجات بدهد.

روزی نادرشاه افشار با سیدهاشم خارکن، روحانی مقیم نجف، ملاقات کرد. (او روزگار را با خارکنی می گذرانید.) نادر به سیدهاشم رو کرد و گفت: شما واقعاً همت کرده اید که از دنیا گذشته اید! سیدهاشم با همان سادگی و روحانیت گفت: به عکس شما همت کرده اید که از آخرت گذشته اید!(۵۵)

استفاده از جملات: لااله الا اللّه، لاحول و لاقوه الا باللّه، انااللّه و انا الیه راجعون، سبحان اللّه،

پناه به خدا و امثال آن به هنگام مشاهده گناه در برخی موارد مفید است.

۴ – امر و نهی توضیحی

برخی گنهکاران با یک امر یا نهی مختصر از معصیت دوری نمی کننـد اما اگر با توضـیحات لازم روبرو شونـد به حکم خـدا گردن می نهند. در چنین مواردی باید با وجود شـرایط به تحلیل گناه و آثار آن و ذکر موعظه و سـر گذشت گنهکاران و ترس از خدا و قیامت پرداخت. موعظه از آثار مثبت و به جا ماندنی برخوردار است و پذیرش امر و نهی را آسان و گوارا می سازد.

قرآن کریم می فرماید:

اُدْعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ و الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ(۵۶)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما

"عمرو بن عبیـد" که قبـل از به خلافـت رسـیدن منصور عباسـی بـا او دوست بود روزی در ایام خلافت بر او وارد شـد و مورد اکرام وی قرار گرفت و منصور از او تقاضـای موعظه کرد. از جمله مواعـظ عمرو که در حقیقت نهی از منکر بود، این بود که: «ملک و سـلطنتی که اکنون در دست تو است اگر برای کسـی پایـدار بود به تو نمی رسـید از آن شب بترس که آبسـتن روزی است که دیگر شبی بعد از آن روز برای تو نخواهد بود!(۵۷)

قضایـای تاریخی نشان می دهـد که پیامبر و ائمه علیهم السـلام غالباً امر و نهی دینی خود را به شـیوه موعظه و حکمت بیان می کردند به گونه ای که امر و نهی از کلام آنها استفاده می شد.

۵ – امر و نهی تشویقی

غـالب امر و نهی هـای دینی به دور از هر گـونه تشویـق صـورت می پـذیرد، امـا بـدون شـک تشویـق نقش موثری در گرایش گنهکـار دارد. تشویق افراد به انجام واجبات و ترک محرمات به ویژه اگر به صورت ظریف و کارشـناسانه صورت گیرد ، تأثیر چشمگیری در موفقیت امر و نهی دینی

دارد. برخی گنهکاران با تشویق معمولی به هدایت بار می یابند اما برخی از آنها به سبب موقعیت شخصیت یا روحیاتی که دارند با تشویق های ساده به صلاح نمی گرایند. تشویق این گونه افراد باید با انجام کارهای کارشناسانه و توجه به روحیات آنها صورت گیرد که به برخی از موارد آن اشاره می کنیم.

به کسی که اهل موسیقی حرام است اما به مسائل علمی و تحقیقی هم اهمیت می دهد پیشنهاد شود چنانچه یک مقاله خوب درباره موسیقی و آثار آن از دیدگاه اسلام بنویسی و نظریات مراجع را در آن مطرح کنی به شکل خوبی از تو قدردانی خواهم کرد.

روش مقاله نویسی را پیرامون بسیاری از گناهان و واجبات دینی و برای قشر گسترده ای از جامعه می توان مطرح کرد. اساتید و معلمین می توانند با توجه به معایب دانش آموزان و دانش جویان موضوعاتی را برای انشا یا تحقیق تعیین نمایند.

انجام مسابقه های فرهنگی نیز در امر و نهی دینی نتایج خوبی دارد.

پیشنهاد نوشتن یک مقاله درباره حجاب به بانویی که مراعات پوشش دینی را نمی کند از بهترین نوع امربه معروف مؤثر و آگاهانه خواهد بود.

یکی دیگر از موارد تشویق آن است که گنهکار را بر "امربه معروف" یا "نهی ازمنکر"ی تشویق نمائیم که خود مرتکب آن است. مثلاًـ در صورت وجود شرایط به خانمی بدحجاب پیشنهاد شود که چنانچه خانمی را که حجاب دینی خود را مراعات نمی کند، موفق به رعایت پوشش دینی نمایی از فلان امتیاز که مورد علاقه و نیاز اوست برخوردار خواهی شد.

با چنین پیشنهادی سه کار مثبت صورت می گیرد. دو نفر به اصلاح می گرایند و گناهکار خود به امر کننده به نیکی مبدل می شود که این خود نقش مؤثری در تثبیت

و دوام حجاب او خواهد داشت.

این شیوه در بسیاری از واجبات و محرمات و شماری از افراد جامعه امکان پذیر است.

اعطای امتیازات جزئی به برخی از گنهکاران می تواند به اصلاح آنها کمک کند البته این عمل باید با توجه و رعایت همه مسائل و مصالح صورت گیرد تا آثار نامطلوب به بار نیاورد. اَمْن اعلام نمودن منزل ابوسفیان (دشمن بزرگ اسلام) برای پناهندگی مردم مکه پس از فتح پیروزمندانه آن به دست پیامبرصلی الله علیه وآله و یارانش از جمله این تشویق هاست.

هم چنین یک معلم یا مدیر آگاه می تواند با اهرم امتیازاتی که در اختیار دارد افراد زیرنظر خود را به تقوای الهی سوق دهد. مثلاً به محصل خود اظهار کند، ریش تراشی حرام است، چنانچه ترک کنی نمره انضباطی خوبی به تو خواهم داد یا تو را در پرونده اداری تشویق خواهم کرد.

در هر صورت اصل تشویق با هر شیوه مؤثری که بتواند در ترک گناه دیگران مؤثر باشد، وسیله مفیدی است که نباید از آن غفلت کرد. چه این که خدای تعالی با تشویق بندگانش به نعمت های بهشتی آنها را به تقوا سوق می دهد و ائمه علیهم السلام نیز چنین می کردند.

علی بن حمزه گوید: دوستی داشتم که در دیوان بنی امیه شغل نویسندگی داشت. از من درخواست کرد که از امام صادق علیه السلام برای او اجازه ملاقات بگیرم و حضرت علیه السلام اجازه فرمود. وقتی بر امام علیه السلام وارد شد سلام کرد و نشست. سپس عرض کرد: فدایت شوم! من در دیوان بنی امیه بودم و از دنیای آنها مال فراوانی به دست آوردم و در تحصیل این اموال از مسائل دینی چشم پوشی نمودم.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بنی امیه

کسی را نمی یافتند که برای آنها بنویسد و مالیات جمع آوری کند و برای آنها بجنگد و در جماعت آنها حضور یابد، حق ما را غصب نمی کردند! اگر مردم آنها را ترک می گفتند و به اموال آنها توجهی نمی کردند بیش از آنچه در دست داشتند نمی یافتند.

جوان عرض کرد: فدایت شوم! آیا راه نجاتی هست؟

امام علیه السلام فرمود: اگر بگویم عمل می کنی؟

پاسخ داد: آری.

امام علیه السلام فرمود: تمام اموالی را که از دیوان آنها به دست آوردی رد کن. اگر کسی را می شناسی به او ردنما و اگر نمی شناسی از طرف او صدقه بده و من هم قول می دهم که بهشت را از خدا برای تو تضمین نمایم. جوان مدتی سر به زیر انداخت و ساکت ماند. سپس گفت: فدایت شوم، انجام می دهم! او با ما به کوفه برگشت و هر چه داشت حتی لباس خود را که پوشیده بود رد کرد و ما برای او لباس خریدیم.

چند ماهی نگذشت که بیمار شد و ما او را عیادت می کردیم. روزی بر او وارد شدم، چشم هایش را باز کرد و گفت: ای علی بن حمزه، امام صادق علیه السلام به قولش وفا کرد، و از دنیا رفت و ما او را به خاک سپردیم.

پس از آن بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. وقتی مرا دید فرمود: ای علی بن حمزه، والله برای دوست تو به قول خود وفا کردیم. عرض کردم: فدایت شوم، راست می گویی. والله به هنگام مرگش به من خبر داد.(۵۸)

۶ – امر و نهی آرام و تند

امر و نهی باید به صورت آرام، صمیمی و به دور از هرگونه تنش انجام گیرد و بخش عمده امر و نهی های دینی به همین گونه انجام می شود. اما در

برخی موارد به کارگیری این روش بی تأثیر است و ضرورت اقتضا دارد که از بیان تند و صدایی بلند استفاده شود و حتی اگر لازم و مؤثر باشد این عمل در حضور دیگران صورت پذیرد. البته تندی برخورد باید در چهارچوب معیارهای اخلاق اسلامی باشد.

مأمون برای جلب حضرت جوادعلیه السلام به امور دنیوی نیرنگ های خود را به کار گرفت اما موفق نشد، تا این که وقتی خواست دخترش ام الفضل را برای زفاف به منزل حضرت بفرستد، مجلسی تشکیل داد که امام علیه السلام هم به ناچار در آن حضور داشته باشد... و یک ترانه خوان و تارزنی را که مُخارق نام داشت و از ریش بسیار بلندی برخوردار بود طلبید و از او خواست تا کاری کند که امام جوادعلیه السلام به امور دنیوی سرگرم شود. مخارق گفت: اگر امام علیه السلام مشغول کاری از امور دنیا باشد من او را آن گونه که بخواهی به سوی دنیا می کشانم. سپس در برابر امام علیه السلام نشست و از خود صدای الاغ درآورد و بعد از آن ساز می زد و آواز می خواند و امام علیه السلام به او توجهی نداشت و به راست و چپ هم نگاه نمی کرد اما وقتی حضرت دید آن بی حیا ادامه می دهد سرش را به جانب او بلند کرد و فریاد زد: اتق اللّه... (از خدا بترس...)

مخارق از فریاد امام علیه السلام آن چنان وحشت زده شد که ساز و تار از دستش افتاد و تا آخر عمر دست او بهبود نیافت.

مأمون از حال او پرسید، جواب داد هنگامی که امام جواد علیه السلام بر سرم فریاد کشید آن چنان وحشت زده شدم که هیچ گاه این حالت از وجودم برطرف نمی شود.(۵۹)

۷ – امر و نهی مذمتی

اگر امر و نهی ساده، کنایی، تشویقی و امثال آن که در مرتبه پایین تری هستند مؤثر نباشند، باید امر و نهی مذمتی مورد استفاده قرار گیرد. مذمت گنهکار او را شرمنده می سازد و چون با نوعی خفت همراه است، سبب تنبیه و پرهیز او از گناه می گردد. این روش با مراتب متعدد آن در میان انبیا و ائمه علیهم السلام و صالحین پیوسته رایج بوده است.

ابوبصیر گوید: در کوفه برای زنی قرآن می خواندم. یک بار در موردی با او شوخی کردم! بعد از مدتی که به خدمت امام باقرعلیه السلام رسیدم، مرا مورد مذمت و سرزنش قرار داد و فرمود: کسی که در خلوت مرتکب گناه شود، خداوند به او نظر لطف نمی کند. چه سخنی به آن زن گفتی؟

از روی شرم و حیا سر در گریبان افکندم و توبه کردم.

امام باقرعلیه السلام فرمود: شوخی با زن نامحرم را تکرار نکن!(۶۰)

۸ – امر و نهی تهدیدی

در مواردی که امر و نهی زبانی در مراحل پائین تأثیری ندارد انتقال به مرحله تهدید یک واجب شرعی است. البته تهدید باید حساب شده و به دور از دروغ باشد. تهدید حربه مفید و مؤثری برای هدایت و اصلاح گنهکاران است که خداوند نیز برای سعادت آدمی و تحقق ارزش های دینی، آنها را به عذاب دنیا و آخرت تهدید کرده است.

نمونه تهدید در امر و نهی، قطع امتیازات است. مثلاً به فرد گفته شود: اگر به این عمل خود ادامه دهی ، موقعیت شغلی تو از بین خواهد رفت. یا اعتباری نخواهی داشت، یا آرامش تو به مخاطره می افتد، رابطه دوستان و خویشاوندان با تو قطع خواهد شد، مورد ضرب و شتم قرار می گیری یا امتیازات

و مساعدت های خود را قطع خواهم کرد. اما در هر حال تهدید باید متناسب، معقول و مؤثر باشد.

۹ – امر و نهی جمعی

اگر امر و نهی فردی تأثیر نداشته باشد باید با احتمال تأثیر، عده ای از مؤمنین به طور دسته جمعی به گنهکار امر و نهی نمایند. با توجه به این که امر و نهی دسته جمعی از پیام قوی تری برخوردار است و فشار بیشتری را بر گنهکار وارد می آورد و تأثیر افزون تری را به همراه دارد. مواجه شدن گنهکار با امر و نهی های دیگران به او می فهماند که عده زیادی از عمل او مطلع و ناخشنودند و این چیزی نیست که او بتواند آن را نادیده انگارد. البته امر و نهی گروهی باید با رعایت همه جوانب صورت گیرد تا آثار مطلوب آن ظاهر گردد. مثلاً می شود او را به جمعی دوستانه دعوت کرد و در ضمن گفت و شنودها به او امر و نهی دینی کرد. و یا به منزل او رفته و با رعایت مقدمات لازم و حفظ احترام و صمیمیت با او، به طور طبیعی به وظیفه عمل کرد و چنانچه لازم باشد مقصود از گردهمایی در منزل او یا هر مکان دیگر را بیان کنند و از وی بخواهند و در صورت لزوم خواهش کنند که دیگر بار به گناه باز نگردد.

۱۰ – امر و نهی ملی و جهانی

امر و نهی دینی گاهی فردی نیست و دارای پیام جمعی و مربوط به گروهی از افراد است که به عنوان مثال در یک سخنرانی یا سخنان رادیویی یا تلویزیونی صورت می گیرد، و چه بسا جمع مخاطب یک ملت باشند که نمونه آن نهی از اسراف است که از سوی ولی امر مسلمین به ملت ایران اعلام می گردد. امر و نهی برخی اشخاص به ویژه رهبران مسلمین می تواند جنبه بین الملل اسلامی

و جهانی داشته باشد؛ زیرا امربه معروف و نهی ازمنکر امر به خوبی ها و نهی از بدی هایی است که بسیاری از آنها مورد توجه همه انسان ها با همه ملیت ها و عقاید گوناگون است. این قسم از امر و نهی که مخاطبان جهانی دارد از جایگاهی بس بزرگ برخوردار است. چه این که امر و نهی انبیا، گستره ای به اندازه تاریخ بشر دارد و بالاتر از آن امر به معروف و نهی از منکر خداوند به همه انسان هاست. کتاب های آسمانی، کتاب امر به معروف و نهی از منکرند.

رهبران دنیا می توانند همانند امام خمینی قدس سره از بزرگ امر و نهی کنندگان باشند اما با کمال تأسف نه تنها امر به ارزش ها و نهی از ضد ارزش ها نمی کنند که امر به منکر و نهی از معروف طریقه آنها گشته است به گونه ای که بدترین منکرات را در مجالس قانون گذاری به تصویب می رسانند.

امید است بزرگ آمر به معروف و ناهی از منکر که نظیر امر و نهی زبانی و عملی او را تاریخ به خود ندیده است ظهور فرماید و همه معروف های ارزشمند الهی از جمله امر به معروف و نهی از منکر را که متروک و مهجور گردیده است بر روی زمین احیا فرماید و جهان را اصلاح نماید.

مرتبه سوم امر و نهی عملی

امر و نهی عملی

اگر مرتبه اول و دوم با همه مراحلی که دارند در انجام واجب و ترک گناه مؤثر نباشند باید مرتبه سوم امر و نهی دینی که جلوگیری عملی از گناه است صورت گیرد.

گناه افراد ریشه در جهل، غفلت، ضعف ایمان یا هوای نفس آنها دارد و امر و نهی زبانی توان آن را دارد که جهل را زدوده و غفلت را

برطرف سازد.

اما اگر ریشه معصیت، ضعف ایمان یا هوای نفس باشد، درصد تأثیر امرونهی زبانی ناچیز خواهد بود، به ویژه اگر جهل و هوای نفس و ضعف ایمان در هم آمیخته باشد. در مورد چنین کسانی به مرتبه سوم امر و نهی که اعمال قدرت است عمل خواهد شد. البته در عصر حاکمیت اسلام، مرتبه سوم امر به معروف و نهی ازمنکر به عهده دستگاه های حکومتی است و وظیفه مردم به مرتبه اول و دوم محدود می شود مگر این که دستگاه ها به وظیفه خود عمل نکنند که در آن صورت مثل هر زمان دیگر مؤمنین موظف اند با وجود شرایطی که ذکر خواهد شد به تکلیف دینی خود در مرحله سوم عمل نمایند.

در آن زمان که امام خمینی قدس سره برای تحصیل و تدریس به قم آمده و هنوز به مقام مرجعیت نرسیده بود، روزی فردی قلدر وارد مدرسه فیضیه می شود و شروع به عربده کشیدن و توهین به طلبه های اندک مدرسه می نماید در آن زمان افراد ضد روحانیت از سوی رضاخان حمایت می شدند. در این هنگام که طلبه ها خود را از گزند آن شخص عربده کش، کنار می کشیدند امام خمینی نزد او می رود و نهیبی بر سر او می کشد و یک سیلی محکم به صورت او می زند به طوری که برق از چشمان او می پرد، و با کمال خجالت سر به پائین انداخته و از مدرسه بیرون می رود.(۶۱)

با اجرای مرتبه سوم امر و نهی، دست گردنکشان گنهکار از گناه کوتاه خواهد شد و مؤمنین احساس آرامش و سربلندی می کنند و مجرمین به خجلت و شرمساری فرو می افتند.

یکی از بزرگان قم می گوید در ایام رضاشاه قلدر پس از دستور کشف حجاب

از سوی وی، مأمورین با شـدّت این دسـتور را اجرا می کردند. من در یکی از خیابان های تهران عبور می کردم و زنی با چادر به راه خود ادامه می داد. همین که چشم یکی از افسـران به آن زن افتاد با شـدّت به او سـیلی زد و چادر را از سـرش کشـید به طوری که من وحشت زده شدم. ناگهان دیدم یک کالسـکه در همان جا ایستاد و مرحوم آیه اللّه ابوالقاسم کاشانی از آن پیاده شد و از پشت سر یک سیلی محکم به آن افسر زد و او را به لرزش درآورد و سوار کالسکه شد و رفت. آن افسر همانند کسی که استخوانی در گلویش گیر کند، دیگر نتوانست کلمه ای حرف بزند.(۶۲)

احکام فقهی و نمونه های عینی

۱ - مرتبه سوم توسل به زور است. پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که فرد، منکر را ترک نمی کند یا واجب را به جا نمی آورد مگر با اِعمال زور، توسل بدان واجب است اما نباید از اندازه لازم تجاوز کند.

۲ - اگر جلوگیری از معصیت با ایجاد مانع بین شـخص و معصـیت ممکن باشـد بایـد به آن اکتفا کند، در صورتی که محذور این کار کمتر از کارهای دیگر باشد.

۳ - اگر جلوگیری از معصـیت توقف داشته باشد بر این که دست معصیت کار را بگیرد یا او را از محل معصیت بیرون نماید یا در وسیله ای که با آن معصیت می کند تصرف نماید، جایز و بلکه واجب است.

سمرهبن جندب یک درخت خرما در باغ یکی از انصار داشت. منزل مسکونی مرد انصاری که خانواده اش در آن زندگی می کردند در ابتدای باغ بود.

سمره بدون خبر وارد باغ می شد و به سراغ درخت

خرمای خود می رفت و در ضمن به اهل خانه مرد انصاری چشم اندازی می کرد. مرد انصاری از او درخواست کرد با اجازه وارد شود اما نپذیرفت. به ناچار به رسول اکرم صلی الله علیه وآله شکایت کرد. حضرت سمره را خواست و او را از شکایت مرد انصاری مطلع نمود و فرمود: هرگاه اراده ورود به باغ داشتی از او اجازه بگیر تا چشم تو به خانواده او نیفتد که ناراحت شود. اما سمره نپذیرفت.

حضرت فرمود: درخت را بفروش اما او حاضر نشد. پیامبرصلی الله علیه وآله قیمت را بالا می برد و او نمی پذیرفت تا این که حضرت حاضر شد با قیمت بسیار بالایی درخت را از او خریداری کند اما هم چنان حاضر به فروش نشد.

حضرت فرمود: می خواهی در برابر این درخت درختی در بهشت برای تو باشد؟ او نپذیرفت و حتی پیشنهاد سه درخت بهشتی را در برابر درخت خرمای خود قبول نکرد. وقتی کار به این جا رسید، پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: تو مردی زیان رسان هستی و رو به مرد انصاری کرد و فرمود: برو درخت را قطع کن و جلوی سمره بینداز.(۶۳)

۴ - جایز نیست اموال محترم گنهکار را تلف کند مگر آن که لازمه جلوگیری از معصیت باشد در این صورت اگر تلف کند ظاهراً ضامن نیست و در غیر این صورت ضامن و گنهکار است.

۵ - اگر جلوگیری از معصیت بر حبس گنهکار در محلی یا منع او به محلی متوقف باشد، واجب است با مراعات مقدار لازم اقدام نماید.

۶ - اگر جلوگیری از معصیت بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص گنهکار و در مضیقه قرار دادن او توقف داشته باشد،

جایز است لکن نباید زیاده روی شود، و بهتر است که در این امر و نظیر آن از مجتهد جامع الشرایط اجازه بگیرد.

۷ - اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات بر جرح و قتل توقف داشته باشد جایز نیست مگر به اذن مجتهد جامع الشرایط و با حصول شرایط آن.

۸ - اگر منکر از اموری است که شارع اقدس راضی نیست که به هیچ وجه انجام گیرد، دفع آن به هر شکل ممکن جایز است. مثلاً ـ اگر کسی خواست شخصی را بناحق بکشد باید از او جلوگیری کرد و اگر دفاع از جان مظلوم جز به قتل ظالم ممکن نباشد جایز و بلکه واجب است و لازم نیست از مجتهد اذن حاصل نماید. لکن باید مراعات شود که در صورت امکان جلوگیری به شکل دیگری که به قتل منجر نشود انجام گیرد و اگر از حدّ لازم تجاوز کند، گنهکار و احکام متعدی بر او جاری خواهد شد.(۶۴)،(۶۵)

امر و نهی حکومتی

فلسفه تشکیل حکومت اسلامی امربه معروف و نهی ازمنکر است. تحقق معروف ها و جلوگیری از منکرات به ویژه در عصر حاضر به گونه ای است که جز در پرتو حکومت اسلامی میسر نیست. اوضاع کنونی دنیا به گونه ای شکل گرفته است که تنها یک تشکیلات حکومتی می تواند در امر عملی به خوبی ها و نهی قدرتمندانه از بدی ها اقدام نماید و در سطح داخلی و جهانی حرکت های اصلاحگرانه داشته باشد. نهی ازمنکر ابرقدرت ها، رؤسای جمهور، سازمان های بین المللی و رژیم های فاسد دنیا به ویژه اسرائیل از زمان تشکیل حکومت اسلامی در ایران تحقق یافت و قبل از آن حتی در یک مورد از سوی ایران چنین حرکت های اصلاحی انجام نگرفته است.

حکومت اسلامی با توجه به امکانات

وسیعی که در اختیار دارد می تواند مردم سراسر کشور را امر و نهی زبانی و قلمی نماید که این کار توسط ولی امر مسلمین و دستگاه های تبلیغاتی و مطبوعاتی به ویژه رادیو تلویزیون صورت می پذیرد و وزارت ارشاد اسلامی، وزارت کشور و قوه قضائیه از عوامل و هسته های اصلی امر و نهی دینی حکومتی در جامعه اند. مصوبات مجلس در امر و نهی دینی از نقشی والا و ضرورت شرعی و عقلی برخوردار است. رادیو تلویزیون امر و نهی زبانی را به عهده دارد و وزارت کشور غالباً نهی از منکر عملی را توسط نیروهای انتظامی انجام می دهد و وزارت ارشاد به هر دو وظیفه امر و نهی زبانی و عملی موظف گردیده است و قوه قضائیه امر و نهی همراه با قدرت را اعمال می کند. موفقیت این دستگاه ها گسترش فضای سبز معنوی جامعه و ازاله زشتی ها و بدی ها را به همراه دارد و ترک وظیفه آنها سبب جرأت یافتن گنهکاران و رشد تصاعدی معصیت و اضمحلال نشانه های دین خدا را سبب می گردد.

امر و نهی حکومتی گستره ای وسیع دارد. یک نهی از منکر رادیویی که در کل کشور طنین انداز می شود می تواند جمع زیادی از گنهکاران را زیر پوشش خود قرار دهد. رادیو تلویزیون یکی از بانفوذترین دستگاه امر و نهی زبانی است که نباید حرکت او به امربه معروف خلاصه شود. با امر به معروف، نیمی از احکام اسلامی که بایدهای دینی است بیان می شود اما نیم دیگری از آنها که نبایدهای اسلامی است با نهی از منکر بیان می گردد. که اگر ترک شود امر به معروف هایی هم که صورت می گیرد از آثار لازم برخوردار نخواهد بود.

قرآن کریم

همواره امربه معروف را در کنار نهی ازمنکر بیان فرموده است و این بیانگر آن است که این دو مکمل یکدیگرند و هیچ کدام جای دیگری را نمی گیرد و به تنهایی کافی نیست.

امر و نهی حکومتی با همه ابعادی که دارد کافی نیست و باید امر و نهی های مردمی که خود از جهتی گستردگی بیشتری از ارشادها و هدایت های حکومتی دارند مکمل آن گردند. اگر هر یک از حکومت یا مردم در انجام فریضه امر و نهی دینی سهل انگاری کنند، نیمی از حرکت اصلاحگرانه به تعطیلی می گراید. و چون با یکدیگر همراه گردند چه مشکل های فرهنگی که حل نمی شود و چه معروف ها و کارهای نیکی که به بار نمی نشینند.

فصل ششم : ریشه های شکست در امر و نهی دینی

تحلیل ریشه های شکست

عوامل فراوانی در شکست امر و نهی دینی تأثیر دارند که به اختصار به آنها می پردازیم.

۱ – نسنجیدگی

یکی از ریشه های شکست نسنجیده عمل کردن است. امر و نهی دینی شرایطی دارد که ملاحظه آنها یک ضرورت است. یکی از شرایط آن، احتمال تأثیر است. عده ای به محض دیدن معصیت کمر همّت بر نهی از آن می بندند در حالی که با یک محاسبه کوتاه معلوم می گردد امر و نهی آنها تأثیری نخواهد داشت. اقدام به چنین امر و نهی دینی، بی نتیجه و موجب سرخوردگی امر و نهی کننده می گردد، و چه بسا چنین حرکت مقدسی به لوثی گراید. البته همان گونه که خوشبینی بیش از حد مضر است یأس از تأثیر هم ضرری جبران ناپذیر دارد. عده ای در طرف تفریط قرار گرفته اند و بدون کمترین محاسبه ای امر و نهی خود را بدون تأثیر می دانند. این روحیه تفریط گرایانه انسان را به ترک این فریضه الهی سوق می دهد و از هر گونه حرکت اصلاحی ناامید می سازد.

نبود مفسده و ضرر در امر و نهی دینی یکی دیگر از شرایط است که بی توجهی به آن سبب ابتلای انسان به ضررهای مالی، جسمی، آبرویی و چه بسا جانی گردد. آن گاه فرد، ناکامی خود را به امر و نهی دینی نسبت می دهد بدون آن که کمترین توجهی در نسنجیده عمل کردن خود داشته باشد. نتیجه این حرکت های بدون محاسبه، ناکامی و گرفتاری مؤمن و سرخوردگی از انجام صحیح این فریضه اصلاحگرایانه است.

۲ – رعایت نکردن مراتب امر و نهی

رعایت مراتب، اصل مهمی است که از جنبه های اخلاقی و روانی خاصی برخوردار است. بی توجهی به این اصل، امر و نهی را کمرنگ یا دشوار می سازد. به کارگیری مراتب و مراحل بالاتر در صورت کافی بودن مراتب پایین، امر و نهی دینی را با فشار بیشتر و در

نتیجه لجبازی یا عکس العمل منفی گنهکار روبرو می سازد و حداقل، آن را بدون تأثیر می کند. وقتی با یک اخم کردن، گناه ترک می شود ضرورتی بر به کارگیری مراتب بالاتر نیست و اگر کسی با موعظه یا درخواست و امثال آن انجام واجب یا ترک گناه را می پذیرد، ضرورتی بر خشونت در کلام و رفتار مشابه آن وجود ندارد. بی توجهی به مراتب امر و نهی بیشتر از سوی صاحب منصبان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هم چنین پدران و مادران و به ویژه پیرمردان و پیرزنان و افراد عصبی صورت می پذیرد. یکی از علل عمده شکست کهن سالان در امر و نهی جوانان، تندی و خشونت غیر لازم و بلکه بی مورد آنهاست.

بی توجهی کهن سالان به شخصیت جوانان امر و نهی آنان را بی تأثیر و چه بسا با تمسخر روبرو می گرداند. بزرگسالان آگاهند که امر و نهی دینی جولانگاه تاخت و تاز آنها به جوانان نیست. امر به معروف و نهی از منکر حتی در مرحله سوم، ماهیت بازدارندگی دارد نه آزاردهندگی. بنابراین برخوردهای کوبنده ای که بدون هدف سازندگی و بازدارندگی صورت می پذیرد از حقیقت امر و نهی دینی فاصله ای عمیق دارد.

البته آنچه بیان گردید به این معنا نیست که هیچ گاه از مراحل بالا استفاده نشود بلکه مراد استفاده غیرضروری و ناموجه از مراحل بالاتر است که گاهی سبب بدبینی و زدگی گنهکار از احکام اسلامی می شود. تجربه نشان داده است که یکی از عوامل مهم شکست امرونهی کنندگان توهین و تندی بی مورد بوده است.

۳ – اعمال سلیقه های ناموجه

آنچه باید در امر و نهی دینی مورد توجه قرار گیرد، بایدها و نبایدهای شرعی و عقلی است. اما اگر با اعمال سلیقه ها و حبّ و

بغض های شخصی درآمیزد، قداست امر و نهی دینی از بین می رود و موفقیت آن به دشواری می گراید. امر و نهی کننده باید به دنبال انجام واجب و ترک گناه باشد و به مسائل جزئی و جانبی حساسیت نورزد که چه بسا این حساسیت ها سبب ترک واجب یا انجام گناه گردد. البته واجب باید به طور کامل انجام گیرد و حرام نیز به طور کامل ترک گردد ولی مادامی که افراد در مناطق ممنوع شرعی وارد نشده اند، گناهی نکرده اند، و تا هنگامی که حداقل واجبات را انجام دهند به معصیت آلوده نشده اند. البته افراد نباید به دنبال حداقل های واجبات شرعی باشند که با کمترین کاهشِ در عمل به حرام مبتلا شوند یا آن چنان در مقام عمل به مرزهای حرام نزدیک گردند که با کمترین افزایش به حرام گرفتار آیند یا به اباحی گری گرایند.

انجام مباحات اشکال ندارد اما اباحی گری روحیه مثبتی نیست. یعنی انسان همواره به دنبال این باشد که مباحات را بیابد و به انجام آنها همت گمارد. بسیار تفاوت دارد که شخصی به دنبال آن باشد که عملی حرام نباشد تا آن را انجام دهد یا به دنبال دستورهای واجب و مستحبی اسلام باشد تا به آنها عمل کند. این دو روحیه، دو تفکر، و دو نوع خطمشی متفاوت است که در دو کلمه دین گرایی و اباحی گری خلاصه می شود. زیرا ارتکاب مباحات تدیّن نیست بلکه حرکت به دنبال بایدهای دینی تدیّن است.

روحیه اباحی گری و فرو رفتن کامل در حلال دنیا سبب گسترش غفلت از یاد خداست. ارتکاب مباحات تذکری را لازم ندارد اما روحیه اباحی گری نیازمند تذکر است.

۴ – بی توجهی به دستورهای دینی

بدون شک تأثیر سخن کسانی که نسبت به

حدود و احکام الهی بی توجه و از زینت عمل به آنها بی بهره اند اندک است. نهی از دروغ یک دروغگو موفقیتی در پی ندارد. نهی از غیبت یک غیبت کننده به بار نمی نشیند بلکه نهی از منکر کسی که گناهی غیر از گناه مورد نهی خود را مرتکب می شود، تأثیر کمتری دارد. ترک عمل به بایدهای دینی و ارتکاب محرمات به ویژه در انظار مردم یکی از عوامل ناکامی در امر و نهی دینی به حساب می آید. کسی که اهل عمل به احکام الهی است ضمن این که به راحتی امر و نهی می کند و کلام او از تأثیر درخور توجهی برخوردار است، عملی را که انجام می دهد خود دعوت کننده به نیکی هاست. با این همه، سستی مسامحه کاران نباید بهانه ترک امر و نهی آنها شود.

گویند: کودکی را برای نهی از خوردن خرما به نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آوردند اما حضرت که خود در آن روز خرما خورده بود نهی او را به روز دیگر موکول فرمود تا سخن او موثر قرار گیرد. اگر چه این قضیه شاهد مثال مشهوری شده است اما از جمله قضایایی است که نمی توان به رسول خداصلی الله علیه وآله نسبت داد، زیرا ضمن این که سند محکمی ندارد، هیچ یک از عقلا، اطبا و ادیان الهی نگفته اند طبیب یا هر فرد توصیه کننده به ترک برخی خوردنی های حلال، خود به ترک آنها همت گمارد تا تأثیر کلام او در بیمار افزایش یابد. ضمن این که چنین امری وضعیت خوراکی اطبا را بحرانی می کند.

۵ – مخالفت گنهکار

یکی از علل منفی در به بار نشستن نهال امربه معروف و نهی ازمنکر ضعف گنهکار و کویری بودن سرزمین

وجود اوست که بذر نیکی ها را در خود نمی پذیرد. این عدم پذیرش که ناشی از لجاجت، عناد و گره های کور قلبی در فکر و اعتقاد آنهاست امر و نهی دینی را با شکست روبرو می سازد اما این یک عامل از عوامل مختلفی است که در تضعیف امر و نهی دینی مؤثر است و با اصلاح سایر عوامل می توان به اصلاح های وسیع اجتماعی نایل گردید.

۶ – بی توجهی به زمان و مکان امر و نهی

شکست برخی از امر و نهی های غیرموفق ریشه در انتخاب مکان یا زمان آنها دارد. انتخاب زمان یا مکان نامناسب، لجاجت و پرخاشگری گنهکار را به همراه دارد. نهی از منکر فرد در بین دوستانش غرور و مخالفت او را ظاهر می کند و چه بسا تذکر دهنده را استهزا کند اما همین تذکر که در خلوت صورت می پذیرد، عکس العمل منفی او را به همراه ندارد ضمن این که تأثیرات مطلوبی را به همراه دارد. همه افراد به حفظ شخصیت و اعتبار خود اهمیت می دهند و اگر کمترین نقصی در بین مردم به آن وارد شود، حالت دفاع و تهاجم به خود می گیرند. آن گاه اولین چیزی که قربانی می شود، هدف اصلاحگرانه نهی کننده از منکر است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که در پنهانی برادرش را موعظه کند او را احترام کرده است و کسی که وی را در نزد دیگران موعظه کند به او بدی روا داشته است.(۶۶)

البته این بدان معنا نیست که هیچ گاه کسی در بین مردم مورد تذکر قرار نگیرد؛ زیرا گاهی تأثیر امر و نهی به انجام آن در بین مردم منحصر می شود به ویژه مردمی که از عیب گنهکار آگاه و با تذکر به او موافق اند. (البته این در صورتی است

که فسق گنهکار آشکار باشد.)

۷ – ترک همکاری حکومت و امر و نهی کنندگان

بـدون شـک وحـدت بین مردم و حکومت، بازده هر حرکتی را در سـطح بالایی افزایش می دهـد، و اختلاف بین این دو قطب اساسی کشور هر طرح و حرکتی را به اختلال می کشاند، و امر و نهی دینی را دچار رکود می کند.

اصلاح اجتماعی حرکت خاصی است که در برخی اوقات به نزاع و مراجعه به دستگاه های حکومتی می انجامد. اگر در نیروی انتظامی و سپس دستگاه قضایی از امر و نهی کنندگان حمایت نشود و بلکه از گنهکاران حمایت شود، روحیه انجام امر و نهی ضعیف می گردد و تمایـل مؤمنین به انجـام آن کـاهش می یابـد، و چه بسا به دلیل متضـرر شـدن از ناحیه برخی دسـتگاه های حکومتی ترک آن را شـرعی تلقی کننـد و مسـئولیت گسترش ناهنجاری های اخلاقی را به عهـده آنها گذارده و عملاً خود را منزوی سازنـد. ناسازگاری هر یک از دسـتگاه ها یا افراد بلند مرتبه حکومتی به تنهائی می تواند نقشـی منفی در تحقق فریضـه امر و نهی دینی داشته باشد. بنابراین حکومت اسلامی موظف است به طور جدی و قانونی از آمرین به معروف حمایت کند تا در پرتو آن پهن دشت جامعه اسلامی به گلستان ارزش ها تبدیل شود.

۸ – بی توجهی به شیوه های اجرائی موفق

امرونهی دینی مثـل هر عمـل دیگر بایـد بـا شـیوه های موفق و روش های کارشـناسانه صورت گیرد. کسـی که به موارد تأثیر و رموز موفقیت و شـیوه های مجرب و کاربردی و سایر معارف و احکام این حرکت مقدس آشـنایی نداشـته باشد همانند کسـی است که از نمـاز جز واجب بودن، به سوی قبله بودن و بـا وضو بودن چیزی ندانـد. در حالی که اگر به قرائت صـحیح یکایک ذکرها در اعمال مختلف قیام، قعود، رکوع، سجود، زمان هر

نماز، مکان و شرایط آن، اموری که سبب بطلان وضو یا نماز است، توجه به برخی از احکام نظیر شکیات نماز و بسیاری از مسائل مستحب، واجب، حرام و مکروه را که ذکر آنها به طول می انجامد، آگاه نباشد در انجام وظیفه موفق نخواهد بود.

امر به معروف و نهی از منکر یک مأموریت ویژه الهی است که انجام موفقیت آمیز آن جز در پرتو آگاهی به جوانب مختلف این عمل حاصل نمی شود و نوشته موجود در راستای چنین هدفی به رشته تحریر درآمده است.

فصل هفتم : شیوه های رفتاری در امر و نهی دینی

شیوه های رفتاری در امرونهی دینی

همه کسانی که به عنوان خطاکار مورد امرونهی دینی قرار می گیرند دارای روحیه و ویژگی های یگانه و همسو نیستند. بنابراین باید برخورد با آنها متناسب با ویژگی های آنان صورت پذیرد که در این فصل به تحلیل های اخلاقی، روانی و اجتماعی آنها می پردازیم. البته شیوه امر و نهی گروه هائی که ذکر می شود به آنچه بیان می گردد منحصر نمی شود و شیوه های دیگری که در مباحث مختلف این کتاب آمده است می تواند مفید باشد.

شیوه امر و نهی به نوجوانان

برخورد موفق با نوجوانان گنهکاری که به تکلیف رسیده اند شیوه خاص خود را می طلبد. آنها براساس اعتماد، اظهار محبت، تشویق، جایزه و امثال آن ارشاد می شوند. امر و نهی به آنها باید به طور روشن و توأم با احترام صورت گیرد. مثلاً به آنها گفته شود: تو پسر یا دختر خوبی هستی اما می توانی بهتر از این هم باشی و آن در صورتی است که به دیگران دروغ نگویی، آزار نرسانی یا در منزل مردم نگاه نکنی، یا نماز خود را به طور مرتب بخوانی، یا در جلسه آموزش قرآن شرکت نمایی.

رجاء بن حیات گوید: روزی من و پدرم نزد معاذبن جبل بودیم. معاذ از پدرم پرسید: این فرزند کیست؟ پدرم جواب داد: این فرزندم (رجاء) است.

معاذ گفت: آیا قرآن را به او آموخته ای؟ جواب داد: خیر

معاذ گفت: قرآن را به او بیاموز. من از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: مردی نیست که به فرزندش قرآن را آموزش دهد مگر این که در روز قیامت تاج سلطنت بر سر پدر و مادر او گذارده می شود و با دو حلّه پوشانده می شوند که مردم نظیر این حله ها را ندیده اند. سپس معاذ

با دست خود بر شانه من زد و گفت: پسرم، اگر دوست داری که در روز قیامت دو حلّه به پدر و مادر خود بپوشانی قرآن را بیاموز.(۶۷)

خطاب صمیمی به نوجوانان در جلب عواطف آنها موثر است.

استفاده از حس رقابت در رشد و صلاح نوجوانان نکته مهمی است. مثلاً به او گفته شود: انتظار من از شما این است که این عمل را ترک کنی همان گونه که آن نوجوان این عمل را انجام نمی دهد. یا به او گفته شود: خداوند بچه های خوب را دوست دارد و خوبی انسان به عمل اوست که کار خوب کند و کار بد را ترک نماید. من دعا می کنم که از این پس شما این عمل را انجام ندهی یا این دستور خدا را انجام دهی.

بیشتر گناهان نوجوانان باتوجه به شرایط سنی آنها از جهل به حکم خدا صورت می گیرد از این رو توضیح واجب و حرام در یک جو دوستانه و مطابق با فهم نوجوانان اثر خوبی دارد.

شیوه امر و نهی به جوانان

هنگامی که انسان دوران کودکی و نوجوانی را سپری کرد و به دوران جوانی یعنی بلوغ فکری و جسمی و شکوفایی استعدادها و انتخاب های خود نایل گردید، با توجه به توانایی های جسمانی و موقعیت های طلایی که در انتخاب ها و تصمیم گیری ها در عرصه های مختلف زندگی دارد، برای خود ارزش و شخصیت خاصی قائل است. دوست دارد دیگران به او نگرش مثبت و محترمانه ای داشته باشند، و در عمل، شخصیت او را مورد توجه قرار دهند. و در مقابل به کسانی که به این خواسته او توجه کرده، احترام او را به ویژه در نزد دیگران حفظ می کنند، صمیمیت و علاقه بیشتری ابراز می دارد.

البته این روحیه در مقاطع بعدی عمر هم ادامه دارد اما دوران شروع آن از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است.

استفاده از این ویژگیِ جوان موفقیت امر و نهی دینی به او را افزایش می دهد. چه این که جوانان به پذیرش حق نزدیک تر و سریع ترند. مثلاً به او گفته شود: یک جوان با شخصیت، دیگران را تمسخر نمی کند، یا حیف نیست که روح پاک یک جوان به گناه آلوده شود! یا جوانمردی و شجاعت به این نیست که کسی را بدون دلیل شرعی و عقلی مورد ضرب و شتم قرار دهی بلکه شجاعت و مردانگی به این است که برای دفاع از حق ستیزه کنی، یا روح پاک جوان عزیزتر از آن است که با تقلید از کفار غرب در لباس و وضعیت سر و صورت، خود را به ذلت بکشاند، یا جشن عروسی و نقطه شروع زندگی شرافتمندانه خود را به معصیت آلوده نکن. شب ازدواج، شب آزمایش تقوای عروس و داماد در پیشگاه خداوند است. تا معلوم گردد در اوج زمان شادی چه اندازه به احکام الهی پایبنداند.

ارشاد جوانان در نظر اسلام از اولویت خاصی برخوردار است و علت آن پذیرش سریع و قدرت عمل و طول عمری است که از آن برخوردارند و در پرتو آن می توانند برکات و خدمات فراوانی را به اسلام و مسلمین ارائه دهند.

در بحث قبل شیوه های مختلفی را برای برخورد مثبت با نوجوانان بیان کردیم که آن شیوه ها را می توان در برخی از موارد برای جوان ها نیز مورد استفاده قرار داد.

شیوه امر و نهی به بزرگسالان

امر و نهی بزرگسالان از سوی کسانی که از سن کمتری برخوردارند نیازمند اجرای برخی از شیوه هاست

که به تحلیل آنها می پردازیم.

با توجه به این که بزرگسالان از سابقه ایمانی بیشتری برخوردار بوده احترام آنها مورد توجه اسلام است. و از طرفی خود را با تجربه تر از دیگران دانسته و چه بسا آگاه تر از آنها به حساب آورند، و برخی از آنها به نوعی غرور پیری مبتلا می گردند که امر و نهی دینی را با مشکل روبرو می سازند. به همین علت باید به گونه ای مورد امر و نهی قرار گیرند که به اظهار غرور آنها منتهی نشود.

زنان و مردان کهنسال که عمر خود را صرف خدمت به جامعه و نسل حاضر کرده اند، خود را دارای حق بر دیگران دانسته، احترام خویش را بر آنها لازم می دانند. حال با توجه به روان شناسی بزرگسال باید به امر و نهی ظریف آنها پرداخت.

یکی از شیوه های مؤثر در امر و نهی کهنسالان این است که آنها را درباره عمل خود به قضاوت گیریم. مثلاً از آنها بخواهیم تا درباره قرائت نماز ما اظهار نظر کنند و آنها را درباره قرائت برخی کلمات که تلفظ صحیح آن را اداء نمی کنند بیشتر جویا شویم، یا با طرح سؤال از آنها بخواهیم درباره برخورد نادرستی که خود به آن مبتلا شده اند، اظهارنظر کنند و در این میان به آرامی آنها را مورد اصلاح قرار دهیم.

امام حسن و امام حسین علیهما السلام که زمان طفولیت را طی می کردند به پیرمردی گذشتند که وضوی صحیحی نمی گرفت، برای هدایت پیرمرد بر وضوی خود نزاع کردند و قضاوت را به عهده او نهادند و هر دو نزد او وضو گرفتند. پیرمرد گفت هر دوی شما وضوی خوبی گرفتید و این پیرمرد جاهل است که

وضوی خوبی نگرفت.(۶۸)

شیوه دیگر، طرح سؤال است. طرح سؤال از کسی که عمری را سپری کرده است از تناسب خوبی برخوردار است. مثلاًـ اگر خمس مال خود را نمی دهد درباره وجوب خمس سؤال شود، یا درباره حکم شرعی ریش تراشی که به آن گرفتار است سؤال گردد. یا از موارد جواز یا ممنوعیت غیبت دیگران که به آن مبتلاـ شده است پرسیده شود، و یا اگر اهل یاوه گویی و فحش است از او سؤال شود: کسی که به دیگری دشنام داده است چه کند که خدا او را ببخشاید و عمل خود را تکرار نکند؟ البته ممکن است اظهار نظرهای غیرصحیحی نیز ابراز کنند که همین برداشت غلط سبب گناه آنها بوده است که باید نظر آنها در طی مباحثه محترمانه اصلاح شود. در مباحث آینده به برخی شیوه های دیگر اشاره خواهد شد.

شیوه های امر و نهی به رؤسا

رؤسای دستگاه های دولتی و غیردولتی از قدرت و نفوذ در انجام کارها، تغییر و تحول ها، عزل و نصب ها، تضعیف و تقویت های افراد برخوردارند و این قدرت آنها ای بسا سبب روحیه ای شود که مانع پذیرش امر و نهی دینی از زیردستان گردد. البته رؤسایی که از غرور قدرت به دور هستند و سرزمین جانشان سرسبز از بذر نصیحت هر کسی است که حکم خدا را به آنان ابلاغ کند، پیام خداوند را می پذیرند و به احترام این پیام، پیام رسان را نیز مورد توجه و عنایت قرار می دهند.

امر و نهی مسئولین باید با ویژگی هایی همراه گردد که میزان تأثیر آن را افزایش دهد و به نتیجه مطلوب منتهی گردد. موارد قابل توجهی از آنها را در مباحث گذشته بیان کردیم و به موارد

دیگری نیز اشاره می کنیم.

تذکر کلی و غیرمستقیم به رؤسا می تواند کاربرد فراوانی داشته باشد، و اگر امر و نهی حضوری مسئول با دشواری همراه است می توان در یک موقعیت مناسب با تلفن به او تذکر داد. طرح سؤال و نظرخواهی از آنها که در بحث قبل مطرح گردید نیز می تواند مفید باشد. مثلاً ـ از مسئولی که در ساعات کار اداری بر سر کار خود حضور نمی یابد سؤال شود: باتوجه به این که، حقوق کامل دریافت می کنم اما در اول وقت اداری در محل کار حضور ندارم و می دانیم که بخشی از این حقوق مربوط به ساعات کار اداری است که ما حضور نداشته ایم، گرفتن چنین ماهیانه ای چه صورت دارد؟

اگر استفاده از شیوه های مذکور با دشواری روبرو بود نامه و در صورت ضرورت نامه بدون نام و امضا مورد استفاده قرار گیرد. که خط آن هم شناسایی نشود. البته نامه که تأثیر زیادی هم دارد باید محترمانه و به دور از تهمت، دروغ و هر گونه معصیت دیگری باشد.

در پایان ذکر این نکته مفید است که امر و نهی مسئولین از جمله امر و نهی های بسیار مهمی است که از جایگاهی بلند و ثوابی عظیم برخوردار است به ویژه اگر گناه رئیس، ظلم در حق دیگران باشد.

شیوه امر و نهی به دانشمندان

دانشمندان جامعه علاوه بر آن که ممکن است از غرور قدرت، پیری یا جوانی برخوردار باشند، ای بسا به غرور علمی و تخصصی هم گرفتار شوند. این غرور موجب حجاب ظلمانی در درون آنها می گردد و تأثیر امر و نهی دینی به آنها را کاهش می دهد. البته دانشمندان با ایمان در برابر امر و نهی دینی که پیام خداوند است خاضع و تسلیم اند.

حال

چگونه دانشمندانی که از علوم و تخصص های دنیوی و طبیعی یا علوم و معارف الهی و آخرتی برخوردارند، مورد امر و نهی دینی قرار گیرند؟

ضمن استفاده از برخی شیوه های گذشته می توان بر ویژگی علمی آنها تکیه کرد که شما اهل دانش و منطق هستید و این ویژگی علمی، شما را در میان مردم برجسته کرده است. اگر چه کار خوب از همه کس پسندیده است از شما پسندیده تر است و کار بد از هر کسی که باشد ناپسند است اما از مثل شما ناپسندتر است. انتظار مردم از امثال شما بیشتر است. سزاوار نیست کسی مثل شما با گفتن دورغ (یا نگاه به نامحرم یا هر گناه دیگری که مورد نظر است) موقعیت خود را خدشه دار کند و بالاتر این که خدا را از خود ناخشنود سازد.

درخواست مقاله و یا اظهارنظر او درباره مقاله ای که پیرامون عیب او نگاشته شده است مفید است. اما اگر دانشمندی است که از علوم دینی برخوردار است و مثلاً عیب او بداخلاقی و تندی با دیگران است از او درخواست شود درباره بد خلقی و تندی با دیگران سخنرانی و نصیحت کند و ضررهای آن را بیان نماید. یا اگر در برنامه های اجتماعی نظم را رعایت نمی کند، تعدادی از مؤمنین بخواهند که درباره نظم در کارها صحبت کند. یا چنانچه علاقه مند به دنیا است از او بخواهند درباره ضررهای علاقه به دنیا و ارزش زهد مطالبی ایراد کند، یا مقاله ای بنویسد تا مورد استفاده دیگران قرارگیرد. و یا اگر خلف وعده می کند به او گفته شود سزاوار نیست که انسان های بزرگوار خلف وعده کنند یا خدمات علمی لازم را در

برابر اوقاتی که از مردم می گیرند ارائه ندهند.

در پایان، نوشتن نامه از راحت ترین شیوه های امر و نهی دینی به دانشمندان علوم طبیعی و الهی است. و پسندیده است که این حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام در صدر نامه نوشته شود که فرمود:

نعم الهدیه الموعظه

بهترین هدیه موعظه است.(۶۹)

البته نوشتن نامه برای اشخاص عصبی که امر و نهی زبانی آنها میسّر نیست، می تواند وسیله مفیدی باشد. ضبط امر و نهی زبانی بر روی نوار هم برای آنها راه گشا است اما باید مطالبِ مکتوب و یا ضبط شده با آرامش، نیت اصلاح و رعایت اخلاق اسلامی همراه باشد. شیوه امر و نهی نامه ای و نواری می تواند در بسیاری از زمینه ها مفید باشد.

شیوه امر و نهی به اعضای خانواده

امربه معروف و نهی ازمنکر اعضای خانواده یکی از مسائل مهم فرهنگی خانواده های مسلمان است. از آن جائی که خوبی ها و بدی های هر یک از اعضای خانواده در اعتبار و سرنوشت سایر آنها بی تأثیر نیست باید احساس مسئولیت بیشتری در امربه معروف و نهی ازمنکر یکدیگر داشته باشند و در بین اعضا سرپرست آنها از مسئولیت بیشتری برخوردار است.

قرآن کریم می فرماید:

یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا اَنْفُسَکُمْ وَ اَهْلیکُمْ ناراً وَ قُودُها النّاسُ وَ الْحِجارَهُ(۷۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و اهل خود را از آتشی که آتش گیره آن مردم و سنگ خار است حفظ کنید.

درباره این آیه شریفه قرآن از پیامبرصلی الله علیه وآله و امام صادق علیه السلام سؤال شد که چگونه خانواده خود را حفظ کنیم؟ در جواب فرمودند آنها را امر به معروف و نهی ازمنکر کنید.(۷۱)

بنابراین آیه فوق در زمره آیات امربه معروف و نهی ازمنکر است که در خصوص خانواده نازل شده است. امربه معروف فرزندان از زمان طفولیت، مسؤولیت سرپرست خانواده

را در زمان تکلیف آنها کاهش می دهد و از بسیاری از نهی از منکرهای زمان جوانی بی نیاز می سازد.

یکی از روش های امر و نهی دینی در خانواده این است که سرپرست خانواده واجبات دینی را بزرگ و با اهمیت تلقی کند و زشتی گناهان را نیز بزرگ شمارد و این را در سخنان و اعمال خود گوشزد کرده، و به اجرا درآورد، که موفقیت این کار تجربه شده است. برای مثال تمام مسلمانان با دیده احترام به قرآن می نگرند، آن را کتابی مقدس و آسمانی می دانند که برای هدایت انسان بر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شده است و این حقیقت را به فرزندان خود می آموزند و از همین رو خانواده مسلمانی یافت نمی شود مگر این که بزرگداشت و احترام فوق العاده به قرآن را جزء برنامه های حتمی زندگی خود قرار داده است. این حاکمیت فرهنگ احترام به قرآن در بین فرزندان خانواده های مسلمان ناشی از تکریم خاصی است که والدین آنها نسبت به قرآن داشته اند. وقتی فرزندان مسلمان بزرگ می شوند و به عظمت قرآن آگاه می گردند احترام به قرآن را به طور ریشه ای و عمیق درمی یابند و این تکریم را به فرزندان خود آموزش می دهند. این تنها نمونه استثنائی نیست بلکه هر چه در فرهنگ حاکم بر خانواده، بزرگ شمرده شود فرزندان، آن را بزرگ می شمارند. نمونه دیگر آن احترام به پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام است.

هر یک از دستورهای الهی در خور آن است که در فرهنگ خانوادگی مسلمانان، بزرگ شمرده شود. خانواده هایی که نماز را بزرگ می شمارند و فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز وامی دارند گرفتار مصیبت جانکاه بی نمازی

فرزندان خود در زمان تکلیف نیستند. و آنان که به حجاب اهمیت می دهند و چند سال قبل از تکلیف، دختر بچه های خود را به تمرین برخورداری از حیا و حجاب امر می کنند از معصیت بی حجابی و بدحجابی دختران خود در زمان تکلیف درامانند.

این روش نسبت به منکرات و افراد منفور نیز مطرح است. همه خانواده های مسلمان جرثومه های فسادی چون شیطان، فرعون و دشمنان پیامبر و اهل بیت او را نزد خود منفور می دانند و این فرهنگ را به فرزندان خود منتقل می کنند. والدین می توانند با طرح مداوم زشتی گناهان، فرزندان خانواده را صیانت کنند. این شیوه که در دراز مدت صورت می گیرد، ضامن سلامت اعتقادی و اخلاقی فرزندان خانواده هاست و مشکل بسیاری از والدین فاصله گرفتن از این شیوه فرهنگی سازنده است.

حال اگر فرزندان خانواده ای که به سن تکلیف باریافته اند از انجام واجبات و ترک محرمات سرباز زنند با شیوه های مناسب، مورد امر و نهی قرار گیرند. و اگر مرتبه اول و دوم با شیوه های گسترده ای که دارند مؤثر قرار نگرفتند به مرتبه سوم که حبس و محو وسائل گناه و کتک در حد ضرورت است، اقدام نمایند، و بیش از این تکلیفی نیست. البته این برخوردها در صورت تأثیر انجام گیرد.

یکی از روش های اصلاح فرزندان طرح دوستی آنها با جوانان با تقواست. حتی اگر والدین هزینه ای صرف نمایند تا فرزند خود را با افراد صالح، دوست گردانند کار پسندیده ای کرده اند بلکه اگر این دوستی سبب انجام واجب و ترک حرام گردد، تحقق آن واجب است.

رفت و آمد با خانواده های با تقوا یکی از شیوه های اصلاح و ارشاد فرزندان است.

قطع برخی از امکانات رفاهی، عاطفی و

مالی موقت که عوارض منفی جانبی به همراه نداشته باشد می تواند مؤثر باشد. البته قطع روابط با دوستان بد و خانواده های غیرصالح بر هر چیزی مقدم است.

این امور را می توان در ارتباط با زنی که مرتکب حرام یا ترک واجب می گردد به کار گرفت.

حال اگر مرد خانواده مرتکب معصیت ترک واجب گردد باید سایر اعضای خانواده در حد امکان او را مورد امر و نهی دینی قرار دهند و چنانچه مؤثر قرار نگیرد تکلیف بیشتری ندارند مگر این که گناه او به گونه ای باشد که بر حسب قوانین اسلامی، معرفی او به دستگاه های حکومتی واجب باشد.

شیوه امر و نهی به دوستان و اقوام

امر و نهی دوستان صمیمی کار آسانی است اگر فردی به انسان علاقه زیادی دارد می توان با این جمله که دوست دارم این واجب را انجام دهی یا این گناه را ترک نمایی او را امر و نهی کرد. یا در یکی از اوقات گفت و شنود با وی از او بخواهی یکی از آرزوهای خود را بیان کند، آن گاه اظهار نمایی یکی از آرزوهای من که هر روز انتظار تحقق آن را می کشم این است که تو نماز بخوانی یا همراه من به مسجد بیایی یا هر عیب دیگر را که مورد نظر است به او تذکر دهی.

یا به او گفته شود: دوست دارم تو از جمله اقوام یا دوستانی باشی که به دوستی با او افتخار کنم و تو می توانی مورد افتخار من باشی و این کار جز در پرتو تقوا و پرهیزکاری میسر نیست. یا به او گفته شود: اگر می خواهی دوستی ما دوام و استحکام یابد، باید از آن گناه یا فرد مورد نظر پرهیز کنی.

هم چنین

اگر از دوستان یا اقوامی است که به رفت و آمد با شما اهمیت فراوانی می دهد در رفت و آمد با او سهل انگاری کنید و به او بفهمانید که این به سبب گناهی است که مرتکب می شود. یا از خوردنی های او اجتناب کنید و به او بفهمانید که به علت وجود اموال حرام اوست که از روی ظلم و بی موالاتی شرعی به دست آورده یا خمس آن را نپرداخته است.

شیوه امر و نهی به بانوان

امربه معروف و نهی از منکر گنهکاران برهر انسان مکلفی با وجود شرایط آن واجب است و تفاوتی وجود ندارد که گنهکار و امر و نهی کننده از زنان یا مردان باشند. امر و نهی مرد و زن و به عکس، ویژگی های خاص خود را دارد اما هیچ گاه سبب ترک امر و نهی به یکدیگر نمی گردد. آنچه معیار است وجود شرایط و رعایت موازین اسلامی است.

در یکی از استفتائات از امام خمینی قدس سره آمده است: آیا دختری با شرط رعایت کردن موازین اسلامی می تواند پسری را راهنمایی و کمک کند؟ در جواب فرموده است: با مراعات موازین اسلامی مانعی ندارد.(۷۲)

در این جا تنها منکرات اخلاقی مربوط به شهوات و هوسرانی های زنان نظیر بی حجابی و خودنمائی، اظهار زینت ها، نازک و تحریک آمیز سخن گفتن و شوخی با مردان نامحرم و امثال آن مورد بحث است و در سایر مسائل با کمی تفاوت امر و نهی به روال عادی صورت می پذیرد. و تنها تذکر مرد جوان به دختر و زنان جوان آن هم درباره بی حجابی و بدحجابی، آرایش و خودنمایی در جامعه و نزد نامحرم است که باید مورد دقت قرار گیرد.

در این جا توصیه هایی را به منظور موفقیت هر چه

بیشتر مردان در امر و نهی بانوان بیان می کنیم:

۱ - رعایت تقوای همه جانبه به هنگام امر و نهی.

۲ - انتخاب موقعیت زمانی و مکانی مناسب.

۳ - در صورت لزوم امر و نهی در حضور دیگری انجام گیرد زیرا حضور دیگران حرکت مقدس نهی از منکر در جامعه را از هرگونه تهمت و افترا حفظ می کند. البته در برخی موارد لازم است کسی شاهد یا شنونده تذکر به زنان و دختران نباشد.

۴ - کلمات و حرکات تذکر دهنده به گونه ای باشد که از موضع تهمت به دور باشد.

۵ - نهی ازمنکر با کمال وقار، سر به زیری و با بیان واضح و رسا، محترمانه و با صبغه الهی بیان شود. مثلاً گفته شود خواهر (خانم) حجاب دینی خود را مراعات کن که این حکم خداست، یا دستور خداوندست که موی سر خود را کاملاً بپوشانی، یا خداوند خودنمایی زنان در جامعه را حرام کرده است. یا سر و گردن خود را بپوشان که حجاب حکم خداست و شما هم بنده خدا هستید.

۶ - نهی ازمنکر از هرگونه نقصان و بریدگی در کلام و دلهره و اضطراب به دور باشد.

۷ - در صورت همراه بودن خانواده نهی کننده، دختران یا زنان همراه، امر و نهی کنند. در غیر این صورت یا در صورت ضرورت خود در حضور آنها امر و نهی نماید.

۸ - اگر بی حجاب همراه دیگری است تذکر به او به صورت عادی انجام گیرد. البته اگر به همراه پدر یا همسر خود باشد گاهی بهتر است به پدر یا شوهر وی تذکر داده شود تا او را مورد نهی ازمنکر قرار دهد. سلام و احوالپرسی با سرپرست او می تواند مقدمه خوبی

برای بیان امر و نهی باشد.

۹ - برخی دختران بی حجاب در کنار مادران با حجاب خود در جامعه حاضر می شوند. تذکر به آنها در نزد مادر کار پسندیده ای است زیرا غالب مادران از امربه معروف به دختر خود حمایت می کنند. البته عده کمی از آنها با تذکر به دختر خود موافق نیستند و چه بسا موضع گیری منفی کنند. تعریف از حجاب مادران نقش بسیار مؤثری دارد، مثلاً گفته شود: چرا از روش مادر خود فاصله گرفته ای؟ حجاب مادر شما الگوی شماست. ارزش زن به پوشیدگی است نه هوسرانی و تقلید از دشمنان اسلام.

۱۰ - برخی زنان مبتذل به گونه ای در جامعه حضور می یابند که در صورت تذکر و اراده اصلاح وضع خود، نمی توانند به وظیفه دینی خود عمل کنند. به چنین کسانی می توان گفت: از خدا نمی ترسی یا از خداوند حیا نمی کنی این گونه در جامعه حاضر شده ای؟ زن عفیف این گونه وارد جامعه نمی شود، یا آرایش و خودنمایی برای غیرشوهر حرام است و شما باید ساده و پوشیده باشید.

برخی زنان بی حجاب که مورد امر و نهی قرار می گیرند اظهار می دارند: شما نگاه نکن چرا نگاه کردی؟ در جواب می توان گفت، نگاه نکردن من از تکلیف شما نمی کاهد. شما نامحرم را به نگاه نگیر. نگاه افتادن غیر از نگاه کردن عمدی است. نگاه من تو را بی حجاب کرد یا بی حجابی تو سبب نگاه من شد؟

به خانمی که دختر بچه خود را به صورت عروسکی در ویترین جامعه به نمایش گذارده بود گفته شد. به همان گونه که برای خود شخصیت و ارزش قائلید برای فرزند خود نیز قائل باشید. حیای دختر بچه با عریان بودن سر و پاهای

او از بین می رود. آن گاه مقدمه معصیت بی حیایی و بی حجابی آینده او را به دست خود فراهم کرده ای. جواب داد: حجاب او واجب نیست. گفته شد بی حجابی او واجب است؟

فصل هشتم : آثار امر و نهی دینی در روایات

اشاره

امر و نهی دینی نظیر هر عمل دیگر آثار طبیعی و شرعی خود را به همراه دارد. این آثار به طور پراکنده در آیات و روایات بیان شده اند که مهم ترین آنها را طی یازده موضوع جداگانه مطرح می کنیم:

۱ – حفظ اسلام و احکام آن

این بدیهی ترین و مهم ترین اثر امر و نهی دینی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

پا برجائی دین به امربه معروف و نهی ازمنکر و اقامه حدود است.(۷۳)

امام باقرعلیه السلام فرمود:

امربه معروف و نهی ازمنکر راه انبیا و صالحین است. فریضه عظیمی است که دیگر واجبات به وسیله آن اجرا می گردد.(۷۴)

اسلام حقیقتی است که حفظ آن به اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنین است و امر و نهی دینی وسیله ای مقدس و موثر جهت اجرای احکام دین است.

۲ – تقویت مؤمنین

تقویت اهل ایمان در جامعه به تقویت افکار، عقاید و ارزش های دینی آنهاست. وقتی محتوای دین که حاوی ارزش های پذیرفته شده مؤمنان است مورد توجه و تذکر و اجرا قرار گیرد و ضد ارزش ها و نبایدهای دینی مورد نهی واقع شوند، اهل ایمان تقویت خواهند شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

کسی که امر به معروف کند، پشت مؤمنان را محکم کرده است.(۷۵)

امر و نهی دینی حضور مثبت اهل ایمان در جامعه است و طبیعی است که چنین حضوری پشت مؤمنین را محکم می کند.

۳ – تحصیل خلافت الهی

خدای تعالی بیش از هر کسی در کتاب الهی خود به خوبی ها امر فرموده و از بدی ها نهی کرده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز به فرمان او امر و نهی های الهی را اعلام و بر تحقق آنها تلاش فراوان کرد. بنابراین کسی که به امر و نهی الهی همت گمارد خلیفه خدا و رسول خدا صلی الله علیه وآله خواهد بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

کسی که امربه معروف و نهی ازمنکر کند خلیفه خدا در زمین و خلیفه رسول اوست.(۷۶)

۴ – عزت

امام باقر علیه السلام فرمود:

امربه معروف و نهی ازمنکر دو مخلوق از مخلوقات خدای عزوجل هستند. پس کسی که آن دو را یاری کند، خدا او را عزیز کند و کسی که آنها را یاری نکند، خدا او را یاری نخواهد کرد.(۷۷)

امام صادق علیه السلام فرمود:

در عزت مؤمن کافی است که چون عمل زشتی را ببیند، خدا از ناخشنودی قلب او آگاه گردد.(۷۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

با منزلت ترین انسان ها نزد خدا در روز قیامت کسی است که برای نصیحت مردم بیشتر در زمین حرکت کند.(۷۹)

۵ – آبادی زمین

امام باقر علیه السلام فرمود:

به وسیله امربه معروف و نهی ازمنکر زمین آباد می گردد.(۸۰)

آبادی زمین به حاکمیت عدالت و تحقق ارزش ها و بایدهای دینی و رفع گناهان و نبایدهای مذهبی است که در سایه امر و نهی دینی تحقق می یابند. زیرا رفع آلودگی های باطنی و افزایش فضای سبز معنوی جامعه از آثار قطعی امر و نهی دینی است.

۶ – امنیت

آنچه سبب رفع آسایش و سلب امنیت می گردد "منکر" است و آنچه به تحقق امنیت منتهی شود "معروف" است و در نهی ازمنکر از عوامل مخل امنیت نهی می شود و در امربه معروف به "عوامل ایجاد امنیت" امر می شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، راه ها امن می شود.(۸۱)

۷ – رستگاری

قرآن کریم می فرماید:

باید از شما مسلمانان گروهی باشند که به خیر و نیکی دعوت کنند و امربه معروف و نهی ازمنکر نمایند و آنها رستگارانند.(۸۲)

۸ – نجات از بلاها

قرآن کریم می فرماید:

وقتی آنچه را که متذکر شده بودند فراموش کردند، ما نهی کنندگان از بدی ها را نجات دادیم و ظالمان و فاسقان را به عذاب گرفتار کردیم.(۸۳)

۹ – تضعیف کفار

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

کسی که نهی از منکر کند، بینی کفار را به خاک مالیده است.(۸۴)

کفار، بیگانه از ارزش های الهی و مایل به منکرات اند و از همین رو از طرح ارزش ها و نهی از بدی ها رنج می برند. چه این که امروز کفار دنیا از تحقق ارزش های الهی در هر یک از کشورهای اسلامی و به ویژه ایران اسلامی اندوهناک اند. هر ارزش دینی خود خاری در چشم آنهاست و مبارزه با هر ضد ارزش برخلاف میل متکبرانه ایشان خواهد بود و بینی آنها را به خاک مذلت می مالد، به ویژه اگر امر و نهی های اسلامی، جنبه جهانی داشته و خطاب به سران دنیا باشد.

۱۰ – خیر و نیکی

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

امت من در خیر و خوشی هستند، مادام که امربه معروف و نهی ازمنکر می کنند.(۸۵)

۱۱ – شرکت در ثواب دیگران

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

کسی که امربه معروف و نهی ازمنکر کند یا بر کار خیری راهنمایی نماید در انجام آن کارهای خیر شریک است و کسی که امر به بدی کند یا بر کار زشتی راهنمایی نماید در آن اعمال شریک است.(۸۶)

۱۲ – اصلاح گنهکاران

فاطمه زهراعلیها السلام فرمود:

خداوند امر به معروف را به خاطر مصلحت عموم مردم واجب کرد.(۸۷)

نکته امر به معروف قطره زلال بارانی است که از بارش ابرهای آسمان روح مؤمن بر سرزمین جان گنهکار فرو می ریزد و به او حیات می بخشد.

فصل نهم : عوامل ترک امر و نهی دینی

مذمت ترک امرونهی دینی

همان گونه که بیان شد، امر به معروف و نهی ازمنکر دو حکم از احکام اساسی و کلیدی اسلام اند که سبب اجرای سایر احکام دین می گردند و عظمت آنها نسبت به سایر احکام اسلامی همانند دریا و قطره آب است. اگر امرونهی دینی در جامعه ترک شود، نشانه های دین از بین می رود، رذایل جای فضایل را می گیرد و اهل ایمان غریب می شوند و اصل ایمان و حیات معنوی انسان دستخوش خطر جدی قرار می گیرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

کسی که کار بد را به قلب و زبانش انکار نکند، مرده ای میان زنده هاست.(۸۸)

این مرگ یک مرگ معنوی است. هر چیزی نشانه ای دارد و حیات معنوی نیز نشانه های خاص خود را دارد که از جمله این علایم حساسیت داشتن به موافقت و مخالفت خداوند تعالی است. اگر کسی از چنین احساسی محروم باشد در حقیقت حیات معنوی خود را از دست داده است و در مردار خیری نیست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

در کسی که نصیحت کننده نیست و نصیحت کنندگان را دوست ندارد خیری نیست.(۸۹)

چه دردی بالاتر از این که انسان از یک وجود مثبت و خیر محروم مانـد و عملاً خود را تعطیل و از قلب دینداری که امر و نهی اسلامی است محروم کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

وای بر کسانی که خدا را با امربه معروف و نهی ازمنکر دینداری نمی کنند.(۹۰)

ترک امر و نهی، نوعی موافقت با گناه و مخالفت با خدای تعالی است. اگر آدمی

موافق گناه نیست چرا ابراز نمی کند؟ چرا در حدی که بر موقعیت خود حساس و از آن دفاع می کند بر موقعیت دین خود حساسیت ندارد و از آن دفاع نمی کند؟ اگر کسی با یکی از دوستان و نزدیکان ما مخالفت ورزد از او دفاع می کنیم چه ارتباطی بالاتر از ارتباط بنده با خداوند؟ معلوم می شود به دشمنی پنهان با خدای خود گرفتار آمده ایم، اگر چه به این واقعیت قلبی اق.....[نداشته باشیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که گناه را ببیند و با توانی که دارد از آن نهی نکند دوست دارد معصیت خدا شود و کسی که دوست دارد معصیت خدا شود. دشمنی خود را با خدا آشکار ساخته است.(۹۱)

از مجموع آنچه بیان گردید، نتیجه می گیریم که مؤمن باید غیرت دینی داشته باشد. در غیر این صورت انسان بی خیر و آفت مندی است که از حیات پاک معنوی که اساس انسانیت آدمی را تشکیل می دهد محروم است.

علل ترک امرونهی دینی

توضیح

با همه اهمیت و اولویتی که اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر قایل شده است و باتوجه به آثار نیکو و فراوانی که در این دو فریضه نورانی وجود دارد، بیشتر از هر واجب دیگری ترک می شوند. ترک واجبی به این اهمیت که اساسی ترین اصل عملی اسلام است بدون علت نیست. در این بحث عوامل و ریشه های اصلی ترک امر و نهی دینی را مورد تحلیل قرار می دهیم تا با شناخت آنها، زمینه از بین بردنشان فراهم گردد و با شیوه هایی که ارائه می شود زمینه تحقق وظیفه به فضل خدای رحمان مهیا گردد.

۱ - ضعف ایمان

امر و نهی ریشه در قرآن کریم و روایات پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام دارد. و این مقدار از دستورهای دینی کافی است که هر مؤمنی که از حد متوسط ایمان به خدا و اسلام برخوردار است، به انجام این دو فرضیه الهی قیام کند. بنابراین اگر کسی با توجه به همه تأکیدهایی که از ارکان دین در کتاب و سنت گرد آمده است، تسامح ورزد، معلوم می شود که تدین او آفت مند است، و یکی از آفات مهم ضعف ایمان است که می تواند منشأ آفات دیگر و از جمله ترک امر و نهی دینی باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

اِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیُبْغِضُ الْمُؤمِنَ الضَّعیفَ الَّذی لا دینَ لَهُ فَقیلَ: وَ مَاالْمُؤْمِنُ الضَّعیفُ الَّذی لا دینَ لَهُ؟ قالَ الَّذی لا یَنْهی عِنِ الْمُنْکَرِ(۹۲)

خداوند عزوجل دشمن می دارد مؤمن ضعیفی را که دین ندارد، گفته شد، مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ فرمود: کسی

که نهی ازمنکر نمی کند.

چه ضعفی بدتر از ضعف ایمان که گسترش آن سبب بی ایمانی می گردد. مهلکه ای

که بدتر از آن تصور نمی شود. کسی که با محاسبه نفس و جستجو در زوایای قلبی خود به این نتیجه رسد که ترک امر و نهی دینی او ناشی از ضعف ایمان است باید با مطالعه، استغاثه به درگاه الهی، توسل به حضرات معصومین علیهم السلام، تلاوت قرآن و استماع سخنان علمای صاحب نفس، ایمان خود را تقویت کند تا با بهبودی که در وضع معنوی و روحی او پدید می آید، امر و نهی را همانند سایر واجبات، بلکه با عنایت هر چه بیشتر انجام دهد.

۲ – ضعف نفس

یکی از عوامل مهم ترک امربه معروف و به ویژه نهی ازمنکر ضعف نفس است. عده بسیاری تکلیف را احساس می کنند و توان انجام آن را دارند اما به سبب ضعف نفس، آن را ترک می کنند. اغلب کسانی که در جامعه حضور چندانی نداشته اند و از سنین کمتر وارد صحنه های دفاع از ارزش های دینی و انسانی نشده اند به نوعی از ضعف نفس گرفتار شده اند که امر و نهی اسلامی را چون کوهی بزرگ برخود سنگین احساس می کنند و اگر بخواهند تذکری دهند، لرزه بر اندامشان می افتد و رنگ چهره آنها تغییر می کند. اینها تکلیف را احساس می کنند، علاقه به انجام آن هم دارند اما ضعف نفس آنها مانع از ورود در صحنه های امر و نهی دینی گردیده است.

سعدی می گوید: سالی از بلخ به شهری سفر می کردیم و راه پر از خطر راهزنانی بود که اموال مردم را به یغما می بردند. اما جوانی با ما همراه شد سلحشور و جنگاور که ده مرد جنگی توان شکست او را نداشتند. من و این جوان با یکدیگر بودیم. دیوار قدیمی را به قدرت بازو فرو می ریخت

و درخت کهن را به زور سرپنجه خود می کَند و با تفاخر می گفت:

پیل کو تا کتف و بازوی گردان ببیند

شیرکو تا کتف و سرپنجه مردان ببیند

اما این جوان از خانواده ای متنعم و نازپرورده بود، نه جهاندیده و سفر کرده. فریاد رعدآسای دلاوران به گوشش نرسیده بود و برق شمشیر سواران را ندیده بود.

در حال قدرت نمایی جوان بودیم که دو هندو از پس سنگی سربر آوردند و قصد کشتن ما کردند. در دست یکی چوبی بود و در دست دیگری کلوخ کوبی.

به جوان گفتم چه می کنی؟ به قدرت خود با آنها برخورد کن که به پای خویش به گور خود آمدند. تیر و کمان را دیدم که از دست جوان افتاده بود و بر خود می لرزید.

چاره جز آن ندیدیم که سلاح و جامه رها کردیم و جان به سلامت بردیم.

سعدی در پایان نتیجه می گیرد که تجربه و کارآزمودگی و حضور در میدان مهم است.(۹۳)

کسانی که باتوجه به ضعف نفس خود توان حضور در میدان مقدس امربه معروف و نهی از منکر را ندارند باید کار را از اموری آسان و نسبت به کسانی آغاز کنند که از آنها ترسی ندارند، تا به تدریج قوی گردند و به همه گنهکاران امرو نهی دینی نمایند. به عنوان مثال: اول به دختر بچه های به تکلیف رسیده که حجاب خود را مراعات نمی کنند تذکر دهند تا بتوانند به زنان بی حجاب تذکر دهند. آن گاه است که امر و نهی دینی آسان و عملی می گردد.

۳ – ترس های بی مورد

ترس های انسان بر دو نوع است. ترس های معقول که از تجزیه و تحلیل و عاقبت اندیشی های صحیح ناشی می شود و دیگر ترس هایی که از ضعف انسان سرچشمه می گیرد. منشأ

ترس های نوع اول تفکر و بررسی مسائل است اما ترس های نوع دوم از یک ضعف منفی درونی ناشی می گردد.

ترک امر و نهی دینی براساس ترس های معقول جایز و در مواردی واجب است، اما ترک این فریضه که به خیالات واهی و القائات شیطانی و ترسو بودن انسان منتهی می شود، جایز نیست. ترس های نوع دوم یک بیماری است و تا وقتی مداوا نشوند، آثار منفی آنها که از جمله ترک امر و نهی دینی است، ادامه می یابد و اگر جزو ملکات روحی آدمی شوند زوال آنها به دشواری می گراید. افراد ترسو می دانند که این ترس حریّت و آزادی آنان را گرفته و به اسیری ذلیل مبدل ساخته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

سزاوار نیست که مؤمن بخیل یا ترسو باشد.(۹۴)

مداوای این بیماری مهلک امری ضروری است که با بررسی ریشه های آن آغاز می گردد. وقتی انسان دریابد که ترس او برخاسته از القائات شیطانی و خیالات واهی است و این روحیه سبب اخلال در رشد معنوی و منافع دنیوی و آخرتی او گشته است، باید با تمرین و تکرار از کارهای کوچک آغاز کند و بی وقفه ادامه دهد تا این صفت منفی از صحنه وجود او رخت بربندد. آن گاه است که بدون هراس به امر و نهی دینی می پردازد و یافته های منفی ذهن خود را به هیچ می انگارد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

بدانید که امربه معروف و نهی ازمنکر اَجَل کسی را نزدیک نمی کند و رزق کسی را قطع نخواهد کرد.(۹۵)

۴ – موقعیت گنهکار

یکی از عوامل ترک نهی ازمنکر، موقعیت افراد است. صاحب منصبان اجتماعی و اداری و به طور کلی، مقامات بالاتر نظیر حکام، سالمندان، پدران، مادران و امثال آنها کمتر

مورد امر و نهی قرار می گیرند و علت آن هم موقعیت سنی، فکری و مقامی آنهاست که اجازه تذکر نمی دهد و یا برخورد بعدی آنان مانع از امر و نهی آنها می گردد. البته انسان های صالح در هر موقعیت که باشند از تذکرات سازنده دیگران استقبال می کنند و این را به نفع خود می دانند اگر چه بعضی به سبب برخی از ذهنیات خود از تذکر به آنها پرهیز می نمایند.

شایان ذکر است که امر و نهی به کسانی که به هر علت مافوق انسان محسوب می شوند باید به طور مخفی و با احترام کامل و دور از مقاصد نفسانی انجام گیرد.

۵ – القائات شیطانی

شیطان در هر کار خیری مانع تراشی می کند و نسبت به امر و نهی دینی القائات و وسوسه های بیشتری دارد. یکی از القائات او وعده فقر است. قرآن کریم می فرماید:

شیطان به شما وعده فقر می دهد.(۹۶)

شیطان امر و نهی اسلامی را سبب فقر انسان معرفی می کند که اگر امر و نهی دینی انجام دهی امتیازات تو کم خواهد شد، منافع تو تهدید می شود و معیشت تو به تنگنا می افتد و فقیرخواهی شد.

در آیه ای دیگر آمده است:

این القائات شیطان است که با آنها اولیای خود را می ترساند. شما از آنها نترسید.(۹۷)

از این آیه شریفه استفاده می شود که یکی از القائات شیطان ایجاد ترس در دل مؤمنین است ترس بر "از دست دادن چیزی که به آن علاقه دارد." القا می کند که اگر امر و نهی کنی محبوبیت تو از میان خواهد رفت، موقعیت تو از کف می رود، منفور دیگران می گردی و گاهی این وسوسه ها را در یک لحظه به صورت رگبار بر گوش جان انسان فرو می ریزد و

از بیان پیام حق جلوگیری می کند و راه خدا را می بندد.

مؤمن باید بداند که القائات شیطان، القائات دشمن قسم خورده اوست و نباید به آنها توجه داشته باشد. بلکه باید با ذکر خدا این القائات را دفع نماید.

۶ – مخالفت حکومت ها

یکی از علل ترک امر و نهی الهی در سطح جامعه، حکومت های فاسد و غیراسلامی هستند. این حکومت ها قبل از هر چیز به آرامش جامعه می اندیشند و چنانچه به ارزش های الهی و انسانی معتقد باشند، در صورت تعارض وجود آرامش و ارزش ها، آرامش را مقدم می دارند هر چند این آرامش معصیت باشد. البته امر و نهی دینی در بسیاری از موارد تضادی با آرامش اجتماعی ندارد اما مواردی وجود دارد که با آنها اصطکاک پیدا می کند. در این گونه موارد، تنها حاکمان صالح خدا هستند که هر چیزی از جمله آرامش را فدای ارزش ها و احکام الهی می کنند و این یکی از موارد تشخیص حاکمان صالح و غیرصالح است. و مؤمنین باید حکم خدا را بر هر چیزی مقدم بدارند.

۷ – مخالفت دشمنان اسلام

عامل دیگر ترک امر و نهی دینی در جوامع اسلامی مخالفت دشمنان اسلام و ارزش های الهی (ابرقدرت ها، سازمان های بین المللی و کشورهای غربی و شخصیت های بیگانه با ارزش ها) است. آنها با طرح شعارهای فریبنده حقوق بشر، آزادی، تجدد و حقوق زن و امثال آن از هرگونه امر و نهی دینی که سبب احیای احکام دین خدا گردد، جلوگیری می کنند و متأسفانه با این حرکت های خود سبب برخی آزادی های غیرمشروع در کشورهای اسلامی شده، و امر و نهی دینی را در هاله ای از غربت و تنهایی فرو برده اند. به طوری که آن را یک دخالت غیرموجه و ضایع کننده حقوق انسان ها تلقی می کنند.

بر مردم و مسئولین معتقد به احکام دینی است که وسوسه های آنان را نادیده انگارند، و حکم خدا را با هیچ یک از القائات دشمنان ترک نکنند که این خواست مهم دشمنان دین خداست که

مسلمین با تمایلات آنها همسو شوند. تهدید بر تحریم سیاسی و اقتصادی از تهدید خدا بر تحریم بهشت و تهدید بر عذاب "ترك امر و نهی اسلامی" بزرگتر نیست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

امربه معروف کن تا خود اهل معروف باشی، با دل و زبان منکرات را ردنما و از کسی که عمل بدی انجام می دهد بشدّت دوری نما و در راه خدا در حد توان تلاش نما و هرگز ملامتِ ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد.(۹۸)

۸ – جهل

یکی دیگر از عوامل ترك امر و نهی دینی جهل به اهمیت آن از نظر عقل و شرع است و راه اصلاح آن مطالعه و حضور در صحنه ها و جلسات مربوط به شناخت این فریضه الهی است.

۹ – وابستگی به گنهکاران

وابستگی به گنهکاران یکی از اسباب شیوع بی تفاوتی و ترك امربه معروف و نهی ازمنکر است. برخی از گنهکاران منشأ برخی از خدمات مالی، علمی، اجتماعی، سیاسی و امثال آن هستند که این خدمات زبان نیازمندان به آنها را از امر و نهی دینی کوتاه کرده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در فلسفه توبیخ الهی بنی اسرائیل می فرماید: زیرا آنها فساد و منکر را از ستمکاران می دیدند اما به خاطر دلبستگی به کمك های آنها و ترسی که از ایشان در دل داشتند آنها را از منکر باز نمی داشتند.(۹۹)

تنها راه اصلاح، قطع امید و وابستگی از آنها و توکل بر خدای رزاق است. یك انسان وابسته، از حرّیت محروم است و چنین کسی زبان حقگو نخواهد داشت مگر این که ریشه های وابستگی را قطع کند. آن گاه می تواند سخن خود را به گوش هر یك از مخاطبانش برساند.

شخصی روزانه مقداری گوشت از قصابی خریداری می کرد و در ضمن مقداری گوشت زاید و بدون مصرف را برای گربه ای که در منزل داشت می گرفت. روزی فهمید که قصاب مرتکب گناهی می گردد. ابتدا به منزل رفت و گربه را بیرون کرد و سپس به نزد قصاب رفت و او را نهی ازمنکر کرد. قصاب به او گفت: از این پس گربه شما غذایی نخواهد داشت.

او در جواب گفت: اول گربه را از خانه بیرون راندم و بعد از آن تو را نهی ازمنکر کردم.(۱۰۰)

وابستگی به گنهکاران حربه ای منفی در امر و

نهی دینی به حساب می آیـد امّا وابسـتگی گنهکاران به امر و نهی کنندگان می تواند یک حربه ای مثبت باشد تا نیازهای آنها را مشـروط به ترک گناه و انجام واجب برآورده سازند. این روش می تواند بسیاری از بن بست های امر و نهی را از جلوی راه بردارد. در این شیوه انجام واجب یا ترک گناه به طور صریح از گنهکار خواسته می شود.

۱۰ – مخالفت و ملامت دیگران

یکی دیگر از عوامـل و ریشه هـای ترک امر و نهی اسـلامی، مخالفت برخی گنهکاران یا هواداران آنهاست. اکثر این مخالفت ها مخالفت با احکام خدا و دفاع از معصیت و تأمین شهوات آنهاست.

متأسـفانه عـده ای از مؤمنین بـا این مخـالفت ها به هراس افتاده، امر و نهی الهی را ترک می کننـد در حالی که ملامت دیگران مجوز ترک امر و نهی الهی نیست و نبایـد کمـترین تـأثیری در روحیه مؤمن در مبـارزه او بـا گنـاه داشـته باشـد. قرآن کریـم در وصف بندگان محبوب الهی می فرماید:

لا يَخافُونَ لَومَةَ لائِمٍ(۱۰۱)

در راه دین از نکوهش کسی باکی ندارند.

سرزنش ملامـت گران بر کسـی اثر منفی دارد که به حرکت خود ایمان محکمی نـدارد. سـرزنش یزیـدیان به اسـرای اهل بیت علیهم السـلام گسترده بود اما کمترین تأثیر منفی بر آنها نـداشت. بی توجهی آمرین به معروف به ملامت ها یکی از نشانه های رشد است.

در رأس مخالفین امر و نهی دینی شیطان قرار دارد که مخالفت خود را با زبان پیروان خویش بیان می کند.

قرآن کریم می فرماید:

شیطان ها به دوستان خود القا می کنند تا با شما مجادله نمایند.(۱۰۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره پیروان شیطان می فرماید:

شیطان با چشم آنان می نگرد و با زبان آنها سخن می گوید.(۱۰۳)

پاسخ مخالفت های دیگران

امر و نهی همواره بـا مخـالفت هـایی روبرو بوده است. مخـالفین به گمان خود جمله های قانع کننـده ای را برای رد پیام حق و اصـلاح هـای اجتمـاعی بـا خود به همراه دارنـد که این جملات نه تنهـا منطقی و معقول نیست که مخـالفتی آشـکار با احکام خداونـد تلقی می شونـد و در این صورت نیـازی به جواب تحلیلی ندارنـد. در این جـا به ذکر مخالفت ها و جواب های کوتاه آنها که در کمترین فرصت بیان شود می پردازیم.

* یکی از سخنان آنها در

برابر امر و نهی دینی این است که "آزادم"!

در جواب می توان گفت: از قید خدا هم آزادی؟ آیا در مخالفت با خدا هم آزادی؟

بله آزادی که گناه می کنی اگر بنده بودی مطیع خدا بودی.

* به شما مربوط نیست، یا دخالت نکن.

به خدا که مربوط است، من دستور خدا را بیان کردم.

امر به معروف دخالت من نیست، دخالت خداوند است.

* خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت باش!

همرنگ جماعت با تقوا یا همرنگ جماعت گنهکار؟

خواهی نشوی رسوا همرنگ دیانت باش.

* قلبت پاک باشد!

قلب پاک گناه نمی کند.

پاکی قلب به عمل پاک است.

* مملکت صاحب دارد!

بله، صاحب مملکت دستور نهی از منکر داده است.

ملت صاحب مملکت است.

* دوست داریم که گناه کنیم.

اما خداوند دوست ندارد گناه کنید.

هر چه می خواهی انجام بده امّا گناه نکن.

* مزاحم نشو.

به جایی رسیده ای که حکم خدا را مزاحمت می دانی؟

از خدا بترس و در برابر احکام او موضع گیری نکن.

* برو به کار خود برس.

دستور خدا مهم تر از کار من است.

کار من همین است که خداوند تعیین کرده است.

* ما را در یک قبر می گذارند و شما را در قبر دیگر.

بله قبر ما از هم جداست، اما دین و تکلیف ما مشترک است.

* بعضی از گنهکاران در برابر نهی از منکر اظهار ناراحتی و مخالفت می کنند.

در جواب باید گفت: هیچ گاه از حکم خدا ناراحت نشو.

* برخی از گنهکاران که برای یک مرتبه یا مدت کوتاهی مرتکب گناهی می شوند در برابر نهی از منکر اظهار می دارند:

گناه ما همیشگی نیست!

در جواب باید گفت: مخالفت با خدا از جمله اموری است که کم آن هم زیاد و زیانبار است.

هیچ گاه حکم خدا را زیر پا نگذار.

* تعصب نداشته باش!

تعصب به دین

خدا نداشته باشم؟ شما نسبت به گناه تعصب نداشته باش.

* تعصب خشک نداشته باش.

پایبندی به احکام خدا تعصب خشک نیست.

* عیسی به دین خود، موسی به دین خود.

عیسی و موسی گفته اند امربه معروف کنید.

* همه مشکلات حل شده است و تنها همین کار مانده است؟

مخالفت با خدا مشکل نیست؟

* دیگران بدتر از ما هستند.

بدتری آنها مجوز گناه شما نیست.

* ما دیگر گرفتار شده ایم!

گرفتار گناه شده ای اما اراده ات آزاد است.

انسان تا آخرین لحظه های عمر امکان تجدید نظر و نجات از معصیت دارد.

* آب از سرما گذشته است!

قرآن فرموده است: از رحمت خدا مأیوس نباشید.

انسان تا زنده است آب از سرش نگذشته است.

* از کی تا به حال متدیّن شدی؟

از وقتی که خدا توفیق داد.

از خدا می خواهم که متدیّن باشم.

* برخی از همسران زنان بی حجاب که مورد نهی از منکر قرار می گیرند ابراز می دارند: حجاب همسرم به من مربوط می شود!

در جواب باید گفت: یعنی به خداوند مربوط نمی شود؟ من حکم خدا را بیان کردم.

* برخی در برابر نهی از ریش تراشی اظهار می کنند: ما به خاطر بهداشت و نظافت ریش خود را می تراشیم!

در جواب می توان گفت: بهداشت و سلامت چهره با ریش، در برابر سرما و گرما و آلودگی ها بهتر حفظ می شود، همان گونه که موهای سر خود را نظافت می کنید ریش خود را هم نظافت کنید.

به بهانه نظافت معصیت نکنید.

به فرد ریش تراشی نهی از منکر شد. جواب داد: کسانی که ریش دارند خوب عمل نکردند. سؤال شد کسانی که ریش ندارند همه درستکار بودند؟ گفت: خیر. پس شما ریش که از شعایر اسلام است را داشته باشید و خوب هم عمل کنید. زیرا داشتن ریش یک

معروف و عریـان کردن صورت یـک منکر است. شـما یـک چهره مـذهبی را به چهره ای غیرمـذهبی و متضاد با سـیره و روش پیامبر و ائمه علیهم السلام مبدل کردید.

*به فردی (بی حجابی) امربه معروف شد. جواب داد: من مسلمان نیستم.

بنده خدا که هستی من حکم خدا را بیان کردم.

حکومت، قوانین و جامعه، اسلامی است.

در پایان ذکر این نکته مهم لازم است که یکی از بهترین جواب های مخالفین، دفاع از امر و نهی کنندگان در جامعه است. بی تفـاوتی در دفاع از آنها بعضاً حرام و موجب ضـعف روحی می گردد و دفاع از آنها یک کمک روحی بزرگ است. وقتی امر یا نهی دینی از زبان فرد دیگری تکرار شود جبهه مخالف دچار ضعف و تزلزل می گردد.

پیام حق را بپذیریم

گنهکاران خوب می داننـد که امر و نهی کننـدگان پیام آوران حق اند پس باید از هرگونه بهانه جویی، کج خلقی و بی مهری با آنها پرهیز کرد. زیرا پذیرش آنها پذیرش حق و رد آنها رد پیام حق است.

در تفسیر مجمع البیان آمده است: تکبر از پذیرش حق از بزرگترین گناهان است.(۱۰۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

خوشا به حال کسـی که از نصـیحت کننـده ای که او را هدایت می کند اطاعت نماید و از گمراهی که او را منحرف می سازد پرهیز نماید.(۱۰۵)

و در حدیث دیگری فرمود:

ای مردم! سـخن کسـی که شـما را نصـیحت می کنـد بپذیریـد و قرآن را برای عمل به آن، از او قبول کنیـد و بدانید که خدای سبحان ستایش از مردم نمی کند مگر کسانی که به اجابت حق پیشتازترند.(۱۰۶)

پیامبرصلی الله علیه وآله می فرماید:

بـدترین گروه مردم کسانی هسـتند که امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر را مورد طرد و بدگویی قرار می دهند. (۱۰۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

کسی که با نصیحت

مخالفت کند هلاک می شود.(۱۰۸)

و نیز فرمود: در کسانی که نصیحت کننده نیستند و نصیحت کنندگان را دوست ندارند، خیری نیست.(۱۰۹)

و در حدیث دیگری فرمود:

کسی که نصیحت را بپذیرد رسوا نشود.(۱۱۰)

یکی از صفات مهم اخلاقی که باید مدتی را در پی تحصیل آن به خودسازی پرداخت، استقبال از سخن و پیام حق است که توسط دیگران ابلاغ می گردد. انسان های خود ساخته نه تنها پیام حق را در انجام واجبات و ترك حرام می پذیرند بلکه از پیام رسان تشکر و به او دعا می کنند.

نکته ای عزیزا! نیك بدان که امر کنندگان به خوبی ها و نهی کنندگان از بدی ها پیام آوردن حقند که به آینده تو می اندیشند و به سود تو سخن می گویند. پس با گشاده رویی و تشکر، پیام خدایت را بپذیر تا قهر تو با خدا به صلح و دوستی گراید.

فصل دهم : آثار ترک امر و نهی دینی در روایات

۱ – تسلط بدکاران

وقتی امر و نهی دینی صورت نگیرد، گنهکاران بر گناه خود جرأت یافته، به انجام آن رسمیت می دهند و رسمیت گناه در جامعه سبب ازدیاد گنهکاران و افزایش آنان موجب حاکمیت آنها می شود.

امام رضا علیه السلام فرمود:

امربه معروف و نهی ازمنکر کنید یا آن که بدان شما بر شما تسلط می یابند و خوبان شما دعا می کنند و مستجاب نمی شود.(۱۱۱)

۲ – محرومیت از برکات الهی

به طور کلی هر عمل خوب یا بد صرف نظر از آثار اخروی که برای انجام دهنده آن دارد برخی آثار تکوینی را با خود به همراه دارد. از جمله آثار گناه "ترك امر و نهی دینی"، از میان رفتن برکات الهی است.

امام صادق علیه السلام فرموده است: هر گنهکاری که در قومی گناهی انجام دهد و بر معصیتش ادب نشود اولین چیزی که خدا آن قوم را به آن گرفتار می سازد این است که ارزاق آنها را کم می کند.(۱۱۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: همواره امت من در خیر و خوبی به سر می برند مادامی که امر به معروف و نهی ازمنکر می کنند و بر نیکی کمك می نمایند. پس وقتی آن را ترك کردند، برکات از ایشان گرفته می شود و بعضی بر بعضی مسلط

می گردند و یاوری در زمین و آسمان نمی یابند.(۱۱۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

خدای سبحان گذشتگان را از رحمت خود دور نساخت مگر این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند.(۱۱۴)

۳ – لعنت معصومین علیهم السلام

زشتی ترک امر و نهی دینی به اندازه ای است که سبب گردیده تا بزرگان دین بر ترک کنندگان آنها لعنت کنند. امام صادق علیه السلام به شیعیان نوشت: بزرگسالان شما مهربانی کنند و از نادانان و ریاست طلبان نهی نمایند یا این که لعنت من به همه شما خواهد رسید.(۱۱۵)

۴ – واژگونی قلب

کسی که از بدی ها نهی نکند و به خوبی ها امر ننماید به نوعی این شخص، ترک خوبی ها و انجام بدی ها را پذیرفته است و این پذیرش رفته رفته در قلب او تثبیت می گردد به گونه ای که بدی ها را بد نمی داند و به خوبی ها اهمیت نمی دهد. چنین قلبی یک قلب وارونه ای خواهد بود. ادامه چنین حالتی به جایی می رسد که چه بسا خوبی را بدی و بدی را خوبی تلقی می کند؛ که در این صورت وارونگی قلب او افزایش بیشتری پیدا می کند.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

کسی که با قلب خود از خوبی طرفداری نکند و از بدی نهی ننماید قلبش واژگونه می شود.(۱۱۶)

۵ – عقوبت

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند عموم مردم را به گناه پنهانی گروه خاصی عذاب نمی کند اما وقتی عده ای آشکارا گناه کنند و عامه مردم جلوگیری نکنند، هر دو گروه مورد عقوبت خدای عزّو جل قرار می گیرند.(۱۱۷)

امام باقرعلیه السلام فرمود: خداوند به شعیب پیامبرعلیه السلام وحی کرد: صدهزار نفر از قوم تو را عذاب می کنم که چهل هزار نفر از بدان و شصت هزار نفر از خوبان هستند. سؤال کرد بدها مستحق عذابند اما نیکان را چرا عذاب می کنی؟ خداوند فرمود: زیرا با اهل معصیت چرب زبانی کردند و برای خشم من خشمگین نشدند.(۱۱۸)

والحمدلله رب العالمین

پی نوشت ها

۱) غررالحکم ۲) سوره لقمان، آیه ۱۷ .

۳) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۷ .

۴) مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹ .

۵) غررالحکم ۶) نهج البلاغه: حکمت ۳۷۴ .

۷) نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴ .

۸) سوره آل عمران، آیه ۱۰۴ .

۹) مجمع المسایل، ج ۲ ، ص ۱۶ .

۱۰) استفتائات امام، ج ۲ .

۱۱) استفتائات امام ج ۲، ص ۲۱ .

۱۲) بحارالانوار، ج ۶۴ ، ص ۱۵۱ .

۱۳) عروهالوثقی، کتاب النکاح، مسئله ۳۱ .

۱۴) رساله: غسل های مستحب ۱۵) استفتائات امام، ج ۲ .

۱۶) همان منبع .

۱۷) اسلام شریعت سهله است نه شریعت تساهل و تسامح، شریعت سهله یعنی دینی که احکام و دستورات آن آسان است و سهله صفت شریعت است امّا تساهل و تسامح صفت شریعت نیست، بلکه بی قیدی نسبت به خلاف شرع های عقیدتی و اخلاقی است که گناهی آشکار و مغایر با غیرت دینی و امربه معروف و نهی ازمنکر است. قابل توجه است که حدی هم برای تساهل و تسامح معین نشده است که تا کجا باید نسبت به اسلام بی قیدی و سهل انگاری

کرد. اگر تساهل نسبت به اصول اعتقادی و واجبات و محرمات است، اسلام چنین تساهلی را جایز نمی داند و غیرت دینی و امر و نهی را واجب فرموده است. و اگر نسبت به انجام مکروهات و ترک مستحبات در حیات فردی و اجتماعی است که این گفتن ندارد. این نظریه جهت بی تفاوتی به احکام، اندیشه های اسلامی و غیرت دینی است که با روح اسلام در تضاد است.

۱۸) استفتائات امام خمینی، ج ۲ ، ص ۲۶ .

۱۹) استفتائات امام خمینی، ج ۲ ، ص ۹ .

۲۰) استفتائات امام خمینی، ج ۲ ، ص ۱۹ و ۲۰ .

۲۱) رساله امام خمینی، مسئله ۲۰۶۷ .

۲۲) ربا دادن پدر و فرزند و زن و شوهر به یکدیگر جایز است) رساله امام مسئله ۲۰۸۰

۲۳) استفتائات امام خمینی، ج ۲ ، ص ۴۳ .

۲۴) مستدرک الوسایل، ج ۱۵ ، ص ۱۷۰ .

۲۵) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۰۳ .

۲۶) تاریخ قم، ص ۲۱۹ .

۲۷) مردان علم، ج ۱ ، ص ۲۶۹ .

۲۸) مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴ ، ص ۲۰۷ .

۲۹) مصباح الشریعه، ص ۲۷۲ .

۳۰) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۱۹ .

۳۱) سوره لقمان، آیه ۱۷ .

۳۲) مردان علم در میدان عمل، ج ۱ ، ص ۲۷۰ .

۳۳) منتخب التواریخ، ص ۴۰۶ .

۳۴) داستان ها و پندها، ج ۸ ، ص ۴۸ .

۳۵) قصص العلماء، ص ۲۳۳ .

۳۶) داستان ها و پندها، ج ۱ ، ص ۱۱۶ .

۳۷) موارد معروف و منکر به طور مفصل در فصل دوم گذشت.

۳۸) شرط تأثیر برای ترک کار بی فایده است و نباید بهانه ای جهت ترک امر و نهی شود.

۳۹) تحریر الوسیله، ج ۱ .

احکام مراتب امر و نهی در فصل پنجم خواهد آمد. آیهالله العظمی حائری یزدی که مؤسس حوزه علمیه قم بود وقتی از هدف شوم استعمار باخبر شد اشاره به رگهای گلوی خود کرد و فرمود: «تا پای جان باید ایستاد و من هم می ایستم، ناموس است، حجاب است، ضروری دین و قرآن است!»

۴۰) مستدرک الوسایل، ج ۲ ، ص ۲۲۵ .

۴۱) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۰۶ .

۴۲) همان منبع، ص ۴۰۵ .

۴۳) تحریرالوسیله، ج ۱ .

۴۴) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۴۵ .

۴۵) مستدرک الوسایل، ج ۱۲ ، ص ۱۹۷ .

۴۶) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۱۱ .

۴۷) همان منبع، ص ۴۰۹ .

۴۸) رساله ۴۹) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۰۳ .

۵۰) بحارالانوار، ج ۵ ، ص ۳۲۴ .

۵۱) مستدرک الوسایل، ج ۱۲ ، ص ۳۱۶ .

۵۲) تحریر الوسیله، ج ۱ .

۵۳) سوره نحل، آیه ۱۲۵ .

۵۴) منتهی الآمال، ج ۲ ، ص ۲۹۵ ، چاپ انتشارات پیام آزادی.

۵۵) حکایات علما با سلاطین، ج ۱ ، ص ۱۱۴ .

۵۶) سوره نحل، آیه ۱۲۵ .

۵۷) حکایات علما با سلاطین، ص ۶۶ .

۵۸) وسایل الشیعه، ج ۱۲ ، ص ۱۴۵ .

۵۹) اصول کافی، زندگانی امام جواد علیه السلام ۶۰) بحارالانوار، ج ۴۶ ، ص ۲۴۷ .

۶۱) داستان دوستان، ج ۵ ، ص ۱۳۵ .

۶۲) مردان علم در میدان عمل، ج ۱ ، ص ۳۲۷ .

۶۳) وسایل الشیعه، ج ۱۷ ، ص ۳۴۰ .

۶۴) رساله امام خمینی.

۶۵) لازم به یادآوری است که رعایت قوانین نظام اسلامی در انجام امر و نهی عملی الزامی است.

۶۶) بحارالانوار، ج ۷۸ ، ص ۳۷۴ .

۶۷) مجمع البیان، ج ۱

، ص ۹ ، مقدمهالکتاب .

۶۸) بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۳۱۹ .

۶۹) غررالحکم ۷۰) سوره تحریم، آیه ۶ .

۷۱) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۱۸ .

۷۲) استفتائات امام خمینی، ج ۱ ، ص ۴۹۰ .

۷۳) غررالحکم ۷۴) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۹۵ .

۷۵) نهج البلاغه، حکمت ۳۱ .

۷۶) مستدرک الوسایل، ج ۱۲ ، ص ۱۷۹ .

۷۷) بحارالانوار، ج ۱۰۰ ، ص ۷۵ .

۷۸) وسایل الشیعه ج ۱۱ ، ص ۴۰۹ .

۷۹) بحارالانوار، ج ۷۴ ، ص ۳۵۸ .

۸۰) همان منبع، ص ۳۹۵ .

۸۱) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۹۵ .

۸۲) سوره آل عمران، آیه ۱۰۴ .

۸۳) سوره اعراف، آیه ۱۶۵ .

۸۴) نهج البلاغه: حکمت ۳۱ .

۸۵) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۹۸ .

۸۶) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۸۸ .

۸۷) علل الشرایع، ج ۱ ، باب ۱۸۲ ، ح ۲ .

۸۸) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۰۴ .

۸۹) غررالحکم ۹۰) مستدرک الوسایل، ج ۱۲ ، ص ۱۸۱ .

۹۱) مستدرک، ج ۱۲ ، ص ۱۷۷ .

۹۲) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۹۷ .

۹۳) گلستان، باب هفتم، حکایت هفدهم ۹۴) کنزالعمال، ج ۳ ، ص ۴۵۳ .

۹۵) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۹۵ .

۹۶) سوره بقره، آیه ۲۶۸ .

۹۷) سوره آل عمران، آیه ۱۷۵ .

۹۸) نهج البلاغه، نامه ۳۱ ، وصیت به امام حسن علیه السلام ۹۹) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۰۲ .

۱۰۰) جامع السعادات، ج ۲ ، ص ۲۴۸ .

۱۰۱) سوره مائده، آیه ۵۴ .

۱۰۲) سوره انعام، آیه ۱۲۱ .

۱۰۳) نهج البلاغه: خطبه ۷ .

۱۰۴) مجمع البیان، ج ۱ ، ص ۳۰۱ .

۱۰۵) غررالحکم ۱۰۶) غررالحکم ۱۰۷) مستدرک الوسایل، ج

۱۲ ، ص ۱۸۳ .

۱۰۸) غررالحکم ۱۰۹) همان منبع.

۱۱۰) همان منبع.

۱۱۱) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۹۴ .

۱۱۲) همان منبع، ص ۴۰۵

۱۱۳) همان منبع، ص ۳۹۸

۱۱۴) نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ .

۱۱۵) وسائل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۳۹۵ .

۱۱۶) نهج البلاغه: حکمت ۳۷۵

۱۱۷) وسایل الشیعه ج ۱۱ ، ص ۴۰۷ .

۱۱۸) وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۴۱۶ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹